وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّ

اعداد

وتربیه جهادی





مولف : عبدالقادر بن عبدالعزیز

مترجم : عبدالحي فقيري

بسم الله الرحمن الرحیم

[redacted]

اعداد
وتربیه جهادی

مترجم : عبدالحی (فقیری)

سال : ۱۳۸۹ هـ ش

مؤلف : عبدالقادربن عبدالعزیز

مترجم : عبدالحی فقیری

ناشر : حزب اسلامی افغانستان

جبهه صلاح الدین آیوبی

فهرست

مقدمه مترجم

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و بعد :

قال تعالی : یا ایها النبی حرض المومنین علی القتال

وقال النبی صلی الله علیه و سلم : جاهدوا المشرکین باموالکم و انفسکم و السنتکم . در جهان معاصر یگانه راه حل برای مشکلات بشریت و مخصوصاً عالم اسلام پیروی از احکامات الهی و تطبیق شریعت الله متعال است که متاسفانه حتی در عالم یك حکومتی هم نیست که شریعت را تطبیق کند. جهاد در راه الله و اعاده نظام اسلامی و خلافت اسلامی راه نجات همگان و هدف بزرگ هر مسلمان است . برای جهاد باید آمادگی گرفت. آمادگی روحی و معنوی و آمادگی مالی و اقتصادی و آمادگی جسمی و نظامی . که آمادگی برای جوانان و نوجوانان از همه گان بیشتر نیاز است بناءً رساله العمدة فی إعداد العدة نوشته برادر مجاهد عبدالقادر بن عبدالعزیز را ترجمه و تلخیص می کنم امیدوارم کمك خوبی برای راهنمائی جوانان در راه آماده شدن به جهاد بوده باشد . الله نویسنده را اجر جزیل بدهد و این ترجمه را قبول درگاهش بگرداند .

شایان ذکر است که این رساله در عین حالیکه از عربی به فارسی ترجمه می شود نهایت خلاصه نیز میگردد زیرا درین زمانه طالب العلمان به مختصرات و مواد های کوتاه و مفید عادت کرده اند . وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

قاضی عبدالحی فقیری

محرم سال ۱۴۲۳ هـ ق

مقدمه مؤلف

ان الحمد لله نحمده تعالي و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سيئات اعمالنا من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادی له. و اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله.

(يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا وانتم مسلمون. اما بعد!

عن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: انما الاعمال بالنيات و انما لكل امرى ما نوى فمن كانت هجرته الى الله و رسوله فهجرته الى الله و رسوله.

متفق عليه

ترجمه: ثواب اعمال به نيت ارتباط دارد و برای هر انسانی همان اجری خواهد بود که نيت آنرا دارد. پس هر که برای رضای الله و بسوی پيامبرش هجرت کند هجرت او بسوی الله و رسولش است....

تقاضای توحيد الوهيت اين است که انسان ها به امر الله تعالی عمل کنند و شريعت او را تطبيق نمايند. نبوت بر پيامبر اسلام خاتمه يافت و شريعت اسلام کاملترين اديان الهی است. و در همه ابعاد زندگی دستور العمل واضح دارد. و هيچ ضرورتی برای وضع نظام و قوانين جديد نيست. الله ﷻ می فرمايد: ﴿ وَ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبيانا لكل شئ ﴾ و قرآن را بر تو نازل کرديم که همه چيز را بيان

میکند. ومی فرماید: إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّهِ أَمَرَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِيَّاهُ حکم تنها حکم الله است و امر نموده است تا تنها و تنها عبادت او تعالی شود.

بناءً همه نظام های ساخته و پرداخته بشریت اعم از دیموکراسی، کمونیزم، سوسیالیزم و غیره همه کفر و گمراهی بوده و متاسفانه بر کشور های اسلامی همین نظام ها مسلط اند و این نظام ها بر شریعت الله جل جلاله تجاوز کرده اند که باید جلو این تجاوز گرفته شود و از الوهیت الله متعال دفاع صورت گیرد. همین را در شریعت جهاد فی سبیل الله می گویند

الله جل جلاله برای بندگانش نیازی ندارد. جهاد و دفاع از شریعت الله و مقابله با کفر و طاغوت بخاطر امتحان بندگان است. تا مجاهد را از قاعد و مؤمن را از منافق جدا کند. وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ و حتماً شما را امتحان میکنیم تا مجاهدان و صابران را جدا کنیم. و همچنان می فرماید: وَمَن جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ کسی که جهاد میکند برای خودش میکند

بعضی ها میگویند چگونه جهاد کنیم در حالیکه میان گروه ها اختلافات به اوج خود رسیده و از نظر وسایل نهایت عقب افتنده ایم؟ جواب در دو آیه جداگانه در سوره مبارکه انفال است که می فرماید: وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا

تَــنازَعُواْ فَتَفْشَــلُواْ وَتَــذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُواْ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّــابِرِينَ « واز الله و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست میشوید و هیبت شما از بین می رود و صبر کنید که الله با صابران است. سوره انفال: ۴۶

« وَأَعِــدُّواْ لَهُــم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّة » و هرچه در توان دارید از نیرو و قوت آماده کنید. سوره انفال: ۶۰

بناءً گفته می توانیم که ادای فریضه جهاد بستگی به اعداد و تربیه جهادی دارد. همان اعدادی که الله تبارك و تعالی آنرا حد فاصل میان مؤمن و منافق قرار داده است. هر آنکه مصروف اعداد برای جهاد فی سبیل الله است مؤمن است. و هر آنکه اعداد را ترك کرده است منافق است. در سورة توبه می فرماید: « وَلَوْ أَرَادُواْ الْخُرُوجَ لأَعَدُّواْ لَهُ عُدَّةً وَلَــكِن كَــرِهَ اللّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُواْ مَعَ الْقَاعِدِينَ » و اگر براستی اراده بیرون رفتن داشتند حتماً برای آن وسایل تدارك میدیدند و لی الله رفتن آنانرا خوش نداشت پس ایشان را منصرف گردانید و گفته شد با بازماندگان بمانید. التوبه ۴۶

اعداد برای جهاد از تشکیل گروه و جماعت مسلمان آغاز میگردد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: آمرکم بخمس الله امرنی بهن: بالجماعة والسمع و الطاعة و الهجرة والجهاد: به پنج چیز شما را امر میکنم که الله مرا به آن امر کرده است: بر جماعت وشنیدن واطاعت کردن و هجرت و

جهاد . این جماعت دیگران را به جهاد تشویق می کند : (حرض المومنین علی القتال) مومنان را به جهاد تشویق کن و تاسرحد توان برای ادای این فریضه الهی آمادگی می گیرد .

همین اعداد و آمادگی برای جهاد عنوان این رساله است .

اعداد دو نوع است : اعداد مادی و اعداد معنوی یا ایمانی

اعداد مادی در محور کمیت است که دو بخش دارد ، بخش شرعی که مربوط به تشکیل جماعت و تطبیق سیاست شرعی در اداره آن است . و بخش فنی که مربوط به فنون و روش های نظامی و جنگی می باشد .

اعداد معنوي یا ایمانی : در محور کیفیت کار است که مربوط به تربیه گروه و جماعت مجاهد بر اساس اصول شرعی و تربیه ایمانی افراد آن است .

این رساله اجمالاً در مسایل شرعی اعداد مادی و تفصیلاً در مورد اعداد معنوی بحث میکند . بعضی برادرانیکه در مراکز ترننگ، و در میادین جهاد مصروف کار بودند از من خواستند تا در مورد چگونگی روابط مجاهدین با هم دیگر در مراکز تربیتی و در سنگرها بعضی مسایل شرعی را برایشان بنویسم تا مشعل راه شان باشد . بنده بعد از استخاره مولی تصمیم گرفتم که رساله یی بنویسم که دو هدف در آن بر آورده شود . یکی بحث مساله اعداد و تربیه جهادی و دیگری رساله یی به مراکز تربیه جهادی و ترننگ که جزء مهم اعداد و آمادگی برای جهاد به حساب می آید

ونمونه کوچکی از مجتمع اسلامی بوده و آنچه درین مراکز تطبیق میگردد قابل تطبیق در همه مجتمعات اسلامی است
این رساله را بعد از مقدمه به پنج باب تقسیم کردم:
باب اول: مختصری در مورد اخلاص و احتساب.
باب دوم: حکم ترننگ نظامی برای مسلمانان.
باب سوم: امارت.
باب چهارم: مسؤلیت های امیر.
باب پنجم: مسؤلیت های افراد
بناءً در این رساله مسایل ذیل مورد بحث قرار گرفته:
١ - مسایل مربوط به سیاست شرعی که ارتباط افراد را با همدیگر مورد بحث قرار میدهد.
٢ - مسایل اساسی و مهم در مورد جهاد وجایگاه جهاد در دین مبین اسلام.
٣ - مسایل متعلق به فهم دین مبین اسلام طبق منهج اهل سنت و جماعت.
۴ - مسایل مربوط به آداب اسلامی مخصوصاً در مورد علاقه مسلمان با مسلمانان.
گرچه این مسایل به ظاهر پراگنده به نظر می آید ولی در حقیقت هدف واحد دارد که عبارت از فهم مسایل مربوط به جهاد فی سبیل الله است.
درین رساله به بعضی شبهه های که بعضی مسلمان نماها در مورد جهاد آنرا پخش می کنند نیز جواب داده شده است احکام را با دلایل شرعی آن از قرآن و سنت ذکر کرده ام تا

این فرهنگ میان مسلمانان مخصوصاً مجاهدین عام گردد و هیچ سخنی را بدون دلیل شرعی کورکورانه نپذیرند زیرا ما الله ﷻ را با آیات کتاب و سنت پیامبرش عبادت میکنیم الله جل جلاله می فرماید **وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٣ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ** و هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند وی را به باغهایی در آورد که از زیر آن نهرها روان است در آن جاودانه اند و این همان کامیابی بزرگ است و هرکس از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید وی را در آتشی در آورد که همواره در آن بوده و برایش عذاب خفت آور است.

سورة النساء ۱۳ و ۱۴

پس هیچ سخنی در دین الله ﷻ قابل پذیرش نیست جز با نص قرآن یا حدیث یا اجماع و یا قیاس صحیح تا مسلمان در دام راه زنان راه الله بنام دعوت بسوی الله نیفتند.

امیدوارم الله جل جلاله این تلاش ناچیز را بپذیرد و برای هرکسی که در نشر آن تلاش می ورزد جزای خیر بدهد.

(عبدالقادر بن عبدالعزیز)

به این هدف به ترننگ برود که هنگام برگشت خود را از دیگران برتر بشمارد و بنابر ایستادنش در صف جهاد بر دیگران فخر فروشی کند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : اولین کسی که روز قیامت فیصله دوزخ برایش صادر میگردد شهید است . برای حساب حاضر کرده شده و نعمت های الله ﷻ در دنیا برایش تذکر داده می شود . بعد از اینکه به نعمت ها اعتراف کرد از او پرسیده می شود که در مقابل این همه نعمت ها چه سپاس گذاری کرده ای ؟ میگوید: در راه تو جنگیدم تا که کشته شدم میگوید دروغ میگویی . تو جنگیدی که بگویند بسیار با جرات است که گفتند . بعد امر می شود که بر روی کش شده و در دوزخ انداخته شود .

این قسمتی از حدیث است که مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است. نباید مسلمان به این نیت ترننگ و یا جهاد کند که منافع مالی یا منصب و قمندانی کمایی کند و بردیگران برتری حاصل کند . اگر با چنین نیتی کشته شود در دنیا و آخرت ضرر خواهد کرد خسرالدنیا و الآخرة ذلك هو الخسران المبین پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید ما ذئبان جایغان ارسلا فی غنم بافسد لها من حرص المرء بالمال والشرف لدینه: دوگرگ گرسنه آنقدر رمه را خراب نمی کند که محبت مال و منصب دین انسان را برباد میدهد همچنان به نیت کمک با گروه، حزب خاصی ترننگ یا جهاد کردن طوریکه اگر جهاد در کنار گروهش میسر باشد بجنگد

باب اول

اخلاص و احتساب

اخلاص یعنی خالص گردانیدن نیت و عمل خاص برای الله جل جلاله و برائت از همه اغراض

وعن ابی موسی الاشعری رضی الله عنه ان اعرابیااتی النبی صلی الله علیه وسلم فقال : یارسول الله الرجل یقاتل للمغنم و الرجل یقاتل للذکر والرجل یقاتل لیری مکانه و فی روایة یقاتل شجاعة و یقاتل حمیه فمن فی سبیل الله؟ فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم : من قاتل لتکون کلمة الله هی العلیا فهو فی سبیل الله متفق علیه

ترجمه : ابو موسی اشعری رضی الله عنه میگوید اعرابی پیّ آمده و پرسید یارسول الله مردی بخاطر غنیمت می جنگد و مردی برای شهرت و مردی برای نمایش جایگاهش پس در راه الله جنگیدن یعنی چه ؟ فرمودند کسی که برای اعلای کلمة الله می جنگد همان در راه الله ﷻ است

دوره های ترننگ ازمقدمات جهاد است و مسلمان در اثنای تمرینات مورد حملات دشمن قرار میگیرد که شاید به شهادت بانجامد. پس باید نیت خود را کاملاً پاك و خالص بداردوهدف وی از ترننگ آمادگی برای جهاد بخاطر اعلای کلمة الله باشد. تا پاداش خود را بطور کامل دریافت کند. زیرا ثواب جهاد مشروط به فی سبیل الله بودن است . نباید

و اگر میسر نباشد در صفوف دیگر اصلاً جهاد نکند. این چنین شخص بخاطر اعلای کلمة الله نمی جنگد بلکه برای بلند بردن بیرق حزب و جماعت خود می جنگد. این همین دعوای جاهلیت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در موردآن فرموده است: (مابال دعوی الجاهلیة دعوها فانها منتنه) و همچنان فرموده اند: کسی که زیر بیرق کور (نامعلوم) می جنگد و بخاطر عصبیت غضب می شود و بخاطر عصبیت می جنگد از امت من نیست و در روایتی آمده است که مرگ او مرگ جاهلیت است. گرچه جنگ آنها در نصرت دین مفید واقع می شود ولی بر ایشان در آخرت هیچ بهره یی نیست. شخصی در کنار پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار شجاعانه می جنگید. بعد زخمی شده و توان تحمل درد را نداشت بناءً خود کشی کرد. پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: (ان الله لیؤید هذا الدین بالرجل الفاجر) الله جل جلاله این دین را با انسان فاجر نصرت میدهد

(روایت بخاری)

شخصی بنام کر کرة موظف حمل وسایل پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر جهاد بود و کشته شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند او در دوزخ است زیرا چپنی را از غنیمت دزدیده بود. منافقین نیز در جنگ ها با پیامبر صلی الله علیه وسلم شرکت میکردند. چنانچه در غزوه بنی مصطلق گفتند. (لئن رجعنا الی المدینة لیخرجن الاعزمنها الاذل) بناءً گفته می توانیم که در سنگر های جهاد بودن

منافق . فاجر . نیت بد و افراد بی شخصیت بعید نیست همچو افراد درجهاد زمان پیامبرصلی الله علیه وسلم نیز بودند . ولی هرگز بودن شان در صفوف مجاهدین دلیل برای تخلف از جهاد برای دیگران شده نمی تواند . زیرا وقتی در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی آنرا دلیل قعود و تخلف خود از جهاد نشمرد در حالیکه قرآن وجودشان را در صفوف جهاد تائید میکرد در زمان ما که تشخیص شان مشکل است در هیچ صورتی مبرر ترك جهاد شده نمی تواند .
این را نیز باید بدانید که بودن فرد در صف مجاهدین و یا انفاق شخص در امورات خیر برای صالح بودن او کافی نیست زیرا در روایات فوق دیدیم که گروه های مختلفی در سنگر می روند و انفاق می کنند . وقتی چنین وضعیتی در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده است ، بدون شك حالا بدتر از آن خواهد بود . زیرا هر زمان بدتر از ماقبل آن می باشد .

برای مجاهدین لازم است که پیوسته در پی تجدید تصحیح نیات خویش باشند و اجازه ندهند شیطان با وسوسه هایش اعمالشان را باطل و ضایع کند . پیوسته نیت را تصحیح نمودن مفید تمام می شود . برای استمرار اعمال خیر نیت آغازین کافی نیست . هر وقت با تجدید عمل تجدید نیت و مراجعه آن ضروری و نهایت مفید است . در روشنایی حدیث انس رضی الله عنه این جریان بهتر واضح می شود . وی میگوید : « وان کان الرجل لیسلم ما یرید الا الدنیا فما یلبث

الا یسیرا حتی یکون الاسلام احب الیه من الدنیا و ما علیها
فرد را میدیدی که ایمان می آورد وجز بدست آوردن ، مال و منصب ، دنیا هیچ نیت دیگری نداشت. کمی وقت نمی گذشت که اسلام از دنیا و همه آنچه در دنیا است برایش عزیز تر می شد .

علامات نیت سالم : از جمله علامات نیت صحیح این است که ثبات و استمراریت انسان در جهاد و دیگر اعمال صالحه با مدح و ذم کسی و یا قطع نمودن تسهیلات از طرف مسؤلین و بر عکس آن و یا با رفتن یاران و تنها ماندن و یا کمی همراهان ..... آسیب پذیر نمی باشد .

همچنان هر زحمتی که در راه جهاد می کشد کم باشد یا زیاد به این معتقد باشد که اجر آن ضایع نمی شود . پیروزی بدست آمد یا نیامد .

سورة توبه آیه : ۱۳۰ این موضوع را خوب واضح می سازد .

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَ نَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلاَ يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَ يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلاً إِلاَّ كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۱۲۰ وَلاَ يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلاَ كَبِيرَةً وَلاَ يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ، چرا که هیچ تشنگی . رنج و گرسنگی در راه الله به آنان نمی رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می

آورد قدم نمی گذارند و از دشمن غنیمتی به دست نمی آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان نوشته می شود زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. و هیچ مال کوچك و بزرگی را انفاق نمی کنند و هیچ وادي را نمی پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می شود تا خداوند آنان را به بهتر از آنچه می کردند پاداش دهد.

کسانیکه به ترننگ می روند باید بدانند که تکالیف مرکز همه اجر دارد و بدون شك مرکز یکی ازجاهای است که پاگذاشتن در آنجا کفار را به خشم می آورد، «**ولا یطئون موطــئا یغیظ الکفار**» و درین راه پول مصرف کردن کم باشد یا زیاد همان نفقه فی سبیل الله است. «**ولاینفقون نفقه صغیرة و لاکبیرة ولا یقطعون وادیاً الا کتب لهم**» ترننگ کردن از بهترین ذرایع تقرب بدربار الله تعالی است. و از همه نوافل بهتر است امام مسلم از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«**رباط یوم و لیلة خیر من صیام شهر و قیامه و ان مات فــیه اجري علیه عمله الذی کان یعمل و اجری علیه رزقــه و امن من الفتان**» رباط یك شب و یك روز بهتر از روزه وقیام یك ماه است اگر در همین حالت بمیرد ثواب

عمل او ادامه دارد و روزی وی حواله است و از سوال منکر و نکیر در امان می ماند

کسی که در رباط این فضیلت را کمایی میکند. آیا فضیلت مجاهد چگونه خواهد بود؟ شخصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست که اجازه بدهد ازمردم کناره گرفته و در گوشه دور از دیگران عبادت کند. برایش فرمودند (**لا تفعل فان مقام احدکم فی سبیل الله افضل من صلاته فی بیته سبعین عاماً الا تحبون ان یغفر الله لکم و یدخلکم الجنة اغزوا فی سبیل الله من قاتل فی سبیل الله فواق ناقة وجبت له الجنه**) این کار را نکنید زیرا بودن هریکی از شما در صف جهاد فی سبیل الله بهتر از هفتاد سال نماز خواندن در خانه است، آیا دوست ندارید که الله شما را بیامرزد ودر جنت داخل نماید؟ در راه الله بجنگید کسی که در راه الله به اندازه دوشیدن یك شتر بجنگد جنت برایش لازم است.

روایت از ترمذی

در حدیث متفق علیه از ابوهریرة رضی الله عنه روایت شده که پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: مثال مجاهد راه الله بمثل کسی است که پیوسته روزه بگیرد و با نهایت خشوع و خضوع قیام اللیل کند هرگز از روزه و نماز خسته نشود تا وقتیکه مجاهد برمیگردد

ابن تیمیه رحمه الله میگوید: جهاد از حج و عمره و از عبادت در مسجد الحرام بهتر است. در سنگر در حال رباط بودن از

مجاورت مکه و مدینه و قدس بهتر است . ابوهریرة رضی الله عنه میگوید اگر یک شب را در رباط سپری کنم آن را بهتر از این میدانم که شب قدر را در کنار حجرالاسود دریابم. در حدیث شریف که بیهقی از ابوهریرة آنرا روایت نموده و البانی به شماره ۶۶۳۶ آنرا در صحیحه ذکر نموده است : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: موقف ساعة فی سبیل الله خیر من قیام لیلة القدر عند الحجر الاسود: ایستاده شدن یک ساعت در راه الله بهتر است از قیام شب قدر در کنارحجر الاسود. رباط اقامت در جایی را میگویند که در آنجا از دشمن بترسی و دشمن از تو بترسد. به همین دلیل اصحاب پیامبر زندگی در مدینه را نسبت به زندگی در مکه ترجیح میدادند. کسی که در منطقه یی به نیت مقابله و دفع دشمن می باشد او مرابط است

امام سرخسی در شرح کتاب سیر کبیر امام محمد شیبانی می نویسد: پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: (فی کل امة رهبانیة ورهبانیة هذه الامة الجهاد) در هر امت رهبانیت است و رهبانیت امت من جهاد است. معنی رهبانیت خود را به عبادت کاملاً فارغ ساختن و ترک مصروفیت ها دنیوی است. در امت های گذشته از مردم کناره گیری میکردند و در صومعه ها می نشستند. این کناره گیری از مردم برایشان بهتر بود نسبت به جتمع و معاشرت. پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا رد نموده فرمودند: لارهبانیه فی الاسلام و

الا یسیرا حتی یکون الاسلام احب الیه من الدنیا و ما علیها .
فرد را میدیدی که ایمان می آورد وجز بدست آوردن (مال و منصب) دنیا هیچ نیت دیگری نداشت. کمی وقت نمی گذشت که اسلام از دنیا و همه آنچه در دنیا است برایش عزیز تر می شد .

علامات نیت سالم : از جمله علامات نیت صحیح این است که ثبات و استمراریت انسان در جهاد و دیگر اعمال صالحه با مدح و ذم کسی و یا قطع نمودن تسهیلات از طرف مسؤلین و بر عکس آن و یا با رفتن یاران و تنها ماندن و یا کمی همراهان ..... آسیب پذیر نمی باشد .
همچنان هر زحمتی که در راه جهاد می کشد کم باشد یا زیاد به این معتقد باشد که اجر آن ضایع نمی شود ، پیروزی بدست آمد یا نیامد .
سورهٔ توبه آیه : ۱۳۰ این موضوع را خوب واضح می سازد .
﴿ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَ نَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَ يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلاً إِلاَّ كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۱۲۰ وَلاَ يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلاَ كَبِيرَةً وَلاَ يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴾ چرا که هیچ تشنگی ، رنج و گرسنگی در راه الله به آنان نمی رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می

آورد قدم نمی گذارند و از دشمن غنیمتی به دست نمی آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان نوشته می شود زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. و هیچ مال کوچك و بزرگی را انفاق نمی کنند و هیچ وادي را نمی پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می شود تا خداوند آنان را به بهتر از آنچه می کردند پاداش دهد.

کسانیکه به ترننگ می روند باید بدانند که تکالیف مرکز همه اجر دارد و بدون شك مرکز یکی ازجاهای است که پاگذاشتن در آنجا کفار را به خشم می آورد. «**ولا یطئون موطئا یغیظ الکفار**» و درین راه پول مصرف کردن کم باشد یا زیاد همان نفقه فی سبیل الله است. «**ولاینفقون نفقه صغیرة و لاکبیرة ولا یقطعون وادیاً الا کتب لهم**»

ترننگ کردن از بهترین ذرایع تقرب بدربار الله تعالی است. و از همه نوافل بهتر است امام مسلم از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«**رباط یوم و لیلة خیر من صیام شهر و قیامه و ان مات فیه اجري علیه عمله الذی کان یعمل و اجری علیه رزقه و امن من الفتان**» رباط یك شب و یك روز بهتر از روزه وقیام یك ماه است اگر در همین حالت بمیرد ثواب

عمل او ادامه دارد و روزی وی حواله است و از سوال منکر و نکیر در امان می ماند

کسی که در رباط این فضیلت را کمایی میکند. آیا فضیلت مجاهد چگونه خواهد بود؟ شخصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست که اجازه بدهد ازمردم کناره گرفته و در گوشه دور از دیگران عبادت کند. برایش فرمودند «لا تفعل فان مقام احدكم فی سبیل الله افضل من صلاته فی بیته سبعین عاماً الا تحبون ان یغفر الله لکم و یدخلکم الجنة اغزوا فی سبیل الله من قاتل فی سبیل الله فواق ناقة وجبت له الجنه» این کار را نکنید زیرا بودن هریکی از شما در صف جهاد فی سبیل الله بهتر از هفتاد سال نماز خواندن در خانه است. آیا دوست ندارید که الله شما را بیامرزد ودر جنت داخل نماید ؟ در راه الله بجنگید کسی که در راه الله به اندازه دوشیدن یك شتر بجنگد جنت برایش لازم است.

روایت از ترمذی

در حدیث متفق علیه از ابوهریرة رضی الله عنه روایت شده که پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: مثال مجاهد راه الله بمثل کسی است که پیوسته روزه بگیرد و با نهایت خشوع و خضوع قیام اللیل کند هرگز از روزه و نماز خسته نشود تا وقتیکه مجاهد برمیگردد

ابن تیمیه رحمه الله میگوید جهاد از حج و عمره و از عبادت در مسجد الحرام بهتر است در سنگر در حال رباط بودن از

مجاورت مکه و مدینه و قدس بهتر است . ابوهریرة رضی الله عنه میگوید اگر یک شب را در رباط سپری کنم آن را بهتر از این میدانم که شب قدر را در کنار حجرالاسود دریابم. در حدیث شریف که بیهقی از ابوهریرة آنرا روایت نموده و البانی به شماره ۶۶۳۶ آنرا در صحیحه ذکر نموده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: موقف ساعة فی سبیل الله خیر من قیام لیلة القدر عند الحجر الاسود: ایستاده شدن یک ساعت در راه الله بهتر است از قیام شب قدر در کنارحجر الاسود. رباط اقامت در جایی را میگویند که در آنجا از دشمن بترسی و دشمن از تو بترسد. به همین دلیل اصحاب پیامبر زندگی در مدینه را نسبت به زندگی در مکه ترجیح میدادند. کسی که در منطقه یی به نیت مقابله و دفع دشمن می باشد او مرابط است

امام سرخسی در شرح کتاب سیر کبیر امام محمد شیبانی می نویسد: پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: (فی کل امة رهبانیة ورهبانیة هذه الامة الجهاد) در هر امت رهبانیت است و رهبانیت امت من جهاد است. معنی رهبانیت خود را به عبادت کاملاً فارغ ساختن و ترک مصروفیت ها دنیوی است. در امت های گذشته از مردم کناره گیری میکردند و در صومعه ها می نشستند. این کناره گیری از مردم برایشان بهتر بود نسبت به اجتماع و معاشرت. پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا رد نموده فرمودند: لارهبانیه فی الاسلام و

رهبانیت امت را در جهاد فی سبیل الله معرفی کردند که هم با مردم معاشرت است و هم با دنیا قطع علاقه است و مصروف شدن در بهترین عمل اسلامی است که بلندترین قله اسلام است . در جهاد امر بالمعروف و نهی از منکر است که صفت خاص این امت است. و در جهاد بلند ترین درجه کمایی می شود که شهادت است و این بهترین نوع رهبانیت است. نباید مسلمان مشغول بودن در سایر عبادات را برای قعود از جهاد و از تدریب (ترننگ) بهانه بگیرد . بلکه همچو بهانه ها را از تلبیس و نیرنگ شیطان بداند.

ابن قیم رحمه الله میگوید : یکی از موانعی که شیطان در سر راه انسان می گذارد تا مانع رسیدن وی به کمال ایمان شود این است که اعمال صالحه غیر مهم را در نظرش نهایت مهم جلوه داده و همه اوقات او را در آن مصروف می سازد . به این ترتیب او را از اعمال صالحی که درجات علیا دارد محروم میدارد .

مسلمان می تواند درجات ایمان واعمال بهتر و بهترین را در روشنایی این حدیث شریف ارزیابی کند که می فرماید :

(الایمان بضع وسبعون شعبة افضلها قول لا اله الا الله وادنا ها اماطة الاذی عن الطریق والحیاء شعبة من الایمان

با توجه به آنچه گذشت باید مسلمانی که الله جل جلاله برایش توفیق عطا فرموده و زمینه ترننگ وجهاد را برایش میسر ساخته . قدر این نعمت بزرگ را بداند و شکر آنرا

اداء نماید و نباید این نعمت بزرگ را با بهای اندکی از دست بدهد ریا. عجب. خیانت دربیت المال وغنیمت و غیره اجر و ثواب جهاد را محو می کند.

مساله :- یکی از برادران پرسید که وقتی مجاهدی معاش بگیرد برای حل مشکلات روزمره خود وعیالش و یا در جهاد غنیمت بدست آورد. آیا از ثواب جهاد وی در نزد الله جل جلاله کاسته می شود ؟

جواب : آن بلی است. هر نفع دنیوی که برای مجاهد برسد از ثواب اخروی وی کاسته می شود.

کسی که برای جهاد می برآید یکی از چهار حالت را دارد.

۱ - فردی به جنگ می رود و فقد هدف وی غنیمت یا شهرت و یا ریاست و قوماندانی وغیره امورات دنیوی می باشد. و یا به نیت جاسوسی در صفوف مجاهدین داخل معرکه می شود. این چنین شخص دوزخی است. در حدیث طویلی از ابوهریرة آمده است: در راهت جنگیدم تا کشته شدم. گفته می شود دروغ میگویی. جنگیدی تا بگویند شجاع و بهادر است. و گفته شد. بعد امر می شود و او را بر روی کشانده و به جهنم می اندازند.

۲ - دیگری در سنگر جهاد بخاطر سربلندی دین الله جل جلاله می رود و این هدف را نیز به همراه دارد که غنیمت و یا شهرت و یا ریاست و غیره نیز بدست آورد. این شخص از ثواب جهاد محروم می گردد در ابوداؤد و نسایی از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده که شخصی از

پیامبرصلی الله علیه وسلم پرسید اگر شخصی به نیت ثواب و بخاطر کسب شهرت بجنگد چه بهره یی دارد؟ فرمودند هیچ بهره یی ندارد. سه بار پرسید در هر باری پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: لاشئ له. بعد فرمودند (ان الله لا یقبل من العمل الا ما کان له خالصاً و ابتغی به وجهه).

۳ - سومی کسی است که در جهاد جز اعلای کملة الله و سربلندی دین الله جل جلاله هیچ هدفی ندارد. بعد غنیمت بدست می آورد او ثواب جهاد را کمایی میکند ولی از ثواب وی بخاطر غنیمتی که بدست آورده کاسته می شود. زیرا هر نفع دنیایی از ثواب می کاهد.

۴ - چهارمی کسی که بخاطر اعلای کلمة الله به سنگر می رود. هیچ چیزی از دنیا بدست نمی آورد. این شخص اجر خود را کامل می گیرد و این گروه نیز دارای درجات متفاوت هستند. پائین ترین مقام برای کسی است که از جنگ سالم بر گردد و بلندترین مقام از آن کسی می باشد که خون وی بریزد و اسپ او نیز کشته شود و مالش هم در راه الله به مصرف برسد.

دلیل حالت سوم و چهارم حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما در مسلم شریف است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: ما من غازية تغزو فی سبیل الله فیصیبون الغنیمة الا تعجلوا ثلثی اجرهم من الآخرة و یبقی

لهم الثلث و ان لم یصیبوا غنیمة تم لهم اجرهم) هیچ گروه از غازیان به سنگر جهاد نمی روند و بعد غنیمت میگیرند مگر اینکه دو ثلث اجر شان را پیش از آخرت (در دنیا) می گیرند و یك ثلث برای (آخرت) شان می ماند . و اگر غنیمت نگیرند اجر شان پوره داده می شود .

امام نووی در شرح حدیث فوق می نویسد : نظر صحیح در این قضیه به جز همین رای دیگری جائز نیست که حدیث به آن حمل شود این است که وقتی مجاهد به سلامت بر میگردد و یا غنیمت میگیرد اجر او کمتر از کسی است که بسلامت بر نمی گردد ویا غنیمت نمی گیرد . غنیمت جزئی از پاداش جنگ آنان است . که وقتی آنرا بدست بیاورند به دو ثلث اجر شان قبل از آخرت رسیده اند . و همین رای موافق احادیث مشهور است .

مثل این قول صحابی که میگوید : (منامن مات و لم یاکل من اجره شیاءً ومنا من اینعت له ثمرته فهو یهدبها) بعضی ما مردند و هیچ از اجر خود نخوردند و بعضی میوه شان پخته شده و در حال چیدن هستند .

این مطلب را که ذکر کردیم رای صحیح و درست است و ظاهر حدیث همین مطلب را افاده میکند وهیچ حدیث صریحی نیامده که مخالف این مطلب بوده باشد . پس لازم است که حدیث فوق را به همین ترتیب توجیه کنیم و قاضی عیاض نیز به همین رای می باشد

صحیح مسلم شرح نووی جلد ۱۳ صفحه ۵۲

شایان ذکر است که ابن حجر در فتح الباری و شوکانی در نیل الاوطار موضوع را به تفصیل ذکر کرده اند ولی حکم صریح را چون امام نووی بیان نفرموده اند والله تعالی اعلم

باب دوم

ضرورت ترننگ نظامی برای مسلمان

درین باب مسایل ذیل تشریح میگردد

۱ - اهمیت ترننگ نظامی برای مسلمانان

۲ - حکم ترننگ نظامی برای مسلمانان

۳ – ترننگ نظامی بر چه کسی فرض می شود

۴ – چه کسی شرعاً معذور دانسته می شود

۵ - انفاق در راه الله جل جلاله

اول : اهمیت ترننگ برای آماده ساختن مجاهدین

امام احمد و ابوداود از ثوبان رضی الله عنه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : یوشك ان تداعی علیکم الامم من کل افق کما تداعی الاکلة علي قصعتها قلنا یارسول الله امن قلة منا یومئذ؟ قال انتم

یومئذ کثیر و لکنکم غثاء کغثاء السیل تنزع المهابة من قلوب عدوکم و یجعل فی قلوبکم الوهن قالوا وما الوهن؟ قال حب الحیاة و کراهیة الموت » نزدیك است که گروهای کفار یکدیگر را برای حمله بر شما دعوت بدهند چنانچه همکاسه ها یکدیگر را به دور کاسه غذا دعوت میدهند. گفتیم یا رسول الله بخاطر کمی تعداد ما در آنروز؟ فرمودند شما در آنروز زیاد می باشید ولی مثل کف سر سیلاب. ترس شما از دلهای دشمن بیرون می شود و در دلهای تان وهن سیطره میکند. گفتند وهن چیست؟ گفت محبت دنیا و ترس از مرگ.

همچنان ابوداود از ابن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « اذا تبایعتم بالعینة و اخذتم اذناب البقر و رضیتم بالزرع و ترکتم الجهاد سلط الله علیکم ذلاً لا ینزعه حتی ترجعوا الی دینکم »

وقتیکه با سود خرید و فروش کردید و دم گاوها را گرفتید و به دهقانی وزراعت خوش بودید وجهاد را ترك کردید الله بر شما ذلتی را مسلط میکند و آنرا از شما بر نمی دارد تاکه دوباره به دین تان برنگردید و جهاد را آغاز نکنید.

هر دو حدیث یك مطلب را افاده میکند و بدون شك هردو حالت فعلی مسلمانان را تمثیل و مجسم میکند به دنیا عشق ورزیدند و از مرگ ترسیدند و جهاد را ترك کردند.

حکومت های کافر بر آنان مسلط گردیده آنان را به بدترین عذاب شکنجه شان میکنند و به دین. نوامیس و مقدسات شان توهین میکنند. سر زمین های شان را اشغال نموده و اقتصاد شان را می دزدند و از همه بدتر اینکه به ذات پاك الله ﷻ و پیامبر بزرگوارش و قرآن مجید استهزا و تمسخر می نمایند . این عذابی است که الله ﷻ تارکین جهاد را وعید داده است چنانچه در سوره توبه می فرماید ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الآخِرَةِ إِلاَّ قَلِيلٌ ۳۸ إِلاَّ تَنفِرُواْ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلاَ تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ ای مومنان شما را چه شده که وقتی بر ایتان گفته می شود در راه الله ﷻ بسیج شوید کندی به خرج می دهید آیا بجای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید ؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست. اگر نروید شما را به عذاب دردناك عذاب میکند و گروهی دیگر را به جای شما می آورد و به او زیانی نخواهید رسانید و خداوند ﷻ بر هر چیز تواناست توبه: ۳۸ ـ ۳۹

از جمله عذاب الیم در آیه یکی ذلتی است که در حدیث ثوبان ذکر شده و دیگری مورد هجوم همگانی قرار گرفتن است که در حدیث ابن عمر آمده و راه نجات همان است که

پیامبر ﷺ فرموده اند «لا ینزعه حتی ترجعوا الی دینکم» این ذلت را از شما بر نمی دارد تا به دین خویش برنگردید و برگشتن به دین با احیای فریضه جهاد می باشد.
سوال اینجاست که وقتی حال ما چنین باشد. با این همه تفرقه و اختلاف و ضعف و عقب ماندگی مادی و معنوی چگونه فریضه جهاد را احیاء کنیم و چگونه به مجد و عظمت از دست رفته خویش بر گردیم؟
جواب را با قول ابن تیمیه میدهیم: «**یجب الاستعداد للجهاد باعـداد القوة ورباط الخیل فی وقت سقوطه للعجز فان ما لایتم الواجب الابه فهو واجب**» آمادگی گرفتن برای جهاد و قوت و نیرو برابر کردن و اسپ ها (ودیگر وسایل جنگی) تهیه نمودن در مدت زمانی که جهاد بخاطر ناتوانی مجاهدین ساقط گردیده فرض است. زیرا قاعده اصولی میگوید: آنچه فرض بدون آن انجام شده نمی تواند آن نیز فرض میگردد.
اعداد و آمادگی برای جهاد دو نوع می باشد. یکی اعداد ایمانی و معنوی با فراگرفتن علوم شرعی در باره جهاد و تزکیه نفس و دیگری اعداد و آمادگی مادی با کسب قوت و ترننگ و تمرین و با انفاق در راه الله جل جلاله.
در قدم اول قضیه اعداد مادی را مورد برسی قرار میدهیم زیرا همین موضوع سبب اصلی نوشتن این رساله است.

الله جل جلاله به مومنان دستور داده تا برای مقابله با کفار اعداد و آمادگی همه جانبه بگیرند. چنانچه می فرماید:

﴿ وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لاَ تَعْلَمُونَهُمُ اللّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لاَ تُظْلَمُونَ ﴾ وهر چه در توان دارید از نیرو و اسپهای آماده تهیه کنید تا با آن دشمن خدا و دشمن خود تان و دیگرانی را جز ایشان که شما نمی شناسید والله آنانرا می شناسد بترسانید و هر چه در راه الله خرچ کنید پاداش آن به خود شما باز گردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد شد. انفال: ٦٠

در تفسیر این آیه صحیح مسلم از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت میکند که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در سر منبر شنیدم که می فرمودند: **الا ان القوة الرمی الا ان القوة الرمی الا ان القوة الرمی** بدانید که قوت بهترین انداخت است. سه بار. این حدیث واضح میکند که قوت بهترین انداخت با بهترین اسلحه ها توسط بهترین تیر اندازان است. که مسلمان باید هرگز این فریضه را ترک نکند. تربیه و تزکیه مجاهدین نیز شامل اعداد است. و مراکز ترننگ و سنگرهای جهاد در صورتیکه افراد صالح بر آنها اشراف داشته باشد و طبق تقسیم اوقات و برنامه ریزی

دقیق عمل نمایند مناسبترین جای برای تربیه اخلاقی و ترننگ نظامی افراد و همچنان شناخت آنان و کشف مهارت هایشان و استخدام شان در ساحات مناسب جهادی است بعضی ها اعداد در آیه فوق را تربیه ایمانی و اخلاقی ترجمه نموده اولاً در مخالف حدیث صحیح فوق قرار میگیرند و ثانیاً همین تزکیه تربیه و تعلیم را به عنوان نوعی اعداد ذریعه قعود و تخلف از جهاد قرار داده کسالت وجبن خویش را زیر این تعبیر پنهان می کنند.

دوم: حکم ترننگ نظامی:

ترننگ بر هر مسلمان مکلف که معذور نباشد فرض است. زیرا مقدمه جهاد است.

جهاد گاهی اوقات فرض عین می شود. که در شرایط فعلی تقریباً بر همگان فرض عین است. بناءً ترننگ و آمادگی برای جهاد نیز فرض است. زیرا قاعده میگوید: (**مالا یتم الـواجب الابه فهو واجب**) آنچه فرض بدون آن انجام شده نمی تواند آن نیز فرض است.

جهاد چه وقت فرض عین میگردد؟ ابن قدامه در مغنی میگوید جهاد در سه موقعیت فرض میگردد.

۱ - وقتی که دو گروه مسلمان و کافر با هم روبرو می شوند و جنگ آغاز میگردد.

۲ - وقتی کفار بر شهری حمله میکند دفع آنان بر اهل آنجا فرض میگردد.

٣ وقتی که امام گروهی معین را دعوت به نفیر عام میدهد جهاد بر آنان فرض عین میگردد. با توجه به مطالب فوق در شرایط فعلی جهاد تقریباً بر هر مسلمان فرض است زیرا اکثر کشور های مسلمان را اشغال کرده اند و حکمرانان کافر بر آنان مسلط است.

درحدیث شریف آمده است «**من علم الرمی ثم ترکه فلیس منا اوقد عصی**» کسی که انداخت را بیاموزد بعد ترکش کند از مانیست و یا عصیان کرده است. وقتی که چنین وعید شدید بر فراموشی رمایه متوجه مسلمان باشد حالت کسی که اصلاً انداخت را نمی آموزد چگونه خواهد بود. استاد محمود شیت می نویسد: سلاح که استعمال نشود بی ارزش است یاد گرفتن استعمال سلاح بطور دقیق و مناسب باعث می شود که سلاح خوب استعمال شود و مجاهد ترننگ شده می تواند برجانت مقابل خود غالب آید عرب ها قبل از اسلام ترننگ میکردند وقتی اسلام آمد مسلمانان را بر ترننگ امر نموده و به آن تشویق کرد بناءً ترننگ چون جهاد بر هر مسلمان که قادر به حمل سلاح باشد فرض است. زیرا مسلمانان همه عسکر اسلام اند و برای اعلای کلمة الله می جنگند. علمای بزرگ اسلام بعد از سن پیری نیز ترننگ و انداخت را تمرین میکردند وقتی از سبب آن پرسیده می شدند حدیث فوق را دلیل می آوردند. عقبه بن عامر راوی حدیث در سن بسیار بالا نشان زده و بین دو نشان می دوید

گفتند تو که دیگر پیر و عاجزی او به همین حدیث برای سوال کننده استدلال کرد.

سوم: ترننگ نظامی بر چه کسی فرض می شود؟

در جهاد فرض عین پنج چیز شرط است. اسلام. بلوغ. عقل صحت و داشتن مصارف راه. همین شروط پنجگانه فرضیت جهاد برای فرضیت ترننگ نیز شرط می باشد. و به مجردیکه مسلمان به سن بلوغ می رسد ترننگ نظامی بروی فرض میگردد. ولی در سیرت صحابه رضی الله عنهم ثابت است که آنها قبل از سن بلوغ ترننگ نظامی کرده اند. چنانچه رافع بن خدیج را قبل از سن بلوغ در غزوه احد اجازه دادند زیرا تیر انداز خوبی بودند. صحابه می کوشیدند قبل از سن بلوغ فنون عسکری را بیا موزند و بمجردیکه اجازه اشتراك در جهاد را با رسیدن در سن بلوغ دریافت کنند. بتوانند ماهرانه بجنگند. در غزوهٔ احد پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم عبدالله بن عمر. زیدبن ثابت. اسامه بن زید. براء ابن عازب. اسید ابن ظهیر. عرابه بن اوس. زید بن ارقم و ابا سعید الخدری را اجازه اشتراك ندادند. آنها همه زیر پانزده سال بودند. اما یکسال بعد در غزوه خندق همه را اجازه دادند.

بطور خلاصه گفته می توانیم که ترننگ نظامی بر هر مسلمانی عاقل و صحتمند که مصارف ترننگ را داشته باشد و به سن پانزده سالگی رسیده باشد فرض است و

برای ترننگ فرض عین و فرض کفایی در کار نیست بلکه بر همگان فرض عین است و به اجازه هاضرورت نیست

حکم جهاد زنان فقهای مذاهب میگویند وقتی جهاد فرض عین شد یعنی دشمن بر خاك مسلمانان حمله کرد. جهاد بر همه گان فرض عین می شود. زیرا الله جل جلاله می فرماید «انفروا خفافا وثقالا» غلام بدون اذن مولایش. زن بدون اذن شوهرش و فرزند بدون اذن والدین به جهاد می روند.

کاسانی از احناف میگوید: (فاما اذا عم النفیر بان هجم العدو علی بلد فهو فرض عین یفترض علی کل واحد من آحاد المسلمین ممن هو قادر علیه لقوله تعالی) (انفروا خفافاً وثقالاً) فیخرج العبد بغیر اذن مولاه و المراة بغیر اذن زوجها ..... الخ. بدائع الصنایع ج ۹ ص ۴۳۰۱

الرملی از شافعی ها میگوید: (**فان دخلوا بلدة لنا وصار بینـــنا وبینهم دون مصافة القصر یلزم اهلها الدفع حتی من لا جهـــاد علـــیهم من فقیر و ولد وعبد و مدین و امراة**)

نهاية المحتاج ج ۸ ص ۵۸

امثال این عبارات در کتب فقه مذاهب چهارگانه زیاد است. نظر بنده این است که حتی در جهاد فرض عین جهاد برزنان محل نزاع بوده می تواند گرچه بعضی فقها در چنین حالت فرضیت جهاد برزنان را قول جمهور علماء دانسته و حتی اجماع مسلمانان را بر آن نقل کرده اند. و این فرضیت را از قاعده فقهی که میگوید فرض عین بر هر مسلمان عاقل بالغ

فرض می شود و در فرض عین بین مرد و زن فرق نیست. ولی از نظر من نصوص شرعی که در مورد جهاد زنان به ما رسیده است با این قاعده فقهی مخالف واقع گردیده[1]

عایشه رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه اشتراک در جهاد را خواست ایشان فرمودند: جهاد کن الحج روایت از بخاری است. ابن حجر میگوید: (به قول ابن بطال از این حدیث ثابت می شود که جهاد بر زنان فرض نیست ولی این بدان معنی نیست که آنها در جهاد حق اشتراک را ندارند).

در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم جهاد بار بار فرض شد ولی ثابت نیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم به زنها امر خروج داده باشد.

در غزوه تبوک نفیر عام اعلان شد که یکی از انواع جهاد فرض عین است ولی زنها خروج نکردند.

همچنان در غزوه خندق جهاد فرض عین بود ولی زنها جمعاً خروج نکرده بودند بناءً گفته میتوانیم که در صورت فرض عین بودن جهاد نیز بر زنان فرض نمی گردد. تنها در یک حالت فرض خواهد بود که اگر بر خانه ها مسلط شدند و بر زنان داخل شدند درین صورت بر هر کدام شان فرض است که از خود دفاع کند و بجنگند.

---

[1] - نظر مؤلف در مورد فرضیت جهاد بر زنان خلاف نظر جمهور علمای اسلام است (مترجم)

در مسلم شریف انس رضی الله عنه میگوید که ام سلیم در روز حنین خنجری بدست داشت ابوطلحه او را دید به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت یارسول الله ام سلیم را ببینید که خنجر بدست گرفته است پیامبرصلی الله علیه وسلم برایش گفت: این خنجر چیست؟ گفت آماده کردم تا اگر مشرکی به من نزدیك شود شکمش را پاره کنم. باوجود آنچه ذکر شد زنهامی توانند به اذن امیر در جهاد شرکت کنند.

در حدیث مسلم شریف آمده است: انس رضی الله عنه میگوید پیامبر صلی الله علیه وسلم ام سلیم و تعدادی از زنان انصار را به جهاد با خود می برد. آنها مجاهدین را آب میدادند و زخمی ها را تداوی میکردند.

ابن قدامه میگوید: (قال الخرقی: ولایدخل مع المسلین من النســاء الارض العــدو الا الطاعــنة فی السن لسقی الماء ومعالجة الجرحی کما فعل النبی صلی الله علیه وسلم) در سنگر تنها زنهای کلان برود البته برای آب دادن و معالجه زخمیان چنانچه که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می شد. مغنی ج ۱۰ ص ۳۹۱

وقتی که گفتیم جهاد برای دفاع از نفس بر زنان فرض می شود. بناءً این رانیز باید بدانیم که یاد گرفتن و سایل جهاد که برای دفاع از نفس استفاده میگردد نیز بر آنان فرض می شود. که باید شوهرش یا یکی از محارم وی و یا زنی که خودش استاد باشد به آنان بیاموزاند. و الله تعالی اعلم

در صدر اسلام وتا قبل از آمدن استعمار. ترننگ نظامی سهل و آسان و میسر برای همگان بود. حکومت های عمیل و دست نشانده استعمار بخاطر بقای خود اسلحه را منحصر به گروه خاصی کرده و حمل و استخدام آنرا بر دیگران تحریم کردند. و مردم را به کارهای عبث مصروف ساختند تا متوجه به این قضیه نشوند. فلم، سینما و ورزش و اموراتی را ایجاد کردند که جوانان یکسره به این کارها روی آورده و از شجاعت و مردانگی حمل سلاح و استخدام اسلحه غافل شوند. در حالیکه سلاح زینت مردان است و تنها در حالات خاصی چون باران و مریضی اجازه گذاشتن آنرا در زمین داریم.

باید مسلمانان هر فرصتی را که برای اعداد میسر شود غنیمت شمرده و فوراً خود و وابسته گان خود را تربیه جهادی بدهند. در غیر این صورت ترك تربیه جهادی و اهمال آن از صفات منافقین است: الله جل جلاله می فرماید

وَلَوْ أَرَادُواْ الْخُرُوجَ لأَعَدُّواْ لَهُ عُدَّةً وَلَكِن كَرِهَ اللّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُواْ مَعَ الْقَاعِدِينَ واگر براستی اراده بیرون رفتن داشتند قطعا برای آن ساز و برگی تدارك میدیدند ولی الله رفتن آنان را خوش نداشت پس آنان را منصرف گردانید. و به آنان گفته شد با ماندگان بمانید.

التوبه ۴۶

هر قدر که برای مسلمان میسر می شود باید ترننگ کند و مسلمانان در کار تربیه نظامی یکدیگر را همکاری و تعاون نمایند. مالداران مراکز تدریب رااکمال کنند. کرایه و سفریه مجاهدین را بپردازند. از خانواده های مجاهدین خبرداری نمایند. پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید:

(من جهز غازياً فقدغزا و من خلف غازياً في اهله بخير فقد غزا) حدیث متفق علیه بوده و از زید بن خالد رضی الله عنه روایت گردیده است. در ابوداود از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

(من لم يغز او يجهز غازياً او يخلف غازيا في اهله بخير اصابه الله بقارعة قبل يوم القيامة) کسی که غزا نرود و یا غازی را تجهیز نکند یا از خانواده غازی سرپرستی نکند قبل از قیامت عذاب کمر شکنی به او می رسد.

کمترین حد ترننگ این است که ورزش کند ولی ورزش ثقیل زیرا ورزش اساس ترننگ نظامی است و در همه جا میسر است حتی در اطاق کوچك و گوشه زندان. پس نباید از آن غافل بود. مخصوصاً زمانیکه اعداد بر ما فرض میگردد و دیگر انواع اعداد بدلیل نبودن اسلحه و فضای مناسب میسرنباشد باید به ورزش های ثقیل و آمادگی جسمی به نیت اعداد برای جهاد. روی آوریم.

۴ - اعذار شرعی و غیر شرعی برای ترک اعداد وجهاد:

بطور خلاصه میتوان گفت که عذر شرعی که فرضیت جهاد را ساقط می سازد عجز جسمی و عجز مالی است چنانچه در قرآن کریم آمده است ﴿لَّيْسَ عَلَى الضُّعَفَاء وَلاَ عَلَى الْمَرْضَى وَلاَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُواْ لِلّهِ وَرَسُولِهِ﴾ بر ناتوان و بیماران و بر کسانیکه چیزی نمی یابند (تا در جهاد) خرج کنند. در صورتیکه برای الله و پیامبرش خیر خواهی نمایند هیچ گناهی نیست. التوبه: ۹۱

همچنان می فرماید: ﴿لَيْسَ عَلَى الأَعْمَى حَرَجٌ وَلاَ عَلَى الأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلاَ عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ﴾ بر کور حرجی نیست و نه بر لنگ حرجی است و نه بر مریض حرجی است: النور: ۶۱

عذر غیر شرعی

ماندن در بین اهل و خانواده برای سرپرستی آنها عذر شده نمی تواند. همچنان ترسیدن ازکساد تجارت و عقب ماندن از وظیفه و یا درس و غیره عذر نیست. در سوره توبه الله جل جلاله می فرماید: ﴿قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِيَ اللّهُ

بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و مالی که گرد آورده اید وتجارتی که از کسادش بیمناکید و حویلی های که خوش دارید. نزد شما از الله و پیامبرش وجهاد در راه وی دوستداشتنی تر است. پس منتظر باشید تا الله فرمانش را (به اجراء) آورد. و الله گروه فاسقان را راهنمائی نمی کند

التوبه : ۲۴

احمد وابوداوداز ابن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : (**اذا تبايعتم بالعينه واخذتم اذناب البقر و رضيتم بالزرع و تركتم الجهاد سلط الله عليكم ذلاً لا ينزعه حتى ترجعوا الى دينكم**)

سردی و گرمی شدید نیز عذر شرعی نیست. قرآن می فرماید :

﴿ **وَقَالُواْ لاَ تَنفِرُواْ فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ** ﴾ و گفتند درگرمی به جهاد نروید بگو آتش دوزخ گرمتر است اگر بدانید التوبه : ۸۱

همچنان ضعف تربیوی و اخلاقی مسؤلین عذر شرعی شده نمی تواند اگر امیر جهاد انسان بدی باشد. بلکه اکثر همراهانش نیز چنان باشند باز هم درصورتیکه با کافران می جنگند باید در جهاد با آن ن شریک شویم زیرا از اصول اهل سنت وجماعت این است که در کنار هر بر و فاجر برای ادای

فریضه جهاد باید ایستاد . واین موضوع در باب سوم به تفصیل می آید .

کسانیکه به عذر شرعی از ترننگ و از جهاد می مانند امید است که اجر مجاهدین را داشته باشند . پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید : (**ان اقواماً بالمدینه ماقطعتم وادیا ولاسرتم مسیراً الا وهم معکم حبسهم العذر**) گروهی در مدینه است که هیچ وادی یی را نپیمودید و هیچ مسیری را نرفتید مگر اینکه آنها با شما بودند عذر مانع آمدن شان شد . متفق علیه ازانس رضی الله عنه .

البته این مشارکت در اجر بستگی دارد به نیت خالص و صادق آنان و شوق وعلاقه شان برای رسیدن به سنگر های جهاد و دعا برای پیروزی لشکر اسلام و شکست کفار ، اشتراك درجهاد مالی با تجهیز مجاهدین و سرپرستی خانواده ها یشان . تبلیغ برای پشتی بانی سنگر ها ، تشویق مسلمانان به پر کردن سنگرها . و به طور خلاصه خیر خواهی برای مجاهدین (اذا نصحوا لله ورسوله) .

۵ - جهاد مالی

اکمالات وتجهیز مجاهدین وتهیه اسلحه و مهمات از ضروریات اصلی جهاد است . در صورتی که اکمالات نباشد جهاد صورت گرفته نمی تواند و حتی کسی که نفقه ندارد جهاد از وی ساقط می گردد (ولا علی الذین لایجدون

مایـــنفقون حرج ، برکسانیکه مصارف ندارند که خرج کنند حرجی نیست وقتی اغنیا برای مجاهدین امداد مالی ننمایند از جمله آنانی به حساب می روند که مردم را از راه الله جل جلاله باز میدارند. قرآن می فرماید : (**هم الذين يقولون لا تـنفقوا علـى مـن عند رسول الله حتى ينفضوا**) آنان کسانی اند که می گویند به کسانیکه نزد پیامبر الله اند انفاق نکنید تا پراکنده شوند.

یکی از اسرار جالب در آیات جهاد این است که همیشه جهاد مالی را بر جهاد بدنی مقدم ذکر میکند : (**فضـل الله المجاهـدين باموالهم و انفسهم**) زیرا جهاد بدنی بدون مال صورت گرفته نمی تواند. و مال شهرگ جهاد است و پشتی بان لشکر و بواسطه آن سلاح ومهمات خریداری میگردد. جهاد مالی راه اشتراك برای ضعیفان و مریضان و زنان درجهاد است. لیکن در سوره توبه که مسئاله خرید جنت در بدل جان و مال آمده. ابتداء نفس که قیمتی چیز نزد انسان است ذکر گردیده بعد ذکر مال آمده است.

اگر به آیه اعداد یعني (واعدوا لهم ما استطعتم من قوة) دقت کنیم می بینیم که در اخیر آیت موضوع انفاق فی سبیل الله ذکر گردیده واین مطلب رامی رساند که برای تربیه جهادی و اعداد مجاهدین نیز باید قضیه انفاق فی سبیل الله را جدی بگیریم

با توجه به اهمیت جهاد مالی. ثواب آن نیز تا هفتصد چند اضافه می شود. الله می فرماید ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّئَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ مثال کسانیکه اموال خویش را در راه الله انفاق میکنند مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد و خداوند برای هرکس بخواهد چند برابر میکند و الله گشایشگر داناست. البقره / ۲۶۱

امام حرمین جوینی میگوید آماده ساختن اموال برای جهاد چون آماده ساختن و تربیه افراد یك برابر اهمیت دارد. در صورتیکه بیت المال برای اکمالات مجاهدین کفایت نکند امام می تواند از اغنیا به قدر ضرورت مال شان را بگیرد.

بر مسلمانان فرض است که مجاهدین سنگر ها و مراکز ترننگ را با مال و سلاح اکمال کنند. خانواده هایشان را کفالت کنند مخصوصاً خانواده های شهیدان. زندانیان و معلولین را که قادر به کسب برای عیال خود نیستند. کسی که همکاری نکند بدون شك از جمله کسانی است که الله جل جلاله در مورد شان می فرماید ﴿هَاأَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا

يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ   شما همانانی هستید که برای انفاق در راه الله فرا خوانده می شوید. پس برخی از شما بخل می ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده. و الله بی نیاز است و شما نیاز مند هستید و اگر بر تابید جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود   محمد : ۳۸

درینجا سوال مطرح می شود که اگر کسی در مالش کسب حرام دخیل باشد آیا کمك هایش را مجاهدین بپذیرند یا خیر؟ ابن تیمیه رحمه الله میگوید کسی که مال حرام در اختیار داشته باشد و یا چیزی را یافته که صاحبش را نمی شناسد و یا رهن یا امانت وغیره که به صاحبان اصلی رساندنش ممکن نیست باید در راه الله ﷻ به مصرف برسد این قول جمهور فقهای اسلام است.

اصلاً باید گفت رای امام ابوحنیفه امام مالك و امام احمد رحمهم الله و دیگران بر این است که مال مغصوب وقتی صاحبش پیدا نشد باید آنرا از طرف صاحبش صدقه بدهد به همین منوال در بقیه امورات نیز می شود عمل نمود

کسی که می خواهد از گناهان پاك شود جهاد کند و کسی که می خواهد از شر مال حرام که بر گرداندن آن به صاحب اصلی اش ممکن نیست خلاص شود آنرا از طرف صاحب آن صدقه بدهد. الله جل جلاله در سوره صف می فرماید

﴿يَـا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۱۰ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّـهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِـرْ لَكُـمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

ای مؤمنان آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناك می رهاند؟ به الله و رسولش ایمان بیاورید و در راه الله با مال و جانتان جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر بدانید. گناهانتان را بخشیده و شما را در باغهای که زیرآن جویبار ها روان است وخانه های پاك در بهشت های جاودان درآورد، این کامیابی برزگ است. الصف: ۱۲-۱۰

گاهی اوقات بدست آوردن امکانات مالی در بعضی معامله ها به ضرر جهاد و مجاهدین تمام می شود. بطور مثال بعضی اوقات گروه های از مجاهدین در برابر پیشنهاد مال از طرف دشمن به بعضی تنازلات تن میدهند. گاهی بعضی ها از طرف دشمن خریده می شوند. قضیه پول و استعمال آن در جنگ ها علیه یکدیگر از قدیم رایج بوده است. حتی قریش وقتی دیگر توان مقابله با دعوت پیامبر را از طریق تهدید و تعذیب نداشتند برایش پیشکش نمودند که آنقدر پول برایت جمع آوری میکنیم تا از همه ما مال بیشتر داشته باشی. بناءً ناگذیر همه دعوتگران و احزاب اسلامی و جهادی باید با این امتحان رو برو شوند و باید چنان اخلاص

و تقوي داشته باشند كه فريب اين نوع برنامه هاى دشمن را نخورند. الله مى فرمايد: ﴿ أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لا يُفْتَنُونَ ۝٢ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴾

آيا مردم مى پندارند كه به محض اينكه گفتيم ايمان آورديم. رها مى شوند و مورد آزمايش قرار نمي گيرند؟ بدون شك كسانيكه پيش از آنها بودند را امتحان كرديم. تا الله معلوم كند صادقان را و معلوم كند كاذبان را. العنكبوت: ٢ ـ ٣

جاى تاسف است كه بسا قضاياى اسلامى بعد از تقديم هزاران شهيد در اخير به ديموكراسى و سيكولريزم انجاميد. مال را دشمن براى ايجاد اختلاف در صفوف مجاهدين و شعله وركردن درگيرى هاى داخلى نيز بكار ميگيرد. مال باعث ايجاد وهن در قلب هاى مجاهدين نيز ميگردد. پول و امكانات مالى دربين صفوف مجاهدين باعث ايجاد بدبينى. حسد. كينه و عداوت ميگردد. بلكه گاهى اوقات در گيرى هاى مسلحانه را باعث مى شود. پيامبر ﷺ مى فرمايد: ((والله ما الفقر اخشى عليكم ولكنى اخشى ان يبسط الدنيا عليكم كما بسطت على من كان قبلكم فتنافسوا ها كما تنافسوها فتهلككم كما اهلكتهم)) قسم به الله از فقر بر شما نمى ترسم ولى از اين مى هراسم كه دنيا برخ شما باز شود. چنانچه بر آنانى كه قبل از شما بودند باز

شد. باز در جمع آوری مال مسابقه کنید چنانچه آنان کردند و هلاکتان کند چنانکه آنان را هلاك کرد.

متفق علیه از حدیث عمرو بن عوف رضی الله عنه.

امیر المومنین عمر فاروق رضی الله عنه وقتی خمس غنایم جلولاء را که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه فرستاده بود دید و چشمش به یاقوت وزبرجد و طلا و نقره افتید سخت گریست. عبدالرحمن بن عوف گفت چرا گریه میکنید اینکه جای ابراز شکر است نه گریه. فرمودند وقتیکه مردم این چیز ها را بدست بیاورند حسد و کینه و عداوت در میانشان ایجاد می گردد که به درگیری وجنگ می انجامد.

دیده می شود که بسیاری از تنظیم های جهادی که با نهایت اخلاص به کار آغاز میکنند درین مصیبت و ابتلاء قرار میگیرند که عده یی از کشور ها و پیمان های مغرض میکوشند به تدریج آنان را در دام خود گیر نمایند. ابتداء کمك های بلا عوض خود را بیشتر از حد ضرورت در اختیار شان قرار میدهند. تا که برنامه های تنظیم اسلامی و جهادی مذکور به اوج کمال خود میرسد آنگاه شروع به گذاشتن شروط نموده و در خواست های تنازل از مبادی آغاز میگردد. اگر تنظیم جهادی شروط را پذیرفت که این انحراف بزرگی است. تنظیم مزدور می شود و مجاهدین نوکران اجنبی. و اگر نپذیرفت آهسته آهسته بسوی زوال می رود و یگانه راه بقایش تنازل از برنامه های جهادی و روی آوردن به شعارهای میان خالی و مبروح است که بعضی ها

سم آنرا مبارزه فرهنگی و فکری نامیده و به آن دلخوش
یکنند . بر مجاهدین لازم است که از مکر دشمنان آگاه بوده
برای تهیه موارد مالی خود به امکانات ذاتی خویش چون
نیمت. فی. عشر و صدقات اهل خیر و غیره اکتفا نمایند
از مکر دشمنان در امان باشند . برای مجاهدین که در
سنگرهای داغ علیه دشمنان اسلام مصروف جهاد اند .
هترین منبع اکمالاتی گرفتن غنیمت از دشمن است. سلاح
امکانات شان را بگیریم و بر علیه خود شان استعمال
نیم الله جل جلاله می فرماید ﴿ فکلوا مماغنمتم حلالاً
لیباً ﴾ و بخورید از آنچه غنیمت کردید حلال و پاك و
یامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (وجعل رزقی تحت
ل رمحی) رزق من زیر سایه نیزه من است .
نیمت مالی را گویند که از کفار با جنگ و زور گرفته می
ود . وفی مالیکه بدون کدام مشکل و درگیري بدست
جاهدین می افتد. که اولی خمس آن و دومی همه آن در
صالح جهاد مصرف شده می تواند .
یامبر گرامی ﷺ وقتیکه اساس حکومت اسلامی را در
دینه منوره بنا نهاد برای اکمالات و استحکام آن در پی
دست آوردن غنیمت از کفار قریش برآمد که طرح چندین
رنامه نظامی از جمله غزوه بدر به همین مقصد ریخته شد .
عتماد نمودن بر موارد اقتصادی ذاتی. مجاهدین را از
فتیدن در ورطه غلامی و دنباله روی در پی دیگران
اطاعت از فرامین شان نجات میدهد

باب سوم

امارت

اول: تعین امیر واجب است: آیات قرآن کریم و احادیث نبوی شریف صراحة و اشارة بر وجوب امارت تاکید میکند. الله جل جلاله می فرماید: ﴿ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ ﴾ اطاعت الله و اطاعت پیامبر و از اولیای امور خود را بکنید. النساء: ٥٩

همچنان می فرماید: ﴿ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُوْلِي الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ ﴾ واگر آنرا به پیامبر و اولیای امور خویش ارجاع کنند حتماً از میان آنان کسانی اند که می توانند درست و نادرست را دریابند:
النساء: ٨٣

هردوآیه اشارتاً به داشتن امیر دلالت میکند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (**لا يحل لثلاثة يكونون بفلاة من الارض الا امروا عليهم احدهم**) جائز نیست برای سه نفر که در بیابانی باشند و یکی شان را امیر خویش تعین نکنند. ابوداود از ابو سعید رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند (**اذاخرج ثلاثه في سفر**

فليؤمـــروا عليهم احدهم ، وقتی سه تن به سفر رفتند یکی شان را امیر خود تعین کنند. روا ه ابوداود

وقتیکه سه نفر در دشتی باشند باید امیر داشته باشند بیشتر از سه نفر در قریه ها وشهرها اقامت داشته باشند بصورت اولی باید رهبر وامیر داشته باشند.

ابـن تـیمه رحمـه الله مـیگوید: وچـنانچه اداى فريضـه امـر بالمعروف و نهی از منکر بر همگان فرض است. بدون شك این فریضه بدون داشتن قوت و امیر ادا نمی گردد. همچنان ادای فریضه جهاد، حج، جمعه، عید و اقامه عدل و نصرت مظلوم وجاری کردن حدود شرعی وغیره به قوت و نیرو و بـه امیـر ضـرورت دارد، تعـین امیـر قـربت و ثـواب است مسـؤلیت و تکلـیف است امتـیاز و افـتخار نیسـت ولـی متاسفانه بعضی ها در بدست آوردن این مسؤلیت تنافس و مسابقه می کنند.

دوم: تعـين امراى لشكر كار امير عمومى است: بايد براى هر سمت و منطقه امیری تعین نماید که فعال، شجاع. زحمت کش، مهربان، دلسوز و خیر خواه برای مسلمانان باشد.

سوم: امیر بایـد چند نفر را بالترتیب امیر لشکر مجاهدین تعین کند تا در صورت شهادت ویا وفات اولی دومی و سومی به ترتیب مسؤلیت را به عهده بگیرند و لشکر بدون امیر نماند. چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزوهٔ مؤته زید بن حارثه رضی الله عنه را امیر تعین نمود و

فرمودند اگر کشته شد جعفر بن ابی طالب امیر باشد و اگر او نیز کشته شد عبدالله بن رواحه امیر شود و اگر او نیز کشته شد یکی را خود تان انتخاب کنید. در جنگ جسر ابوعبیده بن مسعود ثقفی امیر لشکر بود. وی هشت نفر دیگر را به ترتیب بعد از خودش امیر انتخاب کرده بود که نفر هشتم مثنی بن حارثه بود. همه یکی پی دیگری شهید شدند و امارت به نفر هشتم یعنی مثنی بن حارثه رسید.

چهارم :- جماعت مسلمانان می توانند در حالات خاصی امیر تعین کنند. در اصل چنانچه گذشت تعین امراء کار امیر عمومی و یا جانشین وی است. ولی در بعضی اوقات بر جماعت مسلمان لازم میگردد که خود امیر لشکر خویش را تعین کند. مثلاً امیر کشته و یا اسیر شد. و مسلمانان نمی توانستند از امیر عمومی هدایت بگیرند لازم است خود شان کسی را انتخاب کنند. یا اگر گروهی تصمیم به جهاد گرفتند و مسلمانان امام نداشتند می توانند امیر خویش را خود شان تعین کنند.

نبودن امام و یا نرسیدن به امام نباید کار جهاد را تاخیر کند زیرا با تاخیر آن مصلحت فوت می شود. اصحاب کرام بعد از شهادت عبدالله بن رواحه رضی الله عنه خالد بن ولید رضی الله عنه را امیر تعین نمودند.

شبهه : (لا جهاد بلا امام) ورد آن: بعضی ها میگویند مسلمانان امیر ندارند پس چگونه بدون امیر جهاد کنیم؟

این شبهه یی است که شیطان آنرا در گوش متخلفین و قاعدین از جهاد زمزمه میکند و برای شان توجیه پیدا میکند وقتی امام نبود بر مسلمانان فرض است که امیری انتخاب کنند و تحت قیادت وی بجنگند. نه اینکه دست روی دست گذاشته و بنشینند و تماشا کنند.

اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزوة موته بعد از شهادت سومین قوماندان انتخاب شده از طرف امام بزرگ اسلام. خود شان خالد بن ولید رضی الله عنه را به حیث امیر انتخاب کردند و تحت قیادت وی به جهاد ادامه دادند.

طحاوی میگوید: این دلیل واضح برای این مساله است که وقتی امام نبود و یا غائب بود مسلمانان باید امیری را تعین کنند تا قایمقام امام در مدت غیابش باشد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: لا یبرح هذا الدین قائماً یقاتل علیه عصابه من المسلمین حتی تقوم الساعة،

در حالیکه زمانی در تاریخ می آید که مسلمانان امام ندارند ولی جهاد پیوسته جریان دارد. بدلیل حدیث فوق نبودن امام مانع استمرار آن نمی شود.

در سالهای ۶۵۶ هـ معتصم خلیفه عباسی بدست تاتار کشته شد ولی جهاد همچنان استمرار داشت و جنگ معروف تاریخ اسلام بنام عین جالوت در همین سالها اتفاق افتاد و هیچ عالمی نگفت که امام نداریم جهاد نمی کنیم.

پنجم: شروط امارت جهاد: امارت جهاد مختص به جریانات جنگ با کفار است و دو حالت دارد یکی اینکه مربوط به

شؤن جنگ می باشد که به آن امارت خاص گفته می شود
ویا اینکه همه مسایل جهاد چون غنیمت . صلح . و غیره به
او تفویض می شود که درین صورت شروط آن مثل شروط
امارت عمومی است .

فرق در شروط امارت خاص و امارت عام در مساله علم است
در امارت خاص علم شرط نبوده و در عام شرط است
بناءً گفته می توانیم که شروط امارت خاص و شروط امارت
در مراکز ترننگ و جبهات عبارتند از :

۱ - اسلام ۲ - آزادی ۳ - بلوغ ۴ - عقل
۵ - عدالت ۶ - سلامت اعضا و حواس ۷ - ذکوریت
۸ - تجربه علمی در بخش کار مربوطه در امارت خاص
طوریکه قبلاً گفتیم علم شرط نیست .

ششم :جنگ با امیر فاسق : فاسق یعنی انسان غیر عادل.
عادل به کسی گفته می شود که هیچ مشکلی در دین داری
وی ظاهر نشده باشد .

وقتی مجاهدی به مرکز ترننگ یا به سنگری از سنگرهای
جهاد می رود و آنگاه امیر مرکز را می بیند که بدی های
دارد . آیا اطاعت وی بر او واجب است ؟

باید گفت که امیر عمومی نباید جز افراد صالح و دارای
اهلیت. هرکس و ناکس را برای منصب امارت تعین کند . و
مجاهدین باید به نیت خیر خواهی امیر را متوجه بسازند .
تا انسان مناسب دیگری را جایگزین آن کند

همچنان در صورتیکه جای دیگری بهتر از این امیر باشد بهتر است به او بپیوندد زیرا این کار باعث تنبیه امیر فاسق گردیده و او را از اشتباهاتش باز میدارد. شارح طحاوی میگوید : کسی که از وی بدعتی یا فسقی صادر شود نباید امام مسلمانان تعین گردد. اگر ممکن باشد عده یی از او دوری کنند بهتر است تا اصلاح شود . اگر بعضی مردم نماز را در عقب وی ترک کنند در اصلاح او تاثیر می گذارد.

اگر امیر فاجر باشد وغیر از او دیگری نباشد . یا پیوستن به آن دیگر مشکل باشد درین صورت می بینیم که فسق او مربوط خودش است یا بر جماعت مسلمانان مربوطه تاثیر گذار است ؟

اگر فسق مربوط خودش باشد چون استعمال مخدرات . خیانت در بیت المال وغنیمت وغیره. تحت امر او جهاد باید کرد. بشرط اینکه در جهاد وی علیه دشمن مشکلی وجود نداشته باشد و همین مطلب را میگویند. الغزو مع کل بر و فاجر.

از امام احمد پرسیدند دو نفر امیر لشکر باشد یکی قوی و بدکردار و دیگری ضعیف و نیکوکار . با کدام آنها جهاد کنیم؟ فرمودند فاجر قوی. قوتش برای اسلام است و فجورش برای خودش . ولی انسان صالح ضعیف خوبی او برای خودش است و ضعف او به ضرر مسلمانان

در عقیده طحاوی آمده است حج و جهاد با امیر مسلمانان تا قیامت ادامه دارد نیکوکار باشند یا بدکار هیچ چیز حج و جهاد را باطل و نقض نمی کند

امام بخاری می نویسد: باب الجهاد ماض مع البر و الفاجر لقول النبی صلی الله علیه وسلم: الخیل معقود فی نواصیها الخیر الی یوم القیامة) همان طوریکه جهاد در کنار امیر فاجر درست است نماز نیز در عقب آنان صحیح است.

ترك جهاد بر ضد کفار شر بزرگی است که جنگیدن در کنار امیر فاجر نسبت به آن شر نهایت کوچکی است و در قاعده فقهی میگوید (یختار اهون الشرین) شر کمتر را انتخاب کنید. همچنان عمل ها به نیت ها ارتباط دارد. وقتی نیت تو اعلای کلمة الله است. کار امیر به تو ضرری ندارد. از طرف دیگر با وی در کار خیر و تقوی همکار هستی نه در گناه.

اگر فسق و فجور امیر به اسلام و مسلمانان مضر بود در آنصورت با وی جهاد نکنید. باید مجاهدین بین امیر فاجر که فجورش منحصر به خودش بوده و امیریکه فجورش متعدی است فرق کنند. و قضیه جهاد با امیر فاجر را به نوع اول آن حمل کنند و امیری که به اسلام و مسلمانان خیانت میکند نباید در رکاب وی رفت

هفتم: داشتن امیر در جهاد فرض است: و امیر عمومی آنرا تعین کند و در صورت غیاب امیر عمومی گروه مجاهدین یکی را برای قیادت جهاد انتخاب نموده و بجنگند مثلیکه در موته خالد بن ولید رضی الله عنه راانتخاب نمودند

بعضی ها این شبهه را می آورند که امیر عمومی و خلیفه و خلافت نباشد جهاد نیست. معنی این حرف این است که بگذاریم دشمن در افغانستان به دین و ناموس و اقتصاد و فرهنگ ما تجاوز کند. و ما منتظر نزول امیر و خلیفه از آسمان باشیم. ابن قدامه میگوید: (فان عدم الامام لم يؤخر الجهاد) اگر امام نبود جهاد تاخیر نمی شود.

این مطلب که باید گروه مجاهدین در صورت ضرورت برای خود چون غزوه موته امیر جهاد تعین کنند و به جهاد ادامه بدهند خیلی واضح و روشن است تنها کسانیکه جرئت جنگیدن ندارند به چنین اعتراضات عقب ماندن خود را توجیه میکنند ولی احادیث زیادی که ادامه جهاد را تا قیامت واضح می سازد، دلیل روشن برای نقض اعتراض مذکور است، از جمله حدیث مسلم شریف که میگوید:

(عن جابر قال سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول: لا تزال طائفة من امتی یقاتلون علی الحق ظاهرین الي يوم القيامه. قال: فینزل عیسی بن مریم علیه السلام فیقول امیرهم تعال صل لنا فیقول لا ان بعضكم علي بعض امراء تكرمة الله هذه الامة) پیوسته گروهی از امتم تاقیامت بر راه حق آشکار میجنگندو عیسی بن مریم فرود می آید امیر آنان میگوید بفرمائید برای ما نماز بدهید میگوید نخیر شما بعضی بر بعضی دیگر امیر هستید عزتی است از جانب الله برای این امت

از حدیث فوق بر می آید که طائفه یی از امت در آن زمان نیز در راه حق جهاد میکنند و امیر دارند که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : (فیقول امیرهم) وعیسی علیه السلام میگوید (بعضکم علی بعض امراء) بناءً هر گروه مجاهدین امیر دارند که باید افراد آن از وی اطاعت نمایند ولو اگر امامت عظمی و خلافت موجود نباشد. وهمچنان اگر امیر عمومی غائب بود و امیر گروپ را خودشان انتخاب کرده باشند جهاد شرعی و صحیح است.

وقتی احزاب متعدد بود چه باید کرد؟

جهاد اهم فروض اعیان است. تا امت از ذلت و خواری نجات یابد تا مجد و عظمت اسلام اعاده شود و تا خلافت اسلامی بر گردد. خلافتی که هر کسی برای اعاده آن تلاش نورزد مصداق این حدیث شریف است که می فرماید :

(من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیه) بر هر مسلمان لازم است که احزاب و گروه های مجاهدین را کمك کنند. همچنان در تلاش توحید صفوف احزاب جهادی باشند زیرا جماعت قوت می آفریند وتعدد ضعف. الله جل جلاله می فرماید (واعتصمو بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا) وجود احزاب متعدد جهادی شوکت وعظمت لشکر اسلام را ضربه میزند بناءً احزاب باید یکی شوند و فکر میکنیم بهتر این است که احزاب دیگر به حزب اولی و قدیمی مدغم شوند.

هر مسلمان باید با گروه اولی بیعت کند . بیعت با گروه های جدید التاسیس باطل است . حتی اگر بیعت زمانی صورت گرفته باشد که از وجود گروه قدیمی بی خبر باشد باز هم این بیعت باطل است .

چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : (فوا ببیعة الاول فالاول) با بیعت اول و اولین ها وفا کنید ومی فرماید : من اتاکم و امر کم جمع علی رجل واحد یرید ان یشق عصاکم او یفرق جماعتکم فاقتلوه) کسی که آمد و امورات شما بر شخص واحدی جمع بود و می خواست صف شما را بشکند و جماعت شما را متفرق سازد او را بکشید . حدیث اولی متفق علیه بوده و دومی را مسلم روایت کرده است . گرچه احادیث فوق در مورد امام اعظم آمده و نمی شود رهبران احزاب را با آن مقایسه کرد ولی حقیقت امر این است که در تعدد برای مسلمانان ضرر است و راه جلوگیری از تعدد اختیار گروه سابقه و ترک گروه های جدید است .

من راه دیگری جز انضمام گروه های جدید التاسیس به اولین جماعت را سراغ ندارم حتی اگر گروهای جدید از کثرت افراد و یا داشتن افراد آگاه و عالم و صاحب خبره غنی تر نسبت به گروه اول باشند . زیرا شاید گروه جدید تري تاسیس شود که افراد آن از دومی نیز بیشتر باشد

اگر احزاب در مناطق مختلف دنیا باشد اشکال ندارد ولی مشکل درین است که دریک مملکت چندین گروه جهادی ساخته شود

اگـر در یکـی از ممالـك خلافـت اسـلامی تاسـیس شـد و توانسـت دائره آنرا وسیعتر سازد و بـه ممالـك دیگر برسـد .گـروه هـای اسـلامی آنجـا نیـز بایـد بـه آن بپیوندند و آنـرا تقویت نمایند. بطور خلاصه گفته می توانیم که تعدد احزاب جهـادی در یـك کشـور درسـت نیسـت امـا در نقـاط مخـتلف عـالم احزاب جداگانـه اشکالی ندارد. ولی باید با هم تعاون داشـته باشـند. اگـر گروهـی در کشـوری احسـاس ضـعف و ناتوانـی نموده باشد بسوی گروه دیگری هجرت کند که در کشور دیگری به توامندی رسیده است.

باب چهارم

مسؤلیت امیر (قوماندان)

اول :- مسؤلیت در قبال زیر دستان:

پیامبر صلی الله علیه وسلم مـی فرمایـد: کلکم راع و کلکم مسـؤل عـن رعیتـه (همگـی سرپرسـت هسـتید و از زیر دستان خود پرسید ه می شوید.

طبرانـی روایـت میکـند که پیامبـر صـلی الله علیـه وسـلم مـی فـرمایـد: (مـامن امیر عشرة الا یوتـی به یوم القیامة مغلولاً حتـی یفکـه العـدل او یـوثقه الجـور) هـیچ کسـی نیسـت کـه امـارت ده نفر را بـه عهـده گرفته باشد مگر اینکه روز قیامت

زنجیر پیچ آورده می شود یا عدل او بازش میکند و یا ظلم او محکمترش می بند د.

مسؤلیت های امیر در قبال زیردستان بطور ذیل خلاصه می شود.

۱- اقامه نماز :- قوماندان باید مسؤلیت نماز را شخصاً به عهده بگیرد و یا به دیگری محول کند، زیرا مهمترین ارکان اسلام نماز و جهاد است.

۲- وادار کردن زیر دستان به ادای عبادات و ترك گناهان: عمر رضی الله عنه به سعد بن ابی وقاص نوشت: تو و همراهانت را در همه اوقات واحوال به تقوی امر میکنم. زیرا تقوي بهترین سلاح و عالی ترین تدبیر در جنگ هاست. چنان از گناهان خود را نگهدارید که از ضربات دشمن نگهمیدارید. ما بنابر تقوی و ترك گناهان خود بر دشمن غالب هستیم اگر در گناه برابر شویم آنوقت برتری نظامی بدلیل کثرت عدد و وسایل از آنان خواهد بود......

۳- اسلحه و مهمات مجاهدین را شخصاً کنترول کند تا ناقص وغیر فعال نباشند.

۴- جای خواب و بودباش مجاهدین را از لحاظ امنیتی وغیره برسی کند.

۵- تعداد کافی پهره دارن را در شب و روز بگمارد و شخصاً وقت و ناوقت به طور ناگهانی و سرزده از بیداری و احتیاط آنان خود را مطمئن بسازد

ابوبکر صدیق به یزید بن ابوسفیان نوشت:

تعداد پهره داران را زیاد بساز و بار بار ناگهانی به آنان سر بزن و اگر دیدی پهرداری در پهره غافل است برایش سزای مناسب بده . پهره را مرتب عوض کن. پهره اول را در شب طولانی تر از بقیه بگیر زیرا بدلیل نزدیکی به روز آسانتر است

۶ - باید برای گروپ خود داکتری با وسایل مناسب داشته باشد .

۷ - خودش یا کسی دیگری را بگمارد تا در بین افراد به حل تنازعات و مشاجرات رسیده گی کند و مقصر را سزای مناسب بدهد

دوم : داشتن مجلس شوری :

شوری یعنی استنباط نظریه مناسب در نتیجه بحث و مناقشه با دیگران در حقیقت عفو. نرمش و عدم غلظت و شوری باعث استحکام رابطه افراد با قوماندان و امیر گردیده از تشتت و پراگندگی جلوگیری میکند . همچنان امیر در اجتهادات خود به صواب نزدیکتر می شود

الله جل جلاله می فرماید فبما رَحْمَةٍ مِّنَ اللّه لنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لانفضُّواْ مِنْ حوْلِكَ فاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفرْ لَهُمْ وَشاوِرْهُمْ في الأَمْرِ فإذا عزمْت فتوكّل عَلَى اللّه إنَّ اللّه يُحبُّ الْمُتوكّلين و به رحمت الله است كه برايشان نرم شده يي اگر تندخوى سخت دل مى بودى از دور

و برت پراکنده می شدند پس آنانرا عفو کن و بر ایشان مغفرت بخواه و در امورات با آنان مشوره کن. آلعمران: ۱۵۹
شایان ذکر است که شوری در مورد قضایای صورت میگیرد که نصوص شرعی در آن موجود نباشد و یا اینکه امیر حکم شرعی را در آن نمی داند و یا دریافتن وقت مناسبی برای تطبیق آن به مشوره ضرورت میداشته باشد.
امیر باید افراد مناسب دارای علم و صلاح و تجربه را برای شوری انتخاب کند. بخاری به روایت بن عباس جریان مشوره امیر المومنین عمر بن الخطاب را در سفرشان به شام هنگام طاعون عمواس چنین نقل میکند: بن عباس میگوید عمر رضی الله عنه روانه شام بود که در منطقه سرغ امیران لشکر از جمله ابوعبیده بن الجراح به استقبال او آمدند و جریان وقوع طاعون در شام را با او مطرح کردند.
عمر رضی الله عنه مهاجرین اوایل را خواسته و در مورد ادامه سفر بسوی شام و یا برگشت به مدینه با آنان مشوره کردند. بعضی گفتند برای انجام کاری در حال سفر به شام هستیم باید آنرا به پایان برسانیم. بعضی دیگر گفتند. بقیه مسلمانان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم که با تو هستند نباید آنانرا نیز (مثل لشکر مجاهدین که در آنجا می جنگند) به چنگال آن وبا بسپاری. عمر رضی الله عنه آنانرا رخصت نموده و انصار مدینه را خواست. آنها نیز مثل مهاجرین دو نظریه متفاوت فوق را ارایه کردند. عمر رضی الله عنه آنانرا نیز رخصت نموده و سران قریش را که بعد از

فتح مکه به جبهات آمده بودند خواسته وبا آنان مشوره کرد آنها متفقاً گفتند لازم نیست که همراهانت را درگیر این وبا بسازی، برگردید به مدینه. ایشان حکم برگشت را صادر کردند. ابوعبیده رضی الله عنه گفت از تقدیر الله فرار میکنی؟ عمر رضی الله عنه گفت اگر غیر از تو این حرف رامی زد؟ بلی از قدر الله به قدر الله فرار میکنم......

عبدالرحمن بن عوف غائب بود و در جریان بحث تشریف نداشت و در همین وقت رسید. وی گفت من درین موضوع علم دارم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: اگر شنیدید در سرزمینی وبا است آنجا نرویدو اگر در جایی بودید که به آنجا وبا رسیده از آن فرار نکنید.

درین روایت می بینیم که عمررضی الله عنه افراد دارای علم و صلاح که مهاجرین و انصار بودند وافراد تجربه کار را که مشایخ قریش بودند به مشوره خواست.

اگر امیر عمومی افرادی را برای شوری مشخص کند، قوماندان مکلف است باهمان ها مشوره کند.

افرادی که عضو شوری اند صفات مشخصی دارند که ماوردی آنرا به پنج صفت خلاصه نموده می فرماید:

١ - عقل و تجربه داشته باشد.

٢ - تقوی دار و دین دار باشد.

٣ - خیر خواه و دلسوز باشد. عقده مند و حسود نباشد

٤ - دازای فکر آرام بوده و از غم و پریشانی بدور باشد

٥ - اغراض شخصی واهداف خاصی را دنبال نکند.

جمهور علماء شوری را مستحب میدانند نه واجب زیرا نص صریح درین ارتباط نیامده و آیه آلعمران را به استحباب حمل نموده اند .

وقتی امیر شوری میکند رای خوب و درست را خودش انتخاب می کند و می تواند مخالف رای شوری ولو اگر اتفاقی هم باشد عمل کند .

در اصل احکام شریعت از قرآن وسنت استنباط می شود و امیر آن را تطبیق می کند و شوری در مورد مسایلی صورت میگیرد که نصوص شرعی موجود نباشد . همچو مسایل خیلی کم و نادر است .

سوم :- تعهد گرفتن از افراد :

برای امیر جائز است که از افراد خود تعهداتی را توام با قسم و امضاء بگیرد که طی آن افراد به موارد مشخصی التزام خاص داشته باشند. گرچه که اسلام خود پابندی به قوانین و ضوابط خاصی است ولی می شود تعهدات بیشتر در مواردی خاص گرفته شود .

مثلاً بیعت و تعهد به فرار نکردن. مجاهدین باید به این تعهدات التزام داشته باشند.

الله جل جلاله می فرماید : ﴿ وَأَوْفُواْ بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلاَ تَنقُضُواْ الأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلاً إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ وچون با الله پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای (خود را) پس از

استوار کردن آن نشکنید باوصف آنکه خدارا بر خود ضامن قرار داده اید. زیرا الله آنچه را انجام می دهید می داند.
النحل: ۹۱

یعقوب علیه السلام به پسران خود گفت: «قال لن ارسله معکم حتی تؤتون موثقاً من الله لتاتننی به الان یحاط بکم»
گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا به من با نام الله پیمان استواری ببندید که حتماً اورا نزد من باز آورید مگر آنکه گرفتار حادثه شوید.

فایده تعهدات دربین افراد این است که یك موضوع که تاکید آن در نصوص شریعت آمده چون عدم فرار در جنگ، با تعهد و قسم جدید تاکید آن بیشتر شده و التزام به آن از دوجهت فرض می شود. از جهت شرعیت و از جهت تعهد و قسم. بناءً امیر می تواند از افراد تعهداتی در اموراتی ک شریعت آنرا واجب گردانیده مثل اطاعت از امیر، حفظ اسرار، ادای امانات، .... و اموراتی که در اصل مباح ان مثل تعین اوقات خواب و بیداری، رخصتی، بودن د محدوده معین و عدم خروج از آن و غیره بگیرد.

بعضی از این امورات با نصوص شرعی بر افراد واج میگردد و بعضی دیگر با تعهدات و قسم های که امیر افراد میگیرد.

این تعهدات بین امیر و افراد گروپ را می توان بیعت نام چون بیعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز حدیبیه ز ... خت که الله جل جلاله می فرماید: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ بدون شك الله راضی شد از مومنان وقتی که با تو در زیر درخت بیعت می کردند
الفتح ١٨

اما این بیعت ها را نمی شود چون بیعت با امام بزرگ مسلمانان دانست که باغی از آن احکام بغاة را بخود بگیرد و نقض کنندگان آن چون بغاوت کنندگان معامله شوند . بلکه در حقیقت با نقض عهد مرتکب حرام و کبیره شده است

چهارم :- تعیین سرگروپان و مسؤلین :

طبیعی است وقتیکه تعداد مجاهدین در جبهه و یا در مرکز ترننگ زیاد باشد. باید به مجموعه ها تقسیم شوند و برای هر مجموعه امیر تعین گردد. این مسؤلیت بدوش امیر است. امیر باید انسان قوی و امین را با در نظر داشت اهلیت مسؤل تعین کند و مسؤلیت و امارت این امانت الهی را به اهلش بسپارد. معیار بهترین باشد نه قریبترین.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : (من ولی من امر المسلمین شیئاً فولی رجلاً وهو یجد من هو اصلح للمسلمین منه فقد خان الله و رسوله) حاکم آنرا روایت کرده است. کسی که ولی امر مسلمانان شود. بعد امیری تعین کند که بهتر از آنرا برای مسلمانان می یابد با الله و پیامبرش خیانت کرده است. همچنان می فرماید : اذا وسد الامر الی غیر اهله فانتظر الساعة ، وقتی کار به نا اهل سپرده شد منتظر قیامت باش

گاهی اوقات بنابر ضرورت بهترین را کنار میگذارند و دیگری را تعین میکنند که جائز بوده و امارت وی صحیح است. زیرا احتمالاً مصلحتی در آن نهفته است بناءً مرد بهترین که اختیارش از طرف امیر صورت نگرفته و کسی پائین از وی را تعین نموده باید از امیر خود ولو که از او پائین مرتبه تر است اطاعت کند.

کسی که خودش امارت و مسؤلیت می خواهد نباید تعین شود. زیرا شك آن می رود که برای اغراض دنیوی چون جمع مال و کسب شهرت آنرا می خواهد در حدیث متفق علیه از ابوموسی اشعری (رض) روایت شده که با دو عموزادگانم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدیم. هر دوی شان از وی خواستند که ما را مسؤل بعضی امورات تعین کنید. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (انا والله لا نولی هذا العمل احداً یساله او احداً حرص علیه) والله ما این کار را برای کسی نمی سپاریم که خودش بخواهد و یا به آن حریص باشد. کسی که خودش دنبال آمریت و مسؤلیت باشد. الله جل جلاله او را کمك نمی کند و توفیق انجام درست آنرا برایش نمی دهد

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای عبدالرحمن بن سمرة رضی الله عنه فرمودند: (یا عبدالرحمن بن سمرة لا تسال الامارة. فانك ان اعطیتها عن غیر مسئلة اعنت علیها و ان اعطیتها عن مسئلة وکلت الیها) ای عبدالرحمن بن سمرة امارت را طلب مکن زیرا اگر بدون خواست برایت داده شود

(توفیق الهی) باتو در آن کمک می شود. واگر با خواستن برایت داده شود به آن سپرده می شوی (واجرای کارها به تلاش خودت واگذار میگردد) متفق علیه

در حدیث دیگری می آید اگر کسی خودش قضا راطلب کند به خودش واگذار می شود و اگر کسی را به آن مجبور کنند. ملکی بر او فرود آمده و کمک اش میکند.

اکثر مردم شوقی امارت اند. در حالیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (ستحرصون علی الامارة و ستکون ندامة یوم القیامة: شما برای آمریت حریص هستید و آن در قیامت باعث ندامت خواهد بود. (بخاری)

پنجم: نرمی و خوشرفتاری با رعیت:

الله جل جلاله می فرماید: ﴿ **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ** ﴾ پس به برکت رحمت الهی با آنان نرمخو (و مهربان) شدی و اگر تندخو و سختدل می بودی حتماً از دور تو پراگنده می شدند. آلعمران: ١٥٩

پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین دعا فرموده اند: (اللهم من ولی من امر امتی شیئاً فشق علیهم فاشقق علیه و من ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق به: الهی کسیکه مسؤلیتی از امتم را بدوش میگیرد و با آنان نرمی میکند با او نرمی کن. (مسلم)

همچنان فرموده اند : (ان شر الرعاء الحطمة : بدترین امیر حطمه خرد کننده (سختگیر) است یعنی کسیکه بر زیردستان از شدت و عنف کار میگیرد .

پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگز برای خود انتقام نگرفته است . غیر از اینکه قوانین الهی زیر پاشده و برای الله انتقام گرفته است . می شود عادات و اخلاق خوب را کسب نموده و با مجاهدت و دعاء و همراهی باصالحین و نیکان خود را به اوج کمالات اخلاقی رسانده و زندگی را برای خود و زیر دستان به بهشتی پرگل و طراوت تبدیل کرد .

ششم :- حفظ و حدت و اتحاد در بین افراد :

همان طوریکه وحدت امت اسلام آرزوی همگانی است . وحدت افراد هرگروه از منظمه های اسلامی و جهادی نیز در راستای همین هدف لازمی است . واعتصموا بحبل الله جميعا ولاتفرقوا : به ریسمان الله چنگ بزنید و متفرق نشوید .

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : ان الله یرضی لکم ثلاثا و یسخط لکم ثلاثا یرضی لکم ان تعبدوه ولا تشرکوا به شیأ و ان تعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا و ان تناصحوا من ولاه الله امرکم و یسخط لکم ثلاثاً قیل و قال و کثرة السؤال و اضاعة المال : الله سه چیز را برایتان می پسندد و سه چیز را در شما بد می بیند : می پسندد که عبادت او را بکنید و شریك نیاورید و به ریسمان الله چنگ بزنید و متفرق نشوید و برای امیران خویش نصیحت و خیر خواهی کنید و سه چیزتان را نمی پسندد : قیل و قال . کثرت سوال و ضایع کردن مال را

مسلمان امیر باشد یا مامور باید برای وحدت صف تلاش کند . امیر نباید دوستان همفکران . قوم و خویش . اتباع مذهب و غیره خود را بر دیگران ترجیح دهد . نباید به پروپاگندها توجه کند . بلکه هر چه را شنید تحقیق و تبین نماید . قرآن کریم می فرماید : يَـا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ : ای مؤمنان اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و بعد از آنچه کرده اید پشیمان شوید الحجرات ٦

مسائلی که شکوك و شبهات ایجاد میکند باید آنرا واضح و روشن سازد تا که رعیت دچار مغالطه نشده و به قیل و قال

نپردازند. طوریکه در تقسیم فئ هوازن پیامبرصلی الله علیه وسلم صدها شتر و گاو و گوسفندان را به مؤلفة القلوب قریش تقسیم کرد. بعضی جوانان انصار گله مند شد ند که ما را می گذارد و این جدید الایمان ها را میدهد. در حالیکه ما پیوسته با آنان جنگیدیم. پیامبرصلی الله علیه وسلم برایشان واضح ساختند که جدید الایمان اند با این چیز ها دلهای شانرا خوش میکنم. آیا شما خوش نیستید که قریش بز و گوسفند را با خود ببرند و شما رسول الله را ببرید. اگر مردم همه یکطرف را اختیار کنند و انصار طرف دیگر را من با انصار خواهم بود. اگر (فضیلت) هجرت نمی بود من دوست داشتم انصاری باشم.

با این توضیحات پیامبراسلام صلی الله علیه وسلم انصار سخت گریستند و راضی شدند.

ابن حجر رحمه الله میگوید: بزرگان باید موارد شکوك و شبهات را برای افراد توضیح دهند، تا سؤ ظن ها رفع گردد امیر نباید به قیل و قال و جدال و بحث های بی فایده اجازه بدهد. و اگر در مسایل شرعی بحث و جدال پیش آمد باید آنرا قطع نمود و منتظر پرسیدن از علماء شوند. امیر نباید به ساختن گروهك در داخل گروه و حزب اجازه بدهد. زیرا گروهك ها و پارت بازی ها جماعت را متفرق و متشتت می سازد و باعث اختلافات درونی گردیده قوت و وحدت صف را از بین می برد.

امیر باید افرادی را که در صف باعث ایجاد سؤ تفاهم ها و ضرر های ذات البینی می شوند و یا در صف شکست می اندازند و یا پروپاگندهای مشکل بر انگیز می نمایند و ..... را از لشکر و مرکز براند. پیامبرصلی الله علیه وسلم در مسیر احد عبدالله بن ابی و همراهانش را از وسط راه برگرداند.

قرآن مجید می فرماید: ﴿ لَوْ خَرَجُواْ فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلاَّ خَبَالاً ولأَوْضَعُواْ خِلاَلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ ﴾ اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی افزودند و به سرعت خود را میان شما می انداختند و فتنه در میانتان برپا میکردند.

التوبه: ۴۷

امیر باید خودش و یا کسی را تعین کند که اختلافات بین افراد را حل نموده و جنجال ها و تجاوزاتی که صورت گرفته فیصله نماید، باید در بین متخاصمین صلح کند و یا اینکه متجاوز را عقوبت مناسب بدهد. گرچه که اصلاح میان دو متخاصم نسبت به مجازات بهتر بوده و باعث ریشه کن شدن قضیه میگردد. الله جل جلاله می فرماید: **فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم** از الله بترسید و در میان یکدیگر خویش اصلاح کنید.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: **الا اخبركم بافضل من درجة الصوم و الصلاة والصدقه قالوا بلى**

یارسول الله ؟ قال اصلاح ذات البین و فساد ذات البین الحالقة : آیا شما را از عملی که نسبت به نماز و روزه و صدقه بهتر تر است با خبر بسازم ؟ گفتند بلی یا رسول الله گفت اصلاح ذات البین و فساد ذات البین تیغ بران است.

(ترمزی)

امیر می تواند بخاطر مصلحت کار بهترین را بگذارد و به بهتر اکتفا کند تا باعث اختلاف و ایجاد جنجال و مشکلات بین افراد نشود. نماز خواندن ابن مسعود در منی بدون قصر باوجود اینکه می دانست پیامبر صلی الله علیه وسلم و ابوبکر و عمر رضی الله عنهما قصر میکردند بخاطر عدم مخالفت باعثمان رضی الله عنه وهمچنان کعبه را به حال خودش گذاشتن بعد از فتح مکه در حالیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم آرزو داشت که به قواعد ابراهیم بنا شود و دو دروازه یکی برای داخل شدن و دیگری برای بیرون آمدن داشته باشد بخاطر اینکه قریش جدید الایمان بودند.

هردو قضیه فوق دلیل مناسب برای ترك کار بهتر بخاطر مصلحت و رفع اختلاف و تفرقه شده می تواند.

امیر برای انتخاب افراد. جهت اجرای امورات مختلف. باید بهترین را انتخاب کند و در صورتیکه همه بهترین بودند قرعه بیندازد.

هفتم : صنف بندی افراد از نظر استعداد و کفایت

مراکز ترننگ نظامی و قرارگاه های ابتدایی بهترین جای برای انتخاب افراد کارآمد می باشد. همگی دارای استعداد و کارآمدهای متفاوت اند و افرادی که توانمندی های مناسب برای امورات را دارند کم اند.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید : انما الناس کالابل المائة لا تکاد تجدفیها راحلة : انسانها مثل صدشتری اند که نمی توانی حتی يك شتر (مناسب برای) سواری در آنان بیابی.

استعدادهای افراد به روش های ذیل معلوم می شود:

۱ - ثبت شهرت مکمل.

۲ - پرسیدن احوال شخصی.

۳ - مراقبت سلوکیات : یعنی چگونگی عبادت ، پرهیزگاری. اخلاق و چگونگی ادای مسؤلیت ها. همچنان چگونگی ارتباط وی با همراهان از نظر خدمت به آنان و ضرر نرساندن به ایشان.

در اثری که از امیر المومنین عمر رضی الله عنه روایت شده همسایگی. معاملات مالی و سفر ذرایع معرفت افراد معرفی گردیده است

۴ - امتحان گرفتن از افراد

۵ - پرسیدن از دیگران مخصوصاً از کسانیکه در گذشته با وی مدت طولانی بوده اند. عبدالرحمن بن عوف رضی

الله عنه از همگی در مورد بهتر بودن برای خلافت در باره عثمان وعلی رضی الله عنهما پرسید.

بطور خلاصه بهترین ذرایع برای انتخاب بهتر. علم شرعی. درجه تحصیل. تجربه در بخش نظامی. عمر، صحت ،اخلاق ذاتی، اخلاق اجتماعی و زندگی خانوادگی می باشد.

هشتم : آماده ساختن فکری و اعتقادی افراد برای جهاد:

از مهمترین وجایب امیر و یا قوماندان تربیه فکری و عقیدوی افراد گروپ در پرتو ارشادات الهی و احادیث نبوی می باشد. مراکز نظامی ومخصوصاً محل ترننگ بهترین فرصت برای تربیه ایمانی افراد می باشد.

تربیه فکری و عقیدوی اساس هر کار و مخصوصاً کارهای دشوار چون دعوت وجهاد می باشد. الله جل جلاله به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند . شب نماز بخوان و مشکلات بی خوابی را برای عبادت متحمل شو تا بتوانی قول ثقیل (حمل مسؤلیت دعوت) را با تمام مشکلات و عقباتی که در سر راه داری بردوش کشی. تربیه ایمانی باعث تقویت انسان گردیده و به سختی ها تن میدهد.

قرآن کریم می فرماید : ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ٦٦ وَإِذاً لَّآتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْراً عَظِيمًا ٦٧ وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا﴾ اگر آنان آنچه که برایشان توصیه میگردید انجام میدادند بدون شك برای

شان بهتر بود و در ثبات قدم شان مؤثر تر بود و در آنصورت پاداش بزرگی از طرف خود برایشان می دادیم و حتما آنانرا براه راست هدایت میکردیم. النساء: ۶۸

ایمان قوی در برابر دشمن قوی می جنگدو ایمان است که با وجود کمی وسایل و افراد، گروه قلیل مؤمن را بر لشکر عظیم کافر غالب می سازند.

﴿ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللّهِ وَاللّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾ چه بسا گروه قلیلی که بر گروه بسیاری باذن الله غالب گردید، و الله با صابران است بقره: ۲۴۹

اعمال صالحه باعث قوت و ثبات در برابر دشمن می شود. وگناهان باعث شکست و فرار میگردد: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْاْ مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُواْ ﴾ بدون شك کسانیکه روز مقابله دوگروه پشت گرداننده (و فرا رنمودند) شیطان آنان را به سبب بعضی کار هایشان لغزانید. آلعمران: ۱۵۵

امام بخاری می نویسد: (باب عمل صالح قبل القتال) قسمت های از اثر ابودردا را ذکر میکند که کامل آن چنین است (ایهاالناس عمل صالح قبل الغزو فانما تقاتلون باعمالکم ای مردم قبل از جنگ عمل صالح انجام بدهید. بدون شك شما با اعمال خود میجنگید.

قرآن کریم مؤمنان را که جان و مال خود را در بدل جنت بالای الله جل جلاله می فروشند و می جنگند تا کشته شوند چنین

وصف میکند ﴿ التَّائـبُونَ الْعَابدُونَ الْحامدُونَ السَّائحُونَ الـرَّاكعُونَ السَّـاجدونَ الآمرُونَ بالْمَعْرُوف وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَـرِ وَالْحَافظُونَ لحُدُودِ اللّه وَبَشّرِ الْمُؤْمنينَ ﴾ همان تـوبه کنندگان . پرستندگان سپاسگذاران. روزه داران . رکوع کنندگان . سجده کنندگان . امر کنندگان به کارهای شایسته و باز دارندگان از کار های ناپسندو حفاظت کنندگان از حدود الله و بشارت ده مومنان را . توبه : ۱۱۲

و همین مؤمنان اند که الله جل جلاله آنانرا نصرت میدهد . وکان حقاً علینا نصر المؤمنین : نصرت مومنان بر ما لازم است . با توجه به آنچه ذکر شد . امیر باید پیوسته درپی تقویت بخشیدن ایمان در افراد خود بوده و با برنامه ریزی دقیق قضیه تعلیم ، تربیه و تزکیه افراد را پیوسته دنبال نماید . ﴿ يَـتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاته وَيُزَكّيهِمْ وَيُعَلّمُهُمُ الْكتَابَ وَالْحكْمَةَ وَإِن كَانُـوا مِن قَبْلُ لَفي ضَلَالٍ مُّبِين ﴾ آیات او را برایشان تلاوت میکند و پاکشان میکند و کتاب و حکمت برایشان می آموزاند . الجمعه : ۲

بخاری از معقل بن یسار رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند مامن عبد استرعیه الله رعیته فلم یحطها بنصحه لم یجد رائحة الجنة : هرکسی که الله مسؤلیت مردمی را بدوشش می سپارد و او خیر همه جانبه آنانرا نمی خواهد بوی جنت را نمی بیند . باید روز مره و هفته وار برنامه های تعلیمی . تزکیوی و تربیوی دنبال

شود و امیر باید افراد باتجربه دانشمند و صالح را برای دنبال نمودن آن بگمارد. هر زمانی که امیر از همچو برنامه ها غافل شود. بدون شك به شکست و زوال مواجه می شود خود امیر باید قدوه حسنه برای افرادش باشد امیر مثل بازار است هر چه در معرض فروش گذاشته شود همان خریده می شود و باید فردی را به عنوان محتسب تعین نماید که افراد را پیوسته با رفق و نرمی تذکر بدهد وگاهی تذکرات وی بعد از نماز های جماعت طوری باشد که بدون ذکر اسم شخص بگوید بعضی برادران چنین کاری را می کنند که نباید میکردند لازم است به این ترتیب باشیم.

ترویج قیام اللیل و روزه های نفلی در بین افراد از بهترین روشهای تزکیه نفس و تربیه ایمانی است.

امیر باید افراد را طوری تربیه کند که به نعمت های دنیا دل نبندند. و از آن بقدر کفاف استفاده کنند. زیرا توسع و فراخی در استفاده از نعمت های دنیا باعث قساوت قلب. کبر. محبت و دلبستگی به دنیا. ترس از مرگ و بالاخره ترك جهاد میگردد.

کسانیکه در استفاده از نعمت های دنیا اسراف نموده و خود را به راحتی و تنعم عادت میدهند. قرآن کریم به آنها مترفین «خوشگذرانان» آنانیکه از نعمت ها به وسعت و فراخی استفاده میکنند. میگوید که این صنف در قرآن همیشه مذموم بوده است.

کسانیکه در امورات جهادی مصروف اند وقتی به دنیا رو آورند و در نعمت ها غرق باشند چنان به جهاد پشت نموده و به دنیا رومی آورند که سابقه جهادی خود را کاملاً فراموش نموده. نتنها خود جهاد نمی کنند بلکه وابسته گان خود را نیز مانع می شوند.
در جهاد افغانستان چه بسا مجاهدین نامور و مشهور و قوماندانان معروف و فداکار و چه تعداد محبوسینی که سال ها پشت میله های زندان سختی کشیدند. به مجرد دسترسی به نعمت ها و توسع در استفاده از آن. از مسیر خود منحرف شده و تا آخرین لحظات زندگی با دنیا و لذت های آن وفادار مانده و از جهاد وسختی های آن بریدند.
کسانیکه در زندگی دنیا مصروف ترف و اسراف و خوشگذارنی اند و زندگی راحت و آرام را بر گزیده اند به اسلام و جهاد مفید واقع نمی شوند. زیرا کار دعوت و جهاد زیر سختی ها و تکالیف پنهان است. اگر کسی به آن عادت نداشته باشد در حمل آن مؤفق نیست.
ابن خلدون در مقدمه میگوید صحرانشینان و مردم کوهستان ها سختر و مقاومتر اند زیرا با سختی ها بزرگ شده اند و همین گروه در جنگ غالب اند. بعد حکمت چهل سال سرگردانی (تیه) بنی اسرائیل را چنین توجیه میکند که نسل جدیدی با خشونت و سختی ها تربیه شده و بتوانند باجبارین بجنگند. زیرا آنهای که با موسی (ع) بودند از زندگی شهری مستفید بوده و تنبل و بی جرئت بودند به

همین دلیل به موسی علیه السلام گفتند: **اذهب انت وربك فقاتلا اناها هنا قاعدون**: آنچه ابن خلدون میگوید حالت مسلمانان امروزی را تمثیل میکند. و مصداق همان حدیث ثوبان رضی الله عنه است که ابوداود واحمد آنرا روایت کرده است.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: (**یوشك ان تتداعی علیکم الامم من کل افق کمات تداعی الا کله علی قصعتها**: نزدیك است که همه امت ها (کفری) یکدیگر خود را برای حمله بر شما صدا بزنند چنانچه که اهل یك دسترخوان همدیگر را برای خوردن غذا صدا می زنند.

اسراف در استفاده از نعمت های دنیا باعث محبت دنیا و ترس از مرگ می گردد. که در حدیث به آن وهن گفته شده. وجود این حالت دربین مسلمانان در عصر حاضر باعث شده که با وجود کثرت تعداد اهل اسلام. مسلمانان در خانه های خود از هر افقی مورد تهاجم قرار گیرند. کفار و مشرکین. یهود و نصاری و فرزندان شادی و خنزیر همه باهم یکجا به آنان حمله ورگردیده و زمین را بر مؤمنان و مجاهدین راستین تنگ ساخته اند.

رمز پیروزی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در ترك دنیا و توجه کلی به آخرت بود. اصحاب پیامبرصلی الله علیه وسلم به نعمت های زایل و زود گذر پشت کردندو سردارهردو جهان شدند. آنها توسط قائد امین وامیر حکیم

تشبیه شده بودند رهبری که در دنیا چون مسافر زیست و همه لذت ها را به آخرت گذاشت ومی فرماید «مالی وللدنیا انما انا کراکب قال فی ظل شجرة ثم راح و ترکها» من با دنیا چه کار دارم من مثل راهروی هستم که زیر سایه درختی استراحت نموده و بعد رفت وآنرا رها کرد

خباب بن ارت رضی الله عنه میگوید: «هاجرنا مع النبی صلی الله علیه وسلم نرید وجه الله فوقع اجرنا علی الله تعالی فمنا من مضی لم یاخذ من اجره شیاً منهم مصعب بن عمیر قتل یوم احد و ترك نمرة فاذا غطینا راسه بدت رجلاه واذا غطینا رجلاه بدا راسه فامرنا النبی صلی الله علیه وسلم ان نغطی راسه و نجعل علی رجلیه من الاذخر، ومنا من اینعت له ثمرته فهو یهدبها» با پیامبر صلی الله علیه وسلم به امید اجر و رضای الله هجرت کردیم و اجر ما بر الله ﷻ واقع شد بعضی از ما رفتند و هیچ از پاداش خویشتن نگرفتند از آن جمله مصعب بن عمیر است که در احد کشته شد و یك چادر از او باقی ماند اگر سرش را پنهان میکردیم پایش برهنه می شد واگر پایش را پنهان می کردیم سرش برهنه می شد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند سرش را بپوشانید و بر پاهایش برگ درختان را بگذارید ویعضی از ما میوه هایش به ثمر رسیده و از آن بهره می برد «بخاری»

عقیده جهادی

هر لشکری می بایست برای جنگیدن انگیزه یی داشته باشد همین انگیزه او را در جنگ قوت و ثبات می بخشد.

دین مقدس اسلام که برای همه بشریت آمده است و راه نجات همگان در دنیا و آخرت تنها و تنها پابندی به قوانین قرآنی است. بناءً رساندن و تطبیق این قوانین در سراسر جهان نیاز به نیروی انسانی و مادی دارد که بسیج ساختن همین نیرو در خدمت تطبیق شریعت الهی را جهاد میگویند که وظیفه فرد فرد امت اسلام است. الله جل جلاله برای همین هدف قرآن و حدید را نازل فرموده تا قرآن هدایت کند و حدید موانع را از سر راه هدایت بر دارد. همه پیامبران به همین دو وسیله مردم را به راه راست سوق نمودند، دین اسلام که وارث همه ادیان است. این مسؤلیت بزرگ را بر دوش تک تک افراد این امت گذاشته و به بسیج همگانی دعوت نموده است. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ براستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهای است. پدید آوردیم. تا

خدا معلوم بدارد چه کسی نادیده او و پیامبرش را یاری می کند الله نیرومند شکست ناپذیر است. الحدید : ۲۵

بناءً جنگ بین مؤمن و کافر تا قیامت ادامه دارد و همین جنگ حق وباطل است که مؤمن و منافق را از هم جدا میکند و همین جنگ حق و باطل است که مرد و نامرد را معلوم میکند، و همین جنگ حق و باطل است که درجات عده یی را تا شهادت بالا می برد و عده یی دیگر را بنام های قاعدین و خوالف در دنیا و آخرت ذلیل میکند. همین جنگ است که جد وجهد وتلاش و کوشش را در انسان ده برابر رشد میدهد و برای انسان نیروی معنوی بخشیده و مسلمان را ده برابر ارتقا می بخشد. (**ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوماتین**) اگر از شما بیست نفر صبور باشد بر دوصد نفر غالب می شوند.

همین جنگ حق و باطل است که انسان ها را به دو دسته مومن و کافر تقسیم نموده وعقیده موالات با مؤمنان و دشمنی با کافران وبیزاری از آنان و در صورت ضرورت جنگیدن با آنان را فرض میگرداند.

وهمین جنگ حق و باطل است که صفوف مسلمانان را از منافقان جدا می سازد و انسانهای ثابت قدم و درست کار را از مزبزبین و دو دلان و منافق صفتان و ضعیف الایمانان جدا میکند.

﴿ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُو أَخْبَارَكُمْ ﴾ و البته شما را می آزمائیم تا مجاهدان و صابران را بشناسانیم و به احوالتان رسیدگی کنیم. محمد: ۳۱

دشمنی میان اسلام وکفر تا قیامت ادامه دارد بناءً این جنگ تا قیامت ادامه دارد. ﴿ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ ﴾ و میان ما و شما دشمنی همیشگی پدیدار شد تا وقتیکه فقط به الله ایمان بیاورید.

ممتحنه: ۴

از آیه معلوم می شود که دشمنی باید علنی ظاهر شود و دشمنی قلبی کافی نیست.

هر قدر ایمان مؤمن قوی تر باشد دشمنی کافر باوی شدید تر است و اگر ایمان ضعیف شد دشمنی کمتر می شود.

﴿ وَلَن تَرْضَى عَنكَ الْيَهُودُ وَلاَ النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ﴾ وهرگز یهود و نصاری از تو راضی نمی شوند تا که پیروی دین آنانرا شروع نکنی. البقره: ۱۲۰

چنانچه گذشت صراع بین ایمان وکفر تا روز قیامت ادامه دارد و مسلمان درین راستا به مراحل ذیل مکلف است:

اول - دعوت کفار به اسلام: فان اسلموا فقد اهتدوا. درصورتیکه ایمان نیاورند مرحله بعدی:

دوم - اظهار برائت از کفار: ﴿ إِنَّا بُرَءاؤُ مِنكُمْ ومِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ

والْبغْضَاء ما از شما بیزاریم و از آنچه که بغیر از الله می پرستید نیز. به شما کافر شدیم و در میان ما و شما دشمنی همیشگی پدیدار گشت.   الممتحنه : ۴

گرچه که انسان مسلمان کفار را در قلب خود بد می بیند ولی این برای ادای مسؤلیت ایمانی کافی نیست. باید عملاً اظهار برائت نموده و آنرا در محضر همگان آشکار کند.

در زمان ما این مبداء مهم پایمال است افراد مسلمان و احزاب مسلمان را می بینیم که الفاظ کفری دیموکراسی و قوم پرستی وامثالهم را تکرار میکنند و برعکس در مدح مسلمانان واقعی وذم کفار هیچ اظهار نظر نمی کنند.

سوم: ترك كفار و هجرت نمودن بسوی دار ایمان.

چهارم :- جهاد در مقابل کفار معاند وسرکش که در برابر دعوت قیام و ایستادگی می کنند و مانع برسر راه دعوت ایجاد میکنند.

در امت های قدیم کفار معاند و سرکش با عذاب الهی هلاك و تعذیب می شدند تا اینکه در شریعت موسی علیه السلام و بعد از غرق شدن فرعون جهاد فرض گردیده و تعذیب کفار توسط مسلمانان آغاز گردید و تا روز قیامت ادامه دارد.

جهاد باید با نفس مال و زبان صورت گیرد. و این جهاد گاهی جهاد طلب یعنی حمله بر دار کفر و یا جهاد دفع یعنی جلوگیری از تعرض کفار می باشد.

جهاد طلب و جهاد دفع

جهادطلب : وقتیکه گروه دعوتگران مسلمان به سرزمین های کفار رفته وآنان را به اسلام. جزیه و یا درنهایت به آمادگی برای مقابله دعوت میدهند جهاد طلب گفته می شود. دلیل فرضیت این نوع جهاد آیات واحادیث متعدد است از جمله : ﴿ قَاتِلُواْ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلاَ يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُواْ الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴾ بجنگید باکسانی از اهل کتاب که به الله و روز بازپسین ایمان نمی آورند و آنچه را که الله و پیامبرش حرام کرده است حرام نمی دانند. توبه : ۲۹

﴿ فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُواْ لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ وَآتَوُاْ الزَّكَاةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾ پس مشرکان را هرکجا یافتید بکشید و دستگیرشان کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین گاهی بر ایشان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند راهشان را باز بگذارید (رهایشان کنید) زیرا الله آمرزنده مهربان است توبه ۵

و در حدیث متفق علیه از ابن عمر رضی الله عنه روایت ست (امرت ان اقاتل الناس حتی یشهدوا ان لا اله الاالله وان محمداً رسول الله و یقیموا الصلوة و یؤتو الزکاة فاذا فعلوا ذلك عصموا منی دماء هم واموالهم الا بحق الاسلام وحسابهم علی الله) مامور شده ام که با مردم بجنگم تا لااله الاالله محمد رسول الله بگویند. نماز بخوانند و زکات بدهند اگر چنین کردند خونها ومالهای خود را حفاظت نمودند جزبه حق اسلام و حساب آنان با خدا است.

این آیات آخرین آیات نازل شده در مورد جنگ با کفار است و منسوخ نشده است پیامبرصلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین و دیگر خلفاء به هیمن طرز به فتوحات اسلامی ادامه دادند. جهاد طلب در مقابله باهمه قوانین بین المللی قرار دارد که تجاوز به حدود کشور ها را حرام میداند.

جهاد دفع :- وقتی کفار بر مسلمانان حمله کند بر همگان دفع تعرض کفار فرض است زیرا دشمن متجاوز سرزمین مسلمانان را مورد حمله قرار میدهد.

در اصل جهاد فرض کفایه است ولی در سه حالات ذیل فرض عین می شود :

اول - وقتی که در گیری آغاز گردد ادامه جنگ فرض و فرار حرام است (یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُواْ وَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلَحُونَ) ای کسانیکه ایمان

آوردید چون با گروهی برخورد میکنید پا یداری کنید و الله را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید: انفال: ۴۵

دوم: وقتی که کفار بر کشوری حمله کند

سوم: وقتی که امام نفیر عام اعلان کند و از گروه خاصی تقاضا خروج نماید. الله جل جلاله می فرماید: ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الآخِرَةِ إِلاَّ قَلِيلٌ**﴾ ای مومنان چه شده شما را که وقتی بر ایتان گفته می شود در راه الله بر آئید (کندی میکنید) و به زمین گرانگ می شوید. توبه: ۳۸

و درحدیث شریف آمده است (**واذا استنفرتم فانفروا**) وقتی از شما خواسته شد که همه با هم بروید، پس باید بروید.

تدریب و ترننگ نظامی بر همگان فرض است

این قضیه در باب دوم گذشت. دلیل فرضیت آن فرض بودن جهاد است و در شرایط کنونی با اختراع اسلحه مختلف یادگرفتن استعمال همهٔ انواع آن بسیار ضروری می باشد.

(**واعدوا لهم ما استطعتم من قوة**) (**ما لایتم الواجب الا به فهو واجب**) (**الا ان القوة الرمی**) ترننگ باید دوامدار بماند تا آنچه یاد کرده فراموش نشود

عقبه بن عامر میگوید: پیامبرصلی الله علیه وسلم فرموده اند: «من علم الرمی ثم ترکه فلیس منا» کسی که انداخت را یاد بگیرد بعد رها (و فراموش) کند از ما نیست. (مسلم) کسی که ترننگ نکرده است باید در جهاد اشتراك کند ولی به اسلحه یی که نمی داند دست نزند تا باعث اذیت دیگران نشود.

جهاد طلب سال یکبار بر مسلمانان فرض (کفایه) است. یك طائفه از مسلمانان تحت قیادت امام و یا کسی مناسب که امام او را انتخاب کند بر دشمن حمله کند. فرستادن گروپ های چریکی (در خاك دشمن) برای عملیات یکی پی دیگری از جهاد نفلی است. بناءً امت اسلام در مقام اول مجاهدت ها قرار دارد و باید بر همگان چهره باشد. نباید سر به تسلیم وصلح فروگذارد و تا آنکه فتنه (شرك) در زمین است بجنگد. همین روش خلفای راشدین بوده و همه صدر اسلام به همین روش اسلام را به گوشه و کنار جهان رساندند. در صورتیکه مسلمانان عاجز و ضعیف مانده باشند اعداد و رشد توانایی های نظامی برآن فرض میگردد.

جهاد دفع هر زمانیکه دشمن حمله کند بر همگان فرض عین است تا که دشمن شکست بخورد. سرزمین مسلمانان آزاد شود وهمه اسیران از بند خلاص شوند.

هجرت تا روز قیامت پایان ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «آمــرکم بخمس الله امرنی بهن، بالجماعة

والسـمع و الطاعة و الهجرة والجهاد » شما را به پنج چیز امر میکنم که الله مرا به آن امر نموده است به جمعت و شنیدن و اطاعت کردن و هجرت وجهاد . (رواه احمد)

هجرت زمانی واجب می گردد که دین انسان در خطر بیفتد یا اینکه بطرف جای مناسبی برای آمادگی به جهاد بروند و از آنجا خود را آماده ساخته بر دشمن بتازند و این هجرت مقدمه یی برای جهاد است

الله جل جلاله می فرماید « ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ من بَعْدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَاهَدُواْ وَصَبَرُواْ إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ » بهر حال پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از زجر کشیدن هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه کردند . پروردگارت بعد از آن حتماً آمرزنده مهربان است النحل ۱۱۰

و می فرماید « إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلآئِكَةُ ظَالمي أَنْفُسِهِمْ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمْ قَالُواْ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الأَرْضِ قَالُواْ أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُواْ فِيهَا » کسانیکه بر خویشتن ستمگار بودند وقتی ملائکه جان شان را می گیرد میگوید در چه حال بودید؟ جواب میدهند ما در زمین از ضعیفان بودیم میگویند آیا زمین الله فراخ نبود تا در آن مهاجرت کنید النساء ۹۷

مسلمانان در برابر هجرت سه حالت دارند

کسی که در میان کفار سکونت دارد و واجبات دینی خود را انجام داده نمی تواندوتوانایی هجرت را نیز دارد. هجرت بر او فرض است.

کسی که توان هجرت را بدلایلی ندارد بر او هجرت فرض نیست.

کسی که در دار کفر توان ادای واجبات دینی خود را دارد و همچنان میتواند هجرت کند. هجرت برای او سنت است. تا بتواند در میان مسلمانان به خاطر جمع زندگی نموده و در جهاد حصه بگیرد

مسلمان برادر مسلمان است. در هر کجا می باید با او کمك کند مخصوصاً وقتی کفار سرزمینی را مورد حمله قرار داد همگی اهالی آن سرزمین جوان و پیر زن و مرد به اندازه توان در دفع عدوان حصه بگیرند. واگر نتوانستند بر مسلمانان نزدیك و نزدیکتر جهاد لازم میگردد تا که کفایت حاصل شود. و نباید مسلمانان درین امداد و نصرت تخلف نمایند. نباید مسلمان برادر خود را به دشمن تنها رها کند.

در حاشیه بن عابدین آمده است: (ان هجم العدو علی ثغر من ثغور الاسلام فیصیر فرض عین علی من قرب منه فان عجز من کان بقرب العدو عن المقاومة مع العدو اولم یعجزوا عنها ولکنهم تکاسلوا ولم یجاهدوا فانه یفترض علی من یلیهم فرض عین کالصوم و الصلاة لا یسعهم

تــرکه ثم یفترض علی جمیع اهل الاسلام شرقاً وغرباً علی هذا التدرج ، حاشیه ج ۳ ص ۲۲۸
برای جهاد طلب لازم است که از نزدیکترین کفار شروع شود الله جل جلاله می فرماید ﴿ یاایهاالذین آمنوا قاتلوا الذین یلــونکم مــن الکفــار ﴾ ای مؤمنان با کفار نزدیکتان بجنگید.
ابن کثیر رحمه الله میگوید : الله جل جلاله مومنان را در آیه مذکور هدایت داده است که در ابتداء با نزدیکترین کفار بجنگید به همین دلیل رسول الله صلی الله علیه وسلم از جزیرة العرب شروع کرد. بعد برای روم آمادگی گرفت.
جنگیدن با مرتدین مقدم است نسبت به جنگیدن با کفار واگر سلطان مرتد شد جنگیدن با او از هر چیز مقدم است.
کسانیکه در عوض قوانین الهی قوانین جدید می سازند و آنرا بر مردم تطبیق میکنند مثلیکه یهود به عوض رجم زانی حکم جدیدی ایجاد کردند. اینها بدون شك کافر می شوند واز ملت اسلام خارج اند حتی ولو اگر ارکان پنجگانه اسلام را بجا آورند
هر کسی که با کفار همراه زبان یا با عمل در کفر آنان همکاری نماید کافر است . این قضیه باید به همگان روشن شود تا کسی در ابهام و جهل نماند
حکومت های که قوانین غیر شرعی را تطبیق میکنند کافر اند و باید آنانرا سرنگون ساخت. در صورت ضعف باید

قوت تهیه نمود و یا هجرت کرد. و در صورتیکه همه امکان نداشت چون مستضعفان زندگی باید کرد. نه اینکه از طریق مشارکت در نظام های کفری آنان و پارلمان های شان به فکر ایجاد نظام اسلامی شد. زیرا رضا برای نظام دیموکراسی و قانون اساسی ساخته دست مردم بجای شریعت الهی رضا به کفر بوده و خود کفر است.

قرآن مجید می فرماید: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللّهِ يُكَفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلاَ تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ﴾ والبته در کتاب بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا موردانکار وریش خند قرار میگیرد. با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند چرا که در آنصورت شما هم مثل آنان خواهید بود. نساء: ۱۴۰

بناءً نه تنها مشارکت با آنان در نظام ناجائز است بلکه دادن مالیات وغیره بر ایشان حرام بوده و جهاد برضد شان فرض است بلکه از جهاد برضد کفار دیگر چون یهود. نصاری و دیگران مقدم است . زیرا از جمله جهاد دفع است واین جهاد بر جهاد طلب مقدم است . و بر ضد مرتدین است و جنگ برعلیه مرتدین مقدم است نسبت به جنگ با کفار. و جهاد با کفار نزدیك است طوریکه فرموده است (قاتلوا الذين يلونكم من الكفار)

نظام های حاکم در کشور های اسلامی طاغوت اند و پیروی آنان و دنباله روی شان عبادت طاغوت است. و این ها بدتر از طواغیت مرده اند. مقصد از طواغیت زنده حاکمان کافر و ظالم در کشورهای مسلمان است و مقصد از طواغیت مرده قبر ها. بت ها. سنگها. درختان و دیگر جماداتی که به اشکال مختلف عبادت می شوند، برایشان نذر گرفته می شود. ذبح و قربانی میکنند. از آنها استعانت می جویند و دعاهای خویش را به دربار آنان صرف میکنند. با وجود آن پرستش طواغیت زنده بدتر از طواغیت مرده است. کسی که از طواف قبر ها متنفر بوده و به قصرها طواف میکند بدتر از اولی است. پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتداء طواغیت زنده را از بین برد و در نهایت بعد از فتح مکه برای شکستن بت های مرده دستور فرمودند.

ابراهیم و همراهانش به قوم خود گفتند. ﴿ انابرءاؤمنکم ومماتعبدون من دون الله ﴾ مطلب این است که ابتداء از خود تان بعد از معبودان تان بیزاریم. قابل تعجب است که بعضی از طلاب علم در سایه رحمت طواغیت زنده خود را پنهان نموده و در کتابها و بیانات خویش حملات وسیع خود را بر طواغیت مرده و پیروان آنان منحصر می سازند و از تعرض به طواغیت زنده طرفه رفته و خود را بیخبر می افگنند.

اگر گاهی هم بخواهند صحبتی از جهاد و قیام در مقابل طاغوت را بر زبان بیاورند به جهاد در فلسطین و افغانستان

اشاره می کنند و از جهاد و انقلاب علیه نظام های کفری مسلط بر بقیه عالم اسلام وکشور خودشان که برگردن هایشان مسلط است. سکوت می نمایند. و بعضی ها آنرا گمراهی و اشتباه می دانند.

شیخ البانی در تعلیق خود بر عقیده طحاویه می نویسد:

(وليس طريق الخلاص (اى من ظلم الحكام) مايتوهم بعض الناس وهو الثورة بالسلاح على الحكام بواسطة الانقلابات العسكرية فانها مع كونها من بدع العصر الحاضر فهى مخالفة للنصوص الشرعية التى منها الامر بتغير ما بالانفس و كذلك فلا بد من اصلاح القاعده لتاسيس البناء عليها).

شایان ذکر است که سکوت علماء عصر حاضر در برابر طواغیت زمان و حکومت های طاغوتی دوران باعث شده است که خیلی ازجوانان با همین بهانه از جهاد مسلحانه کناره گیری نموده و همه احساسات و نیروی شجاعت و شهامت طاغوت ستیزانه خود راصرف قبرستان و صوفیان گمراه و امثالهم نمایند با تبری بر درختی در حالیکه مجروان خواب است. حمله نموده و آن را ریشه کن کنند و همین تلاش خود را جهاد وکفاح مسلح بشمارند.

وحدت صف و اتفاق

ایجاد فضای اخوت ایمانی در میان افراد جامعه اسلامی وخصوصاً گروپ های مجاهدین اساسی ترین رکن جهاد است. و مهمترین وسیله پیروزی است.

قرآن می فرماید: ﴿وَمَــن يَتَوَلَّ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُواْ فَــإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ و هرکس الله و پیامبرش و کسانی را که ایمان آورده اند دوست خود بداند. بدون شک حزب الله همان ها پیروزمند اند. المائدة: ۵۶

همین اجتماع حزب الله است و همین جماعت پیروز است. فان حزب الله هم الغالبون. ایجاد رابطه اخوت و برادری اسلامی دربین افراد و تعیین امیر و شنیدن اوامر وی و پیروی از آن و پیدا نمودن جای مناسب برای هجرت و تربیه جهادی و سپس حمله بردشمن از فصول مهم کتاب جهاد است. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (آمــركم بخمــس الله امرنی بهن بالجماعة والسمع والطاعة والهجرة والجهــاد) تفرقه و اختلاف شکست می آورد. ﴿ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم﴾ جای تاسف است که در کشور های اسلامی جمعیت های متعددی بنام اسلام کار میکند. و متفرق و پراکنده اند. باید این گروه ها متحد شوند وهمگی به اولین گروهی که تاسیس شده بود بپیوندند. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (فوا بيعة الاول فالاول)

قرطبی رحمه الله میگوید **لايمنع بناء مسجد الا ان يقصد به الشقاق و الخلاف** ..... بنای مسجد مانعی ندارد مگر اینکه هدف اختلاف و تفرقه باشد. طوریکه مسجدی را در کنار مسجد آباد کنند تا نماز گزاران متفرق شوند. بناءً میگوئیم که نباید در شهر دومسجد جامع باشد. در روشنائی مطلب امام قرطبی می توانیم بگوئیم که در یك ملك دو تنظیم درست نیست زیرا اختلاف و تفرقه ایجاد می شود و قوت ها تقسیم و پراگنده می شوند، دشمن پیوسته میکوشد که داخل تنظیم انشعابات را به وجود آورد و از تنظیم اسلامی تنظیم های کوچك دیگر متولد کند تا تنظیم در کشمکش های داخلی مصروف شود وهدف اصلی پایمال گردد. و این حالت را در سراسر جهان اسلام در تنظیم های اسلامی ومخصوصاً تنظیم های جهادی مشاهده می کنیم.

بناءً تاکید میکنیم که بر همگان لازم است تا به همان تنظیم اولی متعهد باشند و مانع ایجاد تنظیم های جدید گردند. نباید تنظیم های جدید را کمك و پشتی بانی کرد. عضویت در تنظیم های جدید واکمالات آن تعاون بر گناه و تفرقه و پراگندگی است[۱]. **ولا تعاونوا على الاثم والعدوان**.

---

(۱) - در افغانستان تنظیم اسلامی و جهادی علیه کمونیزم تاسیس شد باید تا امروز همگی دور آن جمع می بودند و قوت های مجاهدین را به نام های متعدد پراگنده نمی ساختند. مترجم

ما بر این باوریم که مصروفیت گروهای اسلامی در وضع فعلی عالم اسلام در اموارت دیگری غیر از جهاد فی سبیل الله و برنامه ریزی برای جنگ با دشمن. از مصروفیت های عبث و بی فایده بوده و خیانت با الله و پیامبرش می باشد. خیانت با دین اسلام و کمك در از بین بردن قوت مسلمانان است. جهاد امروز فرض عین است واهمال این فریضه باعث ذلت و خواری عالم اسلام می گردد. گروه های که شعار خدمت به اسلام و پخش و نشر دعوت اسلامی سر داده اند. اگر برنامه اصلی آنان جهاد نباشد. در حقیقت برای تضعیف امت کار میکنند و نیروهای نظامی امت را هدر میدهند و افراد امت را با مصروف ساختن در امورات دیگر وقانع ساختن آنان به این که در کار اسلامی مصروف اند و در خط پیامبر روان اند، از کفاح مسلح باز میدارند. آیات و احادیث جهاد را برایشان غلط توجیه نموده تا هر کار بسیطی را که انجام میدهند جهاد و قربانی در راه الله جل جلاله تلقی کنند. واین خود آب ریخن در آسیاب دشمن است. بر فرد فرد عالم اسلام جهاد فرض است. اگر کسی عاجزاست آماده گی بگیرد و به عجز خود پایان بخشد واگر راه رسیدن به خط جنگ کاملاً مسدود است مال خود را در خدمت مجاهدین قرار دهد و دیگران را بازبان و قلم به جهاد تشویق کند و پیوسته به جهاد و مجاهدین دعا کند وازالله متعال شکست کفار را در شب و روز در دعاهای خود بخواهد

در شرایط کنونی هر تلاشی به غیر از جهاد تلاش عبث است و هر مالی که بغیر از راه جهاد به مصرف می رسد بی فایده است یگانه راه نجات در عصر حاضر بسیج ساختن همه طاقت ها در خدمت جهاد و مصرف کردن همه اموال برای در حرکت آوردن ماشین جهاد است.

الحرب خدعة

همه عالم بر این باورند که دو رکن اساسی جنگ پنهان نگهداشتن اسرار از جواسیس دشمن و فریب دادن آنان است دین اسلام شکستن عهد راجائز ندانسته وآنرا از جمله خدعه در جنگ نمی داند بلکه خیانت می شمارد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (الحرب خدعة) در حقیقت جنگ را منحصر به هیله گری و اجرای نقشه های دقیق منحصر ساخته اند. این یك حقیقت است که با تکتیك ضربه قوی به دشمن وارد می شود. البته نسبت به مقابله های غیر منظم. دراین فریب کاری ها امورات ذیل شامل است.

۱ - دروغ گفتن: در حدیث مسلم از ام کلثوم بنت عقبه رضی الله عنها روایت شده که پیامبر اسلام دروغ را در جنگ واصلاح ذات البینی و صحبت های زن و شوهر اجازه داده است

امام نووی میگوید اگر کسی نزد شما پنهان شده و ظالمی می خواهد او را بکشد و در مورد وی از شما معلومات می خواهد دروغ گفتن واجب می شود

۲ - ترور کافر حربی **فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُواْ لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ** و بکشید مشرکین را هر جاکه یافتید و بگیرید آنانرا محاصرهٔ شان کنید ودر هر کمین گاهی در مقابل آنان بنشینید. التوبه : ۵

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ترور کعب بن اشرف یهودی و ابو رافع یهودی مجاهدین را فرستاد و کشته شدند

اگر درین جریان اطفال و زنان کافر مذکور بدون قصد کشته شوند اشکالی ندارد

در حدیث مسلم آمده است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند (**لو ان خيلاً اغارت من الليل فاصابت من ابناء المشركين قال هم من آبائهم**) اگرگروهی از مجاهدین در شب حمله کند وبه اطفال مشرکین آسیب برسد چه خواهد شد؟ فرمودند آنها از پدران شان هستند

وهمین مذهب جمهور علماء است. علماء میگویند (**لا اثم فى قتل الذرارى اذا لم يتميزوا عن من يراد قتله من الكافرين على ان لا يتعمد قتلهم والله اعلم**) در کشتن اولاد کفار که جدا کردن شان ممکن نباشد حرجی نیست بشرطی که قصداً کشته نشوند

۳ - حفظ اسرار :- اسرار در مجموع برای دعوت اسلامی اهمیت زیاد دارد و برای هر فرد نیز مهم بوده و در امورات جهادی نهایت ضروری است « وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ » گفت مرد مؤمنی از خانواده فرعون که ایمانش را پنهان میکرد. غافر: ۲۸

در اصل دعوت جهری می باشد و در صورت ضرورت مخفی ولی در مسائل جهادی بر عکس اصل اسرار را پنهان کردن است. بنابر دلایل ذیل:

۱ - کعب بن مالك رضی الله عنه میگوید: (لم یکن رسول الله یریدغزوة الا وری بغیرها) پیامبر صلی الله علیه وسلم اراده جنگی را نمی کرد مگر اینکه آنرا با دیگری پنهان میکرد. این حدیث دلیل بر پنهان کردن دائمی امورات جهادی است. تا دشمن را در غفلت ضربه زنیم. و برنامه های نظامی در دائره تنگ با قی بماند تا به گوش دشمن نرسد.

در سریه عبدالله بن جحش حتی جریان را به خود قومندان هم روشن نساخت. بلکه فرمود: ای عبدالله کاری را که باید انجام بدهی درین مکتوب نوشته ام. آنرا دو روز بعد از ادامه سفر باز کن و بخوان و طبق آن عمل کن

بناءً یکی از ارکان مهم در برنامه های عسکری پنهان نگهداشتن اسرار است. اگر کسی در دار الکفر باشد می تواند از لباس و روش های آنان برای پنهان کردن خود

ستفاده کند . در حالیکه تقلید کفار در لباس وغیره نه جائز است.

جایگاه شهادت در جهاد

قرآن مجید می فرماید : ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾ در حقیقت الله جان و مال مؤمنان را در برابر بهشت خریده است . التوبه ۱۱۱

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : «لو لا ان اشق على امتى ما قعدت خلف سرية، ولوددت ان اقتل فى سبيل الله ثم احيا فاقتل ثم احيا فاقتل» اگر برای امتم سخت نمی ساختم از هیچ گروپ جهاد عقب نمی ماندم آرزو دارم که در راه الله کشته شوم باز زنده شوم و کشته شوم باز زنده شوم و کشته شوم. متفق علیه

انس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت میکند که فرمودند هر کسی در جنت داخل شود اگر همه چیزهای روی زمین از وی باشد برگشت به دنیا را دوست نمی دارد . جز شهید که آرزو میکند به دنیا برگردد و ده بار کشته شود به سبب کرامت وعزتی که در شهادت می بیند

«ما احد يدخل الجنة يحب ان يرجع الى الدنيا وله ما على الارض من شئ الا الشهيد يتمنى ان يرجع الى الدنيا فيقتل عشر مرات لما يرى من الكرامة» متفق علیه

آرزوی شهادت بزرگترین دافع برای شتافتن به خط مقدم جبهه است. پس شهادت ضامن پیروزی در دنیا و وثیقه داخل شدن بهشت است. با شوق شهادت کمبودهای مادی گروپ مجاهدین اکمال می شود وعشق شهادت رعب بر دلهای دشمنان می اندازد. این استشهادی ها هستند که خواب را از چشم دشمن ربوده اند. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: (نصرت بالرعب مسیره شهر) یعنی دشمنان یکماهه راه دورتر از ما می ترسند.

از شهادت سمیه و یاسر رضی الله عنهما تا شهدای امروز داستان های شهدا در کتب تاریخ دل انگیز وجالب ترین روایات تاریخ اسلام به حساب می روند. باید بدانیم که رفتن به سنگر. تحمل نمودن مشکلات وسختی ها و سرکشیدن جام شهادت همه وهمه برای اعلای کلمة الله واظهار دین برحق الله متعال است. (من قاتل لتکون کلمة الله هی العلیا فهو فی سبیل الله) (قاتلوهم یعذب هم الله بایدیکم) بناءً هدف ضربه زدن کفر ذلیل ساختن آنان. سرنگونی نظام ساخته وپرداخته دست آنان وبلندی کلمه الله وحاکمیت دین خدا است هدف از جهاد همین است در جهاد هدف تنها وتنها شهادت نیست. رفتن به جهاد و تن دادن به شهادت بخاطر ضربه زدن کاری و ریشه کن کردن دشمن است که باید هدف هر مجاهد همین باشد

مجاهد باید زمانی به شهادت تن بدهد (ومخصوصاً زمانی به عملیات استشهادی اقدام کند) که به دشمن ضربهٔ محکم وکاری وارد شود. زیرا هر فرد مجاهد با ایمان وشهادت طلب قیمتی ترین سرمایه عالم اسلام است وباید این قوت محفوظ بماند و هدر نرود

عمر رضی الله عنه به سعد بن ابی وقاص نوشت : (**لا تبعث طليعة ولاسرية وفی وجه تتخوف فيه غلبة اوضيعة اونكاية** هیچ گروه تفتیش و گروه چریکی را نفرستید وقتی میترسیدی که احتمال آصیب پذیری یا ضرری به آنان وجود دارد و به همین مقصد فرار نمودن از مقابل سه کافر جائز است. بیهقی از ابن عباس روایت میکند: (**من فرمن اثنين فقد فر ومن فرمن ثلاثة فمافر**) کسی از دو نفر (کافر) فرار کرد. فراری است و کسی که از سه نفر فرار کرد فراری نیست.

همه این روایات بخاطر حفظ و بقای قوت لشکر اسلام است خالد بن ولید رضی الله عنه در جنگ موته بعد از شهادت قمندانان معروف زید بن حارثه. جعفر بن ابی طالب و عبدالله بن رواحه رضی الله عنهم قیادت مسلمانان را بدوش گرفت و با تکتیك خاصی لشکر اسلام را آهسته آهسته بدون اینکه تعداد شهدا بالا برود به عقب کشید و این تکتیك خالد را پیامبرصلی الله علیه وسلم فتح و پیروزی نامید.

بخاری از انس رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: اخذ الراية زيد فاصيب ثم اخذ جعفر فاصيب ثم اخذ بن رواحه فاصيب وعيناه تذرفان حتى اخذ الراية سيف من سيوف الله حتى فتح الله عليهم) بیرق را زید گرفت زده شد بعد جعفر گرفت او نیز زده شد بعد بن رواحه گرفت او نیز زده شد و در حالیکه از چشمانش اشك جاری بود فرمود: تا اینکه بیرق را شمشیری از شمشیر های الله گرفت تا که الله نصرت نصیب شان کرد.

تحت چه شرایطی می توان سنگر رفت؟

سنگر رفتن چهار شرط دارد:

۱ - آیا این جنگ شرعاً درست است؟

۲ - بیرق این جنگ از طرف کدام جهتی بر افراشته شده است؟

۳ - مفاد این جنگ از ناحیه نظامی چه قدر است؟

۴ - تدابیر امنیتی لازم تا چه حد است؟

هرگاه این چهار شرط یعنی مشروعیت جهاد. بیرق آن. مقصد نظامی در آن و تدابیر امنیتی لازم متوافر بود با توکل به الله متعال حرکت کن و از مشکلاتی که در سر راه است مشوش نباش و نتیجه جهاد را به الله متعال بسپار

ترس آفت جهاد است

در حدیث ثوبان تجمع دشمن بر علیه مسلمانان در زمان کثرت آنان ولی با وجود کثرت. ضعف وعقب ماندگی مسلمانان بدلیل ایجاد و ریشه گرفتن وهن (محبت دنیا و ترس از مرگ) در آنان معرفی شده است.

دوستی دنیا بخاطر اسراف در استفاده از نعمت های دنیا واستراحت طلبی در انسان ایجاد می شود. وقتی به دنیا دلبستی و همه زندگی را در تکاثر و جمع و انبار کردن مال دنیا صرف کردی. دلگرفتن از آن کار دشوار است و تن دادن به مرگ واستقبال از شهادت و رفتن به سنگر های جهاد نهایت مشکل می شود.

ترك دنیا وجلوگیری از اسراف و راحت طلبی و همچنان ترسیخ عقیده ایمان به قدر و اینکه مرگ سر وقت خودش می آید. علاج و درمان مرض وهن وترس از مرگ است.

﴿ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللهِ كِتَابًا مُؤَجَّلاً ﴾

وهیچ نفسی جز به فرمان الله نمی میرود سرنوشتی است مقرر شده   آلعمران ۱۴۵

﴿ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلاَ يَسْتَقْدِمُونَ ﴾

وچون اجلشان فرا رسد. ساعتی آنرا پس و پیش افگنده نمی توانند   النحل ۶۱

نصرت از جانب الله است

نصرت و پیروزی بدست الله است «وما النصر الا من عند الله» در ادبیات عربی قوی ترین نوع حصر همین است. یعنی اینکه نصرت تنها و تنها از جانب الله است. مربوط به سپاهی لشکر و کثرت وسایل نیست. در غزوة حنین احساس افتخار به زیادی لشکر باعث شد که ابتداء شکست واقع شود. قرآن کریم آن روز را خوب تمثیل نموده می فرماید:

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ٢٥ ثُمَّ أَنَزلَ اللّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَذَلِكَ جَزَاء الْكَافِرِينَ» بدون شك الله شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است و در روز حنین که کثرت شما را در شگفت آورده بود ولی در هیچ وجه از شما دفع خطر نکرد و زمین با همه فراخی بر شما تنگ شد و به عقب برگشتید آنگاه الله سکینه را بر پیامبر و مؤمنان فرود آورد و سپاهیانی فرو فرستاد که آنرا نمی دیدید و کافران را عذاب کرد و همین سزای کافران است (توبه ٢٥)

در سوره انفال می فرماید: فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ شما آنها را نکشتید الله کشت ونزدی وقتی که زدی بلکه الله زد.
انفال: ۱۷

بناءً نصرت از جانب الله متعال و قادر والا است. برای مجاهدین لازم است که اسباب این نصرت را فراهم کنند و آنچه درباب اعداد ایمانی برای جهاد واسباب نصرت مجاهدین ذکر شده در نظر داشته باشند.

با توجه به نصرت الله و وعده های الله با مجاهدین مؤمن می شود جواب دندان شکن به آن مایوسانی داد که از آوردن نظام اسلامی واعاده خلافت اسلامی مایوس اند. آنانیکه میگویند امریکا و روسیه با اسلحه های مدرن خود همه جهان را تحت کنترول خود دارند. میگویند زمین و فضا را در اختیار دارند و نظام های جاسوسی پیش رفته شان هر حرکتی را درنطفه خنثی میکند و عقیده دارند که با بانك جهانی بر شهرك اقتصاد همه ملت ها مسلط اند و هر لحظه یی میتوانند آنرا قطع کنند.

ما معتقدیم که هیچ چیزی و هیچ کسی در برابر قدرت الله اهمیتی ندارد همه را شعار کفر شکن الله اکبر کافیست و کسانیکه غیر از این را تصور میکنند به عظمت الله و وعده هایش با مؤمنان و مجاهدان مشکوك اند و ضعف ایمانشان آنها را در این تصور یاری کرده است.

الله جل جلاله می فرماید ﴿ وَلاَ يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُواْ إِنَّهُمْ لاَ يُعْجِزُونَ ﴾ وکافران گمان نکنند که پیشی جسته اند آنها ما رانمی توانند درمانده کننده. الانفال: ٥٩

در آیه دیگری می فرماید: ﴿ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴾ و سپاهیان آسمانها و زمین از آن الله است و الله همیشه شکست ناپذیر سنجیده کار است. الفتح: ٧

و در آیه دیگری می فرماید: ﴿ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لاَ يَفْقَهُونَ ﴾ وگنجینه های آسمانهاو زمین از الله است ولی منافقان نمی فهمند.

المنافقون: ٧

در آیه دیگری میگوید: ﴿ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الأَشْهَادُ ﴾ در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در روزیکه شاهدان ایستاده می شوند حتماً یاری میکنیم. غافر: ٥١

شبهۀ اول علم. بعد جهاد

بعضی ها به این بهانه که طلب علم بر هر مسلمان فرض است خود را از جهاد معذور میدارند. درین مساله حق و باطل خلط شده و برای قاعدین بهانه یی ایجاد شده است.

علم بدو دسته فرض عین و فرض کفایی تقسیم می شود.

فرض عین که بر همگان لازم است نیز به دو دسته تقسیم می شود: یکی بر همگان و آحاد امت یکسان فرض است. مثل ارکان اسلام و شناخت چیزهای که بر مؤمنان حرام است چون شراب خنزیر وغیره واما تفصیلات احکام بر خواص فرض است و دیگران باید هنگام مشکل به علماء مراجعه نموده و بپرسند.

فرض کفایه در مجموع بر امت فرض است که اگر گروهی آنرا بیاموزد از دیگران ساقط می شود.

بن قدامه رحمه الله اجماع امت را در مورد تقسیم علم به رض عین و کفایه نقل کرده است و درین مورد بین علماء ختلافی نیست.

علوم فرض عین که بر آحاد مسلمانان فرض است به مدت سیار کوتاه ضرورت است که همه آنرا بیاموزیم و این کار نتی در سنگر جهاد نیز میسر است.

اگر کسی ادعا کند که فرض کفایه نیز بر هر مجاهد لازم ست ادعای غلط است زیرا

اولاً فرض کفایه را در محل فرض عین قرار داده است و با
این کار مصالح اسلام پایمال می شود. و با مصروف شدن
همگان در فراگیری علم. جهاد تعطیل می شود در حالیکه
قرآن می فرماید:
﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةً فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ
مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُواْ
إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾ شایسته نیست که مومنان همگی
یکجا بروند پس چرا از هر فرقه یی دسته یی نمی روند تا
(بقیه) در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی بسوی
آنان برگشتند بیم دهند. التوبه: ۱۲۲
از این آیت واضح می شود که عده یی علم بیاموزند تا به
سوالات دیگران جواب بدهند و آنانرا در وقت ضرورت
تعلیم بدهند.
ثانیاً: کسی که به فرض بودن طلب علم قبل از جهاد باور
دارد باید دلیل بیاورد که بدون شك هیچ دلیلی از قرآن و
سنت نخواهد آورد. در سیرت پیامبر و خلفای راشدین و
غزوات آن زمان خلاف آن ثابت می شود.
در غزوه حنین دو هزار نو مسلمان از مکه با ایشان یکجا شد
که آنها فرصت طلب علم را پیدا نکردند ولی در جهاد
اشتراك ورزیدند.
باید مکرراً عرض کرد که از جمله شروط فرضیت جهاد که
علمای اسلام آنرا در کتب فقه اسلامی درج کرده اند طلب

علم در آن شامل نیست چنانچه قبلاً مفصل ذکر شد شروط فرضیت جهاد عبارتند از اسلام. بلوغ. آزادی . ذکوریت سلامت جسم و داشتن مصارف راه . بعضی ها در جهاد فرض کفایه اذن والدین و اذن داین را نیز شامل میدانند در جهاد فرض عین چهار شرط است اسلام . بلوغ. عقل . و سلامت بدن

در بخاری از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده که شخصی با لباس زره به حضور پیامبر اسلام حاضر شده و گفت ای رسول خدا اسلام بیاورم یا بجنگم فرمودند اول اسلام بیاورید بعد بجنگید. اسلام آورد بعد جنگید و شهید شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند « **عمل قلیلاً و اجر کثیراً** » عمل کم نمود و اجر فراوان گرفت

در مطالب فوق واضح گردید که طلب علم عذر برای تخلف از جهاد شده نمی تواند و نباید در اوضاع کنونی که جهاد بر اکثریت مسلمانان فرض عین است. افراد و گروه ها به این بهانه غلط خود را از این فریضه بزرگ محروم بگردانند

مجاهد چقدر بیاموزد ؟

گروه مجاهدین به شکل عام باید همه انواع علوم فرض عین و کفایه را بیاموزد ولی مقصد کار گروهی است نه فرد فرد مجاهد. در مورد جهاد باید به مشروعیت جهادی که به آن

اقدام میکند علم داشته باشد و به صحیح بودن بیرقی که تحت آن می جنگد قانع باشد

عمر رضی الله عنه در ابتدای خلافت ابوبکر صدیق به جنگیدن با مانعین زکات موافق نبودند. ولی ابوبکر صدیق به قناعت ایشان پرداختند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد بیرق مجهول می فرماید. «**من قاتل تحت راية عمية يدعو لعصبية او ينصر عصبية فقتل قتلته جاهلية**» کسی که زیر بیرق مجهول جنگیده و به قوم پرستی دعوت کند و قوم پرستی را نصرت کند و کشته شود مرگ آن جاهلی است. خلاصه مطلب اینکه هم از جواز جهادی که می خواهد در آن اشتراك نماید. و هم از حق بودن بیرقی که تحت آن به جهاد می رود مطمئن باشد. اما در باره علم فرض کفایه لازم است عده یی از گروه مجاهدین برای آموختن متفرغ باشند. افراد با استعدادی انتخاب شوند و در ابعاد مختلف تخصص بگیرند در مراحل قبل از پیروزی و بعد از پیروزی در خدمت نظام اسلامی باشند. امکانات مالی و زمینه تحصیل را گروه مجاهدین بر ایشان آماده سازد.

گرچه ساحه علم خیلی فراخ است ولی بهتر است طلاب علم از مسایل اهم شروع نمایند و ترکیز بر آن بخش ازعلم نمایند که در خدمت جهاد باشد.

اعداد یا آمادگی برای جهاد یعنی چه ؟

اعداد دوگونه است. اعدا مادی و اعداد معنوی.

اعداد مادی از آیه (واعدوا لهم مااستطتعم من قوة) که قوت را پیامبر صلی الله علیه وسلم بهترین انداخت تعریف نموده اند. بناءً اعداد مادی یعنی آماده ساختن افراد. اموال و اسلحه و مهمات. و اعداد معنوی یعنی تربیه اسلامی و جهادی. و هر دومطلب در باب دوم این رساله گذشت. مقصد ما درین جا این است که نبایداعداد را فقط منحصر به اعداد ایمانی ساخت و پیوسته الی الابد درپی تربیه افراد بود تا بالآخره بدون جهاد به پایان زندگی برسند. همچنان نبایدتربیه و اعداد ایمانی را ذریعه عقب ماندن از جهاد و علت توجیه قعود و باز ماندن خود قرار داد زیرا بهترین جای برای تربیه ایمانی و روحی سنگر های داغ جهاد است. آنجاست که انسان به اوج تقوی و احسان می رسد.

آیا برای مجاهد بودن عدالت شرط است ؟

عدالت به معنی دیندار بودن فرد یعنی اینکه فرائض را با سنن رواتب انجام بدهد و از کبایر بپرهیزد و بر صغایر مداومت نورزد و در افعال و کردار خویش با مروت باشد

یعنی کاری که شایسته است بکند و آنچه نمی زیبد ترک کند.

عدالت از شروط مشارکت در جهاد نیست. بلکه جائز است فاسق و منافق در جنگ اشتراك نماید. ابن ابی و همراهانش در جنگ ها می بودند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (**ان الله تعالی یؤید هذا الدین بالرجل الفاجر و اقوام لاخلاق لهم**) الله جل جلاله این دین را به واسطه انسان فاجر و گروه های بی حیثیت نصرت میکند.

الله جل جلاله وقتی مومنان را به تجارت بزرگ یعنی جهاد راهنمائی میکند در ضمن آن می فرماید: (**یغفر لکم ذنوبکم**) یعنی در نتیجه جهاد گناهان شما آمرزیده می شود. پس دعوت به جهاد برای مسلمان پرهیزگار وگنهگار هردو داده شده است.

ابن تیمیه رحمه الله میگوید: کسی که گناهانش زیاد است بهترین علاج و دوای آن جهاد است.

خلاصه اینکه فسق و نبودن عدالت مانع خروج به جهاد نیست ولی اگر ضرری بر آن مرتب باشد از رفتن آنان جلوگیری شود. کسانیکه در صف شکست می اندازند و یا اختلافات را دامن می زنند بر ایشان اجازه داده نشود. در سورهٔ توبه الله ﷻ می فرماید: فَإِن رَّجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا۟ مَعِيَ أَبَدًا وَلَن

تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ واگر الله ﷻ تو را بسوی طائفه یی از آنان باز گردانید و برای بیرون آمدن اجازه خواستند بگو هرگز با من بیرون نشوید و با هیچ دشمن نجنگید زیرا شما اول بار به نشستن راضی شدید پس با عقب ماندگان بنشینید.

التوبه: ۸۳

وقتی در بر آمدن آنان مصلحت باشد بهتر است اجازه اشتراك بر ایشان داده شود ولی اجازه عمل بدی که در ایشان است داده نشود بلکه بر عکس پیوسته برای شان توصیه شده و به معروف امر شوند و از منکر منع گردند.

این عیب نیست که در گروپ مجاهدین گنهگاران اشتراك ورزند ولی عیب درین است که گناهشان تایید شود و به آنان امر و نهی صورت نگیرد. کسی نمی تواند وجود بعضی گناهکاران را در صفوف مجاهدین دلیل برای ترك جهاد خویش بگرداند. ترك جهاد ضررش همه عالم اسلام را تهدید میکند و باعث ذلت مسلمانان میگردد.

ابن حزم گنهگار ترین انسان کسی را می داند که اجازه نمی دهد مسلمانان تحت امارت امیر فاجر جهاد کنند و می گذارند کفار بر اراضی مسلمانان حاکم شود. درحالیکه فسق فجور امیر برای خودش بر میگردد و نفع جهاد وی به همه عالم اسلام می رسد

باب پنجم

مسؤلیت های افراد گروپ

این موضوع را تحت سه عنوان مورد برسی قرار میدهیم ! مسؤلیت افراد در برابر پروردگار، مسؤلیت افراد در برابر امیر و مسؤلیت افراد در برابر یکدیگر.

اول :مسؤلیت افراد در برابر الله متعال جل جلاله: که عبارتند از اخلاص ، تقوی ، صبر، امانت داری، احسان ، صدق وراستی، توکل، دعا و غیره .

۱ - **اخلاص** :- اخلاص و صفای نیت مربوط قلب است و جز الله متعال احدی بر آن چیره نمی شود . اخلاص تاثیر مستقیم بر ثبات و استقامت در میدان جنگ را دارد. الله جل جلاله می فرماید : **فعلم مافی قلوبهم فانزل السکینة علیهم** آنچه در دلهای آنها بود دانست و بر آنان سکینه نازل کرد .

۲ - **تقوی** :- تقوی یعنی بین خود و بین عذاب الله وقایه ایجاد کردن بواسطه انجام کارهای خوب. ترک کارهای بد و ترک کارهای مباح از ترس واقع شدن در کار های مکروه

انسان مسلمان با ارتقا بخشیدن مستوای بندگی به تقوی و کمال می رسد **یا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُواْ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** ای مردم پروردگارتان را

عبادت کنید که شما و کسانیکه پیش از شما بوده اند را آفریده است تا با تقوی شوید. البقره: ۲۱

میزان برتری انسان ها تقوی است. در سفر و حضر و در پنهان و آشکار تقوی باید داشت. بعضی ها در شهر و دیار خود متقی اند و چون به غربت روند جرایم عظیم را مرتکب می شوند. وکسانی هم در علانیه پرهیزگار و در سر اشرار اند. تقوی در پنهانی باعث سربلندی است. سنگرهای جهاد ومراکز ترننگ با فضای معنوی و روحانی یی که دارد بهترین زمینه را برای ایجاد تقوی در مؤمنان برابر میکند. خیلی وقت هاترك منطقه یی که انسان در آن عادت کرده وهجرت بسوی قوم صالح و محیط بهتر باعث ایجاد تغیر جزری در انسان ها میگردد. وقتی قاتل صد نفر با عالم مشوره کرد، او برایش گفت در فلان منطقه برو که مردم صالح هستند واین محیط را که در آن صد بار به قتل مرتکب شده یی ترك کن.

سنگرهای جهاد فضائ جدیدی را برای اصلاح نفس و رسیدن به تقوی مهیا می کند که بهترین چانس برای مجاهدان است. ترك راحت وحذف موانع انسان را به هدف می رساند.

از ثمره های تقوی فراخی رزق و روزی حلال است. «و یرزقه من حیث لا یحتسب»، از ثمره های تقوی پاکی از گناهان و بالا رفتن درجات انسان است. «ومن یتق الله یکفر عنه

سیآته ویعظم له اجرا) کسی که از الله بترسد گناهانش را کفاره نموده و اجر او را زیاد میکند

۳ - **صبر** - راه جهاد واعداد پر از مشکلات و سختی هاست ومجاهد مکلف است در برابر همه این مشکلات از صبر و استقامت کار بگیرد وهمه را تحمل نماید جنت زیر سختی ها پنهان است

(**أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاء وَالضَّرَّاء وَزُلْزِلُواْ حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللّهِ أَلا إِنَّ نَصْرَ اللّهِ قَرِيبٌ**) آیا گمان میکنید که داخل بهشت می شوید در حالیکه آنچه بر سر کسانیکه قبل از شما آمده بود بر شما نیامده. دچار سختی ها ومشکلات شدند و تکان خوردند تا جائیکه پیامبر و مؤمنان همراهش گفتند نصرت الله کی می آید بدان که یاری الله نزدیک است البقره : ۲۱۴

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : (**واعلم ان النصر مع الصبر وان الفرح مع الكرب وان مع العسريسرا**) بدان که نصرت همراه با صبر است و خوشی همراه با غم و همراه هرسختی آسانی است. از صبر در میدان جهاد این است که در برابر امیر خود صبور باشی. در سختی از وی اطاعت کنی و در محرومیت ها از او فرمانبردار باشی

از صبر در میدان جهاد صبر بر تکالیف و اذیت های یاران است زیرا مجاهدین سه گروه اند «فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله» زندگی اجتماعی و طی نمودن مسیر جهاد همکناری با افراد گوناگون را ایجاب میکند که باید در برابر اذیت افراد مضر صبور بود.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «المومن الذی یخالط الناس ویصبر علی اذاهم خیر من الذی لایخالط الناس ولایصبر علی اذاهم» مؤمنی که با مردم معاشرت میکند و بر اذیت آنان صبر میکند بهتر است از مؤمنی که از مردم کناره گیری میکند و تحمل اذیت آنانرا ندارد. روایت بخاری «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» وخشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد. آلعمران: ۱۳۴

اگر مجاهد بر آزار واذیت همسنگران صبر نکرده جهاد را ترک کند خساره بزرگ است.

وقتی مجاهدی حاضر به قربانی مال و جان خویش باشد حتماً باید این قربانی را هم بدهد که در برابر اذیت همسنگران صبر کند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «ما اعطی احدا عطاء خیراً و اوسع من الصبر» هیچ عطایی بهتر و فراختر

از صبر برای کسی داده نشده. متفق علیه از ابوسعید الخدری رضی الله عنه.

مجاهد باید کسی را که با وی ظلم نموده عفو نماید و برای کسی که با وی بدی کرده نیکی کند «**صل من قطعك واعف عن من ظلمك واحسن الی من اساء الیك**».

﴿ **خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ** ﴾

گذشت پیشه کن و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادانان رُخ برتاب. اعراف: ۱۹۹

۴ - **امانت داری**: - مجاهد باید امین باشد. امانت داری در اموالی که در اختیار دارد. امانت داری در حفظ اسراری که در سینه دارد. امانت داری در ادای مسؤلیت های که به عهده دارد.

بزرگترین امانت راز های پنهانی است چه راز های مسایل نظامی و جهادی باشد و چه رازهای برادران و همسنگران همه باید حفظ شود و افشاء نگردد.

امانت داری امیر این است که مناصب را به اهل آن توزیع کند. از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند چه وقت قیامت می شود. فرمودند: «**اذاضیعت الامانة فانتظر الساعة**» وقتی امانت خیانت شد انتظار قیامت باش. گفتند چگونه خیانت می شود فرمودند: «**اذا وسد الامر الی غیر اهله**» وقتی که مسؤلیت به انسان نا اهل سپرده شود

از امانت داری این است که در اموال بیت المال تصرف بی مورد صورت نگیرد و مصرف بیجا نشود.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: (**من استعملناه منکم علی عمل فکتمنا مخیطاً فما فوق کان غلولاً یاتی به یوم القیامة**: کسی را که به کاری بگماریم و سوزنی یا بالاتر از آنرا از ما پنهان کند. خیانت است و آنرا روز قیامت می آورد.

و می فرماید: (**ان رجالاً یخوضون فی مال الله بغیرحق فلهم النار یوم القیامة**: بعضی اشخاص در بیت المال با دست باز تصرف میکنند. آتش در روز قیامت در انتظار شان است. رواه البخاری عن خوله

۵ - **احسان**:- مراد از احسان درینجا کار را به وجه احسن و خوب انجام دادن است. هر وظیفه یی که برایت سپرده شود و هر مسؤلیتی که داری باید آنرا به وجه احسن و خوب انجام بدهی. (**ان الله یحب اذا عمل احدکم عملاً ان یتقنه**) الله دوست دارد وقتی که کاری را میکنید آنرا به وجه احسن انجام بدهید.

۶ - **راستی و صداقت**:- راستی و صداقت یعنی درست کاری و سخن راست یعنی مطابقت قول با ضمیر و با آنچه خبر میدهد. صدق در سخن و اعتقاد. صدق درجنگ و فدا کاری. صدق باالله یعنی انجام دادن فرایض و ترک محرمات

صدق بامردم. بخیر حال و آینده فرد تمام می شود و اما در جهاد و دعوت این صداقت است که رمز مؤفقیت اخوت وتوحید صف همسنگران است. کار دعوت و جهاد محتاج ترین کار برای صداقت است. صداقت ستون دین است

۷ - **توکل** :- باید اعتماد کامل و قلبی داشته باشیم. که الله جل جلاله بندگان مجاهد خود را نصرت و پیروزی می دهد هود علیه السلام میگوید : ﴿ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ رَبِّي وَرَبِّكُم مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴾ هود : ۵۶

توکل از اعمال قلب است و با شناخت اسماء و صفات الله ﷻ در انسان رشد میکند.

الله جل جلاله می فرماید: ﴿ وَعَلَى اللّهِ فَتَوَكَّلُواْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴾ و به الله توکل کنید اگر مومن هستید. المائده :۲۳

هر قدر ایمان قوی باشد توکل نیز قوی است و عکس آن نیز درست است . اما شرك در توکل این است که بر مخلوق در امورات مافوق اسباب اعتماد کند. مثل اینکه دوا بخورد و معتقد باشد که دوا شفا میدهد و یا به سلاح و امکانات اعتماد نموده و تصور داشته باشد که همین چیزها وسیله نصرت و پیروزی هستند

تهیه اسباب ضروری و لازمی است و عبادت دست وپا است و توکل به الله متعال عبادت قلب است

در حالات خاصی تنها توکل کار آمد است و بس مثل پناه بردن به الله از شر شیطان و مثل گیر افتادن در محاصره دشمن که هیچ چاره یی جز توکل به الله متعال وجود ندارد.

عبدالله بن عباس رضی الله عنه میگوید: (حسبنا الله و نعم الوکیل قالها ابراهیم علیه السلام حین القی فی النار و قالها محمد صلی الله علیه وسلم حین قالوا له (ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایماناً وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل) الله برای ما کافیست و بهترین کارساز است. این جمله را ابراهیم علیه السلام وقتی گفت که ایشان را در آتش می افگندند. و محمد صلی الله علیه وسلم وقتی گفت که برایش گفتند: مردم (مشرك) جمع شده اند برای (ریشه کن کردن) شما از آنها بترسید. پس ایمانشان را زیاد ساخت و گفتند حسبناالله ونعم الوکیل. رواه البخاری

هرکه بر الله توکل کند الله کفایتش میکند و برای او راه خروج باز میکند ﴿ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴾ و هرکس به الله اعتماد کند او برایش بس است الله ﷻ فرمانش را به انجام رسانده است. الطلاق: ٣

به راستی الله برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است. راز توکل درین است که قلب انسان تنها و تنها بر الله متعال اعتماد داشته باشد. دست به اسباب بردن بهتر است ولی

اعتماد کردن به اسباب درست نیست. اما وقتی اعتماد قلبی به اسباب باشند. گفتن توکل به خدا با زبان فایده یی ندارد.

در جهاد تهیه وسایل فرض است. چنانچه که جهاد فرض است ولی اعتماد قلب باید به نصرت الله متعال باشد نه وسایل چنانچه می فرماید: ﴿ واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ﴾ هرچه میتوانید برای مقابله شان قوت برابر کنید. ومی فرماید ﴿ وما النصر الا من عند الله ﴾ نصرت و پیروزی تنها از طرف الله ﷻ است. در غزوهٔ حنین وقتی اعتماد به سیاهی لشکر شد شکست آمد. وقتی تنها چندتن با پیامبر صلی الله علیه وسلم ایستادگی نمودند پیروز شدند.

۸ - **دعا** :- دعا عبادت است. و دعا حقیقت توکل است. الله متعال میگوید: دعا کنید می پذیرم. ﴿ وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴾ و پروردگار تان فرمود مرا دعا کنید برایتان اجابت میکنم در حقیقت کسانیکه از پرستش من تکبر می ورزند به زودی خوار و ذلیل در دوزخ داخل خواهند شد. غافر: ۶۰

در میدان جهاد دعاهای زیادی است که پیامبرصلی الله علیه وسلم برای مجاهدین آموخته است

مسلمانی که رزق او حلال باشد دعایش پذیرفته می شود مسلمان دعایش یا بصورت عاجل و یا در آینده پذیرفته می شود . ویا بلائی به مثل دعایش از او بدور داشته می شود و یا در آخرت پاداش آنرا می گیرد. بعضی دعا ها در جهاد قرار ذیل است : (اللــهم انت عضدی وانت نصیری بك احــول وبــك اجــول وبك اقاتل) (اللهم منزل الكتاب ومجری السحاب وهازم الاحزاب، اهزمهم وانصرنا عليهم) (اللهم انا نجعلك فی نحورهم ونعوذ بك من شرورهم)

۲ - مسؤلیت افراد در برابر امیر لشکر

اول : سمعْ و اطاعت (شنیدن و فرمانبردن)

دوم : نصیحت و خیر خواهی .

سوم : توقیر وا حترام .

اول :- سمع واطاعت امیران عبادت است . زیرا اطاعت از امیر اطاعت از الله متعال است. و همین اطاعت باعث وحدت صف و وحدت نظر می شود. و از اختلاف نظر که سبب اصلی انشقاق و تفرقه است جلو گیری می شود.

الله جل جلاله می فرماید : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ ﴾ ای مومنان اطاعت الله و اطاعت پیامبر و ولی امر از خود تان را بکنید (النساء ۵۹)

از ابوهریرة رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من اطاعنی فقد اطاع الله ومن عصانی فقد عصی الله ومن یطع الامیر فقد اطاعنی و من یعصی الامیر فقد عصانی» کسی اطاعت مرا بکند اطاعت الله را کرده است و کسی که اطاعت امیر را بکند اطاعت مرا کرده است وکسی که نافرمانی امیر را بکند نافرمانی مرا کرده است. متفق علیه

از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اسمعوا و اطیعوا و ان استعمل علیکم عبد حبشی کان راسه زبیبه» بشنوید و اطاعت کنید ولو اگر بر شما غلام حبشی امیر تعین شود و سرش به اندازه کشمش باشد. رواه البخاری

وایل بن حجر رضی الله عنه میگوید: سلمه بن یزید الجمحی پرسید یارسول الله اگر امیران ما حق خود را از ما پوره بخواهد ولی حق ما را ندهند آیا از آنان اطاعت کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم از او روی گرداند. دو باره پرسید آنوقت فرمودند: «اسمعوا واطیعوا انما علیهم ما حملوا و علیکم ما حملتم» بشنوید و اطاعت کنید که بدون شک گناه آنها بر آنها و گناه شما بر دوش خود تان

در روایت دیگری می فرماید: «علیك السمع و الطاعة فی عسرك و یسرك و منشطك ومکرهك و اثرة علیك» برتو

سمع و اطاعت است در سختی و آسانی ات و در سر حالی و ناخوشی ات رواه مسلم عن ابی هریرة

بطور خلاصه گفته می توانیم که اطاعت از امیر در حالات سخت و زمان راحت در هر دو صورت واجب است. اطاعت حقیقی در سختی ها می باشد. در زمان آسودگی و راحت و در امورات ساده و خوش آیند مؤمن و منافق همه اطاعت می کنند. در اصل افراد مؤمن و افراد منافق صف دعوت وجهاد در هنگام سختی ها شناخته و متمایز می شوند. مؤمنان واقعی کسانی اند که در مشکلات و دشواری ها می شنوند و اطاعت می کنند.

الله جل جلاله در مورد منافقان می فرماید: ﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لاَّتَّبَعُوكَ وَلَـكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ اگر مالی به سهولت بدست آمد و سفری کوتاه باشد حتماً از پی تو می آمدند ولی آن راه پرمشقت برایشان دور جلوه میکند و قسم خواهند خورد که اگر می توانستیم حتماً با شما بیرون می شدیم (با سوگند) خود را به هلاکت می کشانند و الله جل جلاله میداند که سخت درغگو اند. التوبه ۴۲

الله جل جلاله بر لشکریان راهش سختی ها را می آورد تا صف تمیز شود و مؤمن و منافق از هم جدا شوند و لشکر اسلام پاک و صالح بماند و در نتیجه مستحق نصرت الهی

گردد می فرماید : وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ و آنچه در روز مقابله دو گروه به شما رسید به اذن الله بود و تا مومنان را معلوم کند
آلعمران : ۱۶۶

عمرو بن العاص مسؤل جمع آوری صدقات قضاعه بود. ابوبکر رضی الله عنه خواست او را برای جهاد به شام بفرستد. بناءً برایش نوشت می خواستم شما را برای کاری که در دنیا و آخرت برایت بهتر است فارغ سازم ولی اگر در کاری که هستی دوست داری بمانی اشکالی ندارد.

عمرو رضی الله عنه نوشت : (انی سهم من سهام الاسلام وانت عبدالله الرامی بها) من تیری در کمان اسلام هستم و تو فیر کننده آن. سخترین و ترسناك ترین هدف را مشخص نموده و تیرت را بینداز.

از امیر اطاعت صورت گیرد ولو اگر بعضی اشتباهات داشته باشد. از امیر اطاعت واجب است ولو اگر حق بعضی را پایمال کند ولو اگر امیر شخصی بی نام ونشان و یا کم سن و سال باشد

از امیر اطاعت صورت گیرد ولو اگر کار بهترین را می گذارد و به بهتر عمل میکند.

از امیر در مسایل اجتهادی اطاعت شود ولو اگر نظر افراد غیر از آن باشد.

وقتی بر خلاف پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و شیخین. عثمان رضی الله عنه در منی نماز را کامل خواند. ابن عمر و ابن مسعود با وجود اختلاف نظر با ایشان از امیر المومنین عثمان اطاعت نموده و نماز را کامل خواندند. بناءً از اجتهاد امیر باید پیروی شود زیرا اطاعت وی واجب است.

امورات مباح و مسایل فنی باید موافق رای امیر باشد.

بدون اجازه امیر از محل تجمع خارج نشود. ابن قدامه میگوید نباید گاه چیدن برای اسپ خود و یا چوب جمع کردن و غیره بدون اجازه امیر خارج قرار گاه برود زیرا الله جل جلاله می فرماید: ﴿وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ﴾ وهنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا ازوی کسب اجازه نکرده اند نمی روند. النور: ۶۲

زیرا امیر میداند که دشمن در کجاست و این موقیت چگونه جایی هست. اگر بدون اذن امیر خارج شود شاید در کمین دشمن بیفتد ویا کاروان حرکت کند و او را فراموش کنند.

نوشته های امیر چون اوامر شفاهی ایشان است اطاعت از امیر در معروف یعنی کارهای شایسته است.

افراد در معصیت از امیر اطاعت نکنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «فاذا امر بمعصية فلا سمع و لا طاعة» وقتی به گناه امر کند نه شنیدن است و نه فرمانبردن

واطاعت از امیر تاسرحد توان است (**اتقوا الله مااستطعتم**) تا حد توان از الله بترسید

(**ومماامرتکم بشئ فاتوا منه ما استطعتم**) آنچه را به شما امر میکنم هر قدر آنرا که میتوانید انجام بدهید.

بعضی ها در ظاهر اطاعت می کنند و در خفا نافرمانی و فساد. بعضی ها در سهولت ها مطیع و درسختی ها نافرمان اند.

امارت خواستن خلاف شریعت است، و حرص به جاه و منصب از امراض مهلکی است که بدتر از گرگ درنده دین را می درد.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: (**انکم ستحرصون علی الامارة وستکون ندامه یوم القیامة**: شما برای بدست آوردن امارت حریص هستید در حالیکه در قیامت باعث پشیمانی خواهد بود. (بخاری)

گاهی اوقات برای بدست آوردن امارت جنگ های صورت میگیرد که قاتل و مقتول در آتش اند. اما اگر برای اولی امارت شرعی منعقد شده باشد. باید جلو دومی گرفته شود.

در طول تاریخ جنگ های قدرت طلبی بین مسلمانان باعث گردیده تا کفار بر مسلمانان مسلط شوند.

جنگ های ذات البینی در شام باعث حمله صلیبی اول شد و در اندلس باعث تبدیل شدن آن از دار الاسلام به دارالکفر گردید.

کسی که کارهای نمایشی انجام میدهد و ابراز استعداد میکند تا به او متوجه شوند و امارت را برایش بسپارند. نیت او فاسد بوده و عملش ضایع میگردد. و جائز نیست منصب به کسی سپرده شود که خودش می خواهد. پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: **انا لانولی هذا الامر احداً ساله او حرص علیه**: کسی که بر امارت حریص باشد یا آنرا بطلبد مقررش نمی کنیم. متفق علیه

دوم: - نصیحت وخیر خواهی برای امیر:

دلیل نصیحت برای امیران مسلمان حدیث تمیم بن اوس داری رضی الله عنه است که می فرماید: **الدین النصیحه قلنا لمن قال لله و لکتابه ولرسوله و لائمة المسلمین و عامتهم**: دین خیر خواهی است. گفتیم برای کی؟ فرمود برای الله ﷻ و کتابش و پیامبر وی و امامان مسلمانان و عوام مسلمانان.

رواه مسلم

نصیحت به امیران این است که در معروف از آنها فرمانبرداری شود و با ایشان همکاری. و از آنچه غافل شدند. به آنان یاد آوری و نافرمانان را به اطاعت واداری. همچنان از نصیحت این است که در عقب آنان نماز بگذاری و همراهشان بر دشمنان بتازی و بر ایشان صدقات را بپردازی و ایشان را از دعاهایت بر نه اندازی و روبرویشان بر ثنای کاذب بر ایشان نپردازی این هم شامل نصحیت

است که از اوضاع و احوال رعیت آنانرا آگاه سازی و نقاب از چهره های مفسد بر اندازی تا جلو فساد گرفته شود و رعیت آسوده.

چنانچه زید بن ارقم سخن عبدالله بن ابی بن سلول را که گفته بود (**لان رجعنا الی المدینة لیخرجن الاعزمنه الاذل**) برای پیامبرصلی الله علیه وسلم رساند.

بعد از تقسیم غنایم حنین شخصی از انصار گفت (**والله ما اراد بهذا وجه الله**) عبدالله بن مسعود سخن او را به پیامبرصلی الله علیه وسلم رساند. روی ایشان سرخ شده فرمودند. **رحمة الله علی موسی لقد اوذی باکثر من هذا و صبر**: رحمت الله بر موسی باد بیشتر از اینها اذیت شد و صبر کرد. این چنین ایرادات بر مقام امارت گرفتن بر خواسته از نفاق بوده و افشای چهرها جائز است.

اما در مسایل کوچك و مشکلات و خلاهای شخصی افراد. عدم ابلاغ امیر بهتر است. چنانچه پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید (**لایبلغنی احد من اصحابی عن احد شیاء فانی احب ان اخرج الیکم وانا سلیم الصدر**)

هیچ صحابی من از کسی چیزی برایم نرساند بخاطریکه من می خواهم در میان شما با سینه صفا و بدون تشویش وارد شوم. رواه ابوداود

این در حالی است که ضرورتی برای ابلاغ آن نباشد و فتنه یی با این پنهانکاری ها رخ ندهد. در غیر اینصورت حتی مناسب است که امیر کسانی را بگمارد که در خفا احوال مردم را برایش برسانند. ولی باید شخص و یا اشخاص مذکور نهایت امانت دار و مطمئن باشند.
نصیحت و مشوره های نیك و توجیهات سالم برای امیر بهتر است پنهانی صورت گیرد. زیرا نصیحت در تنهایی مؤثر و مفید می باشد. ولی اگر علنی مفید تر باشد اشکالی ندارد.

سوم : توقیر واحترام امیر

یکی دیگر از حقوق امیر بر اعضاء توقیر و احترام امیر است.
ابوموسی اشعری روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (ان من اجلال الله تعلی اکرام ذی الشیبة المسلم و حامل القرآن غیر الغالی فیه و الجافی عنه و اکرام ذی السلطان المقسط) از احترام و توقیر الله. احترام موی سفید مسلمان است و احترام حامل قرآن که در آن غلو و با آن جفا نکرده باشد واکرام پادشاه عادل. رواه ابوداود
امام احمد و فضیل بن عیاض رحمهما الله میگویند. اگر بدانیم کدام دعای ما قبول می شود همان را مخصوص پادشاه میگردانیم. در عزت و احترام امیر وحدت صف و

توحید کلمه مسلمانان نهفته است و این هدف بزرگی در اسلام است.
شایان ذکر است که مقصد از توقیر و احترام غلو و افراط نیست بلکه حد وسط و مناسب و هر آنچه در آن خیر اسلام و مسلمانان باشد همان مقصود است.

۳ : حقوق افراد بر یکدیگر

الف : **خدمت** :- خدمت به مردم صدقه است. دست برداشتن از اذیت دیگران نیز صدقه است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (کف شرك عن الناس فانها صدقة منك علی نفسك) شر خود را از سر مردم کم کن که همین صدقه خودت برای خودت است.
بناءً گفته می توانیم که خدمت به دیگران بخشی از ارتباط با دوستان است و ترك آزار و اذیت شان بخش دیگر آن.
کمترین احسان و خوبی با دیگران این است که آزار و اذیت تو به آنان نرسد. یحیی بن معاذ میگوید. مسلمان باید حد اقل این سه نفع را از تو ببرد: اگر نفع برایش نرساندی ضرری هم نرسان. اگر خوشحالش نمی کنی جگر خونش نساز. اگر توصیفش نمی کنی ملامتش نکن.

ب : **حیا** - حیا بهترین وسیله برای خوبی بدیگران است کسی که از الله حیا کند اوامرش را بجا میکند و کسی که از

مردم حیا کند به آنان نفع می رساند و دست از اذیت آنان بر می دارد.

حیا تا حدی فطری است و تا حدی کسب می شود. شناخت صفات الله و معیت الله و اینکه الله خیانت چشم ها و راز های درون قلب را میداند در انسان حیا می آفریند. اگر از اولی محروم بود، دومی را بکار گیرد.

ج: **احترام متقابل**:- همچنان قاعده بی نهایت با ارزش وقیمتی را پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم برای بهبود روابط با دیگران وضع نموده می فرماید: (**لا یومن احدکم حتی یحب لاخیه مایحب لنفسه**) وقتی کسی چیزی را به خود می پسندد بدیگران بپسندد و اگر چیزی را به خود نمی پسندد بدیگران نپسندد. بدون شك قدم بزرگی در راه خدمت بدیگران برداشته است.

د: **عدم اذیت و آزار**:- اذیت ها می تواند با دست، قلم و زبان باشد، چون: تمسخر، استهزاء، القاب بد، دشنام، غیبت، بهتان، چغلوی، لعنت کردن، شهادت دروغ، و بلاخره فحش گویی وغیره. سوره حجرات به اکثر این موارد اشاره کرده و احادیث زیادی در وعید آنان آمده است.

این چیز ها بد ترین ذرایع برای فساد ذات البینی اند. قلفی که برزبان انداخته می شود همان حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می فرماید: (من کان یومن بالله والیوم

الاخر **فليقل خيراً او ليصمت** » بناءً هرگاه شك كردی كه در گفتن این الفاظ مصلحت نیست و خیری از آن تصور نمی شود حتماً آنرا بر زبان نیاور. نوشتن مثل گفتن است. نباید آنچه را بنویسی كه خیر نیست. و برای كسی دسیسه بسازی كه همسنگر و هم كیش توست. و بدان كه دسیسه سازی دامن گیر خودت خواهد شد. الله متعال می فرماید :

« **ولا يحيق المكر السيئ الا باهله** »

هـ : عدم تعرض به خصوصیات دیگران :- تدخل در شؤنات دیگران بدون موجب مصدر آذار و اذیت دیگران است كه بعد از آفات زبان می آید. راه نجات ترك تدخل بیجا در امورات دیگران است. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : « **من حسن اسلام المرءتركه ما لایعنیه** » از خوبی مسلمانی یك شخص ترك مداخله در اموراتی است كه به او ربط ندارد. روا ه ترمزی

بناءً در خصوصیات دیگران كه هیچ فایده یی ندارد و ربطی هم به ما ندارد نباید مداخله كرد. ابن رجب میگوید این حدیث قاعده و اصل بزرگی برای آداب و انسانیت است مسلمان خوب با چیزی كه برایش مربوط نیست كاری ندارد. در خصوصیات دیگران داخل نمی شود. و در پی جستجوی احوال خصوصی یاران خود نمی باشد و در كشف امورات پنهانی و عورات آنان نمی كوشد

امام ابوزید مالکی میگوید همه اخلاقیات در چهار حدیث ذیل جمع شده است

۱- **من کان یومن بالله والیوم الآخر فلیقل خیرا اولیصمت**

۲- **من حسن اسلام المرء ترکه ما لا یعنیه**

۳- **لا یومن احدکم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه**

۴- **لا تغضب** (این جمله را پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب شخصی گفت که از وی خواست تا برایش نصیحت کوتاه نماید)

خ: عدم تکبر:- ترک تکبر و خود بزرگ بینی موجب بر قراری رابطه یاران باهمدیگر می شود. و بر عکس آن فساد ذات البین است. انسان متکبر را کسی دوست ندارد و به او احترام نمی گذارند. کسی با وی رابطه دوستی وهمکاری بر قرار نمی کند. کبر یعنی پایمال کردن حق وتحقیر دیگران پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (**الکبر بطر الحق وغمط الناس**) کبر نپذیرفتن حق و تحقیر مردم است

کبر مانع بزرگی برای انسان متکبر در برنامه های اجتماعی وی می باشد. نمی تواند در کارهای اجتماعی حصه بگیرد انسان متکبر خود را در اوج کمال می بیند و هر قدر دیگران صاحب کمال و برتری باشند آنان را نسبت به خود حقیر و ناچیز دانسته به حرف آنان گوش نمی دهد.

و گاهی اوقات صفت کبر در انسان باعث آزار و اذیت دیگران می شود.
پیامبرصلی الله علیه وسلم در مورد انسان متکبر خود بزرگ بین می فرماید: (**لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال ذرة من کبر:** کسی که ذره یی از کبر درقلبش باشد درجنت داخل نمی شود. رواه مسلم

ط :- ضرر نرساندن :- ضرر رساندن چه زبانی باشد، چنانچه که گذشت چه جسمی و یا مالی و یا تعرض به حیثیت و آبروی دیگران، همگی باعث فساد ذات البینی شده مشکلات و عقبات بزرگی را در برنامه های اجتماعی و تسریع روند امورات جهادی ایجاد میکند.
در حدیث ابن ماجه ابوسعید رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (لاضرر و لا ضرار) ضررمی تواند برای خود و یا به دیگران برساند. و ضرار این است که هر طرف میکوشد به جانب مقابل ضرر برساند.
ضرر می تواند قصدی باشد و می تواند در نتیجه تکاسل و بی احتیاطی و از روی تنبلی باشد. مجاهدین نهایت بکوشند که همراهانشان از آنان آصیبی نبینند. بطور مثال مواد منفجرة و یا اوراق اسرار را در جای نامناسب گذاشتن سر و صدا کردن در اوقات خواب. انداختن کثافات در محل های عام و رفع حاجت در نقاط نزدیك مردم. اخلال درس

های تربیوی و نظامی و غیره از اضرار به دیگران محسوب می شود

ی : **ترک بدگمانی** :- گمان بد انسان را در مغالطه می اندازد و فرد را وا میدارد تا در مورد دوستان تجسس کند و برای گمان های بد خود دلایلی پیدا کند. که در نهایت منجر به غیبت، بهتان و اضرار به دیگران می شود.

الله متعال می فرماید : ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلاَ تَجَسَّسُوا وَلاَ يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا** ﴾ ای مومنان از بسیاری گمان ها بپرهیزید بدون شك بعضی گمان ها گناه است و تجسس نکنید و بعضی غیبت بعضی دیگر را نکنند.

ترتیب را در آیه دقت کنید، ببینید که چطور بدگمانی باعث تجسس و آن باعث غیبت می گردد. بدی، بدی دیگری را بدنبال می آورد.

مجاهدین نباید در مورد افعال برادران خود سریعاً قضاوت کنند و با توجه به ظاهر قضیه فوراً حکم صادر نمایند. بلکه انتظار بکشند که این کردار ها و اعمال برای چه بوده است. افعال ظاهراً غیر پسندیده خضر علیه السلام باعث می شود که موسی علیه السلام فوراً اعتراض کند. ولی وقتی خضر توضیح داد دیگر نزد موسی علیه السلام اعتراضی باقی نماند. تا واضح شدن حقیقت انتظار باید کرد. وگمان ها را کنار باید گذارد.

در حدیث متفق علیه ابو هریرة رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند «ایاکم والظن فان الظن اکذب الحدیث» از گمان بد بپرهیزید که دروغ ترین سخن ها گمان بد است.

ک :استیذان :- استیذان یا اجازه گرفتن در اماکن خاصی لازم است و هدف حفظ چشم و گوش داخل شونده از عورت های صاحب منزل است که نمی خواهد در معرض دید و شنید قرار بگیرد.

الله جل جلاله می فرماید : ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ ای مومنان به خانه های غیر از خانه خود تان داخل نشوید تا اجازه بگیرید و سلام به اهالی آن بدهید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید «انما جعل الاستیذان من اجل البصر» اجازه بخاطر چشم لازم گردیده است. نامه ها نیز بدون اجازه خوانده نشوند. درین رابطه ابوداود حدیثی از ابن عباس روایت میکند اما سند آن ضعیف است «من نظر فی کتاب اخیه بغیر اذنه فکانما ینظر فی النار» کسی که بدون اجازه به نوشته برادرش نگاه کند گویا به آتش نگاه کرده است.

ل : با سلاح مزاح نکردن نباید مسلمان برادر مسلمان خود را با سلاح اذیت و آزار بدهد. در حدیث شریف از اشاره نمودن

با سلاح بطرف مسلمان به قصد مزاح یا غیر مزاح شدیداً نهی شده است

ابوهریرة رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (**من اشار الی اخیه بحدیدة فلیتبوا مقعده من النار**: کسی که با آهنی بسوی برادرش اشاره کند باید جایگاهش را در دوزخ انتخاب کند.

نیزه و برچه و غیره که نوك تیز دارد نباید در مساجد و اجتماعات عام بدون محافظ و پوش حمل شود.

مزاح به شکل کلی منع نیست. ولی افراط در مزاح مسایل زیادی را بار می آورد. شخص مزاح کننده گاهی برای خنداندن مردم به دروغ گفتن و توهین دیگران متوصل می شود و در نهایت کینه ها و عداوت ها را بار می آورد و همچنان کسی که درین صفت مشهور شود هیبت ووقارش نزدیاران کاسته می شود.

م : افشا نکردن اسرار :- از حقوق همسنگران فاش نکردن اسرار جهادی و اسرار شخصی یاران است.

ابوداوداز جابر رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: **اذا حدث الرجل الحدیث ثم التفت فهی امانه**) وقتی مردی سخنی را می گوید و این طرف و آنطرف خود را نگاه میکند آن سخن امانت است.

همچنان از ایشان روایت شده که (**المجالس بالامانة**) مجلس ها (سخنی که در مجلس گفته می شود) امانت است.
انس رضی الله عنه میگوید : رازی را پیامبر صلی الله علیه وسلم برایم گفت به هیچ کسی نگفتم حتی ام سلیم از من پرسید نگفتم. راز انسان، اسیر و گروگان در دست اوست. وقتی آنرا افشا کرد او اسیرش می شود.
افشاء کردن راز دیگران از افشاء کردن راز خود بدتر است و بدتر از هردو افشاء کردن راز جهاد و اسرار نظامی مجاهدین است، زیرا دشمن بهره می برد.

بعضی روش ها برای حفظ دوستی و همسنگری

۱ – سخن های خوب و شرین گفتن وچهره خندان و پیشانی باز داشتن:
عدی بن حاتم در حدیث متفق علیه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند. (**اتقوا النار ولو بشق تمرة فمن لم يجد فبكلمة طيبة** : از آتش بترسید ولو با (صدقه دادن) نیم خرا. اگر کسی (آنرا هم) ندارد پس با گفتن سخن زیبا ...
امام مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فزمودند: **لا تحقرن من المعروف شياء و ان تلقى اخاك بوجه طلق**: از نیکی هیچ چیزی را حقیر نشمار ولو اگر با برادرت به چهره خندان روبرو شوی.

۲ - اداء کردن حقوق شش گانه مسلمان بالای مسلمان:
این حقوق عبارتند از سلام دادن. عیادت مریض. نماز جنازه، پذیرفتن دعوت جواب عطسه. مشوره نیک و نصیحت کردن اگر بخواهد.

۳ - حسن خلق یا اخلاق نیکوداشتن :- روش نیکو و اخلاق درست با همسنگران در زندگی زیبایی می آفریند. مسلمان باحسن خلق درجه روزه داران و شب زنده داران را کمایی میکند:

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: **اتق الله حیثما کنت واتبع السیئة الحسنة تمحها و خالق الناس بخلق حسن**:
هرجا که باشی از الله بترس و در عقب هر بدی نیکی کن محوش میکند و با مردم به اخلاق نیکو رفتار کن.
رواه الترمذی عن معاذ
حسن خلق از نشانه های تقوی و معنی آن پیشانی باز. احسان و خوبی کردن آذار ندادن، و مشکلات و سختی های دیگران را متحمل شدن است.

۴ - همکاری در رفع مشکلات همسنگران و ستر نمودن عورات ایشان

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: **من نفس عن مومن کربة من کرب الدنیا نفس الله عنه کربة من کرب یوم لقیامة و من یسر علی معسر یسر الله علیه فی الدنیا و لاخرة و من ستر مسلماً ستره الله فی الدنیا و الاخره**

کسی که مشکلی از مشکلات دنیا را از مومن کم میکند الله مشکلی از مشکلات آخرت وی را بر میدارد. کسی که به سختی کشیده یی آسانی می آورد الله در دنیا و آخرت برایش آسانی می آورد و کسی که مومنی را بپوشاند الله او را در دنیا و آخرت ستر می کند. رواه مسلم

اگر همسنگرت را در گناه دیدی پنهان کن و رسوایش مکن و او را نصیحت کن. مگر اینکه کارش موجب ضرر برای دیگران بود و مصیبت آن دامنگیر می شد. درین صورت تنها امیر را در جریان بگذار. و از آن داستان قیل و قال مساز که در هر کجا یی آنرا به زبان آوری و پخش و نشر کنی

مدارا بادیگران :- مدارا این است که حتی اگر با کسی مشکلی هم داری برویش نیاور. یعنی وقتی با او رو برو هستی رفتاری بکن که شایسته است.

ابودرداء رضی الله عنه میگوید ما در مقابل بعضی ها می خندیم در حالیکه دلهای ما لعنت شان میکند. مدارا یعنی تواضع و انکسار و نرمی در رفتار و گفتار و ترک خشونت است وقتی با مردم در اجتماع معاشرت میکنی. طبعیت ها .عادات و تقالید مختلف دارند مجبوراً بایدمدارا کنی تا بتوانی در آنان اصلاح و تغیر ایجاد کنی

اصلاح ذات البینی :- در جامعه اسلامی طبعیت های متفاوت وجود دارد و بعضی مشاجرات و درگیری ها ایجاد می شود هر مسلمان باید در رفع سوء تفاهمات و اصلاح ذات البینی

کوشد. الله جل جلاله می فرماید: «اتقوا الله واصلحو ذات
ینکم» تقوی پیشه کنید و در میان تان اصلاح بیاورید. در
صلاح ذات البینی دروغ نیز جائز است ام کلثوم بنت عقبه
ضی الله عنها میگوید پیامبر صلی الله علیه وسلم
رمودند: (لیس الکذاب الذی یصلح بین الناس فینمی
یرا و یقول خیراً) کسی که در میان مردم اصلاح میکند
روغگو نیست، خیر را انتقال میدهد و سخن خیر میگوید.
متفق علیه
ساد ذات البینی حالقه (تیغ موی تراشی) است. ولی نه
رای تراشیدن موی بلکه برای تراشیدن دین. دین را از قلب
نسان ریشه کن میکند.

خاتمه:

له تبارك و تعالی می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا
حَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ
رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» بدون شك پیامبران
ود را با دلایل واضح (روشن) فرستادیم و همراه شان
تاب و ترازو را نازل کردیم تا مردم به عدالت و تقوی
خیزند وآهن را فرستادیم که در آن جنگ شدید است و

فایده های برای مردم و تا الله بنمایاند که چه کسی او و پیامبرش رانادیده نصرت میکند .الله قوی عزتمند است

الحدید ٢٥

از آیه مبارکه معلوم می شود که تطبیق حق به قوت ضرورت دارد . دین حق با کتاب . میزان و آهن بردیگر ادیان غالب میگردد. کتاب هدایت کند و آهن کمك گرش باشد.

جهاد از دین دفاع میکند و با ترك آن مسلمانان ذلیل می شوند. راه رسیدن به جهاد ساختن جماعت و گروه است که امیری آنرا رهبری کند و دیگران بشنوند واطاعت کنند و تحت قیادت وی بجنگند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (آمركم بخمس الله امرنی بهن بالجماعة والسمع والطاعة و الهجرة والجهاد) این رساله موضوع جهاد را برسی کرد و موضوعات تشکیل جماعت و صف ،اطاعت از امیر... را تفصیلی بحث نمود جهاد راه عزت و قیادت در دنیا و سعادت در آخرت است. بلندترین قلهٔ اسلام است . و بالاترین مقام بندگی است با جهاد بر ضد کسانی می جنگیم که بر الوهیت پروردگار تجاوز کرده اند. جهاد برضد حکام مرتد که در سرزمین های اسلامی به شریعت غیر اسلام حکم میکنند فرض عین بر اکثر مسلمانان عالم است. این جهاد بر جهاد علیه دشمنان دیگر اسلام مقدم است. زیرا جنگ با مرتدین و کفار قریب تر اولویت دارد.

ابوبکر صدیق رضی الله عنه قتال مرتدین را بر همه چیز اولویت داد. نشستن از جهاد گناه بزرگی بر دوش عوام است و درحق علماء بدتر. امروز کفار اظهار قوت می کنند و می خواهند دنیا را با زور بدور خود بچرخانند. ما باید حداقل در مقابله با آنان قوت تهیه کنیم.

(**واعدوا لهم ما استطعتم من قوة**)(**المومن القوی خیرو احب الی الله من المومن الضعیف**)مومن قوی (زور و بازودار بهتر و نزد الله محبوبتر نسبت به مومن کم جان است.

جهاد به افراد، اموال و اسلحه ضرورت دارد، افراد آن جوانان اند و به دعای ضعیفان کامیاب می شوند. برای همین به جوانان این رساله را نوشتم امیدوارم که الله قبول فرماید و جوانان نفع بردارند. مرگ حتما می آید وجهاد اجل را قریب نمی سازد و رزق و روزی رامحدود نمی کند.

بیرق جهاد باید واضح باشد و رهبری جهاد باید مخلص باشد و از اسلام درك سالم داشته باشد و با وجود این جهاد بر آحاد مسلمانان، نیکوکار شان و بدکار شان فرض است.

این مختصری از موضوعات مختلف در مورد جهاد بود که برای خوانندگان عزیز تقدیم شد. هر مساله یی که در آن خلاف سنت ثابت گردد من از آن رجوع کرده و به حدیث باز میگردم

و آخردعوانا ان الحمد لله رب العالمین

عبدالقادر بن عبدالعزیز

خاتمه مترجم

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله و بعد !

الحمدلله تلخیص وترجمه رساله العمدة فی اعداد العدة اثر برادر مجاهد و بزرگوار ما عبدالقادر بن عبدالعزیز را به اتمام رساندم. پروردگار آنرا برای مجاهدین سنگر رهنمائی مفید بگرداند. و ما را در ثواب نویسنده و خواننده شریك سازد.

آمین یا رب العالمین

و صلی الله علي سیدنامحمد وعلی آله وصحبه اجمعین

قاضی عبدالحی (فقیری)

محرم ١٤٣١ هـ ق

نصرت مینه

از متن کتاب

مومن و منافق قرار داده است. هر آنکه اعداد را ترک کند منافق است (ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة)
اعداد دو نوع است مادی و معنوی که اولی با کسب قوت و مهارت بدنی و ترننگ وتمرین نظامی ودومی با فرا گرفتن
علوم شرعی درباره جهاد و تزکیه نفس حاصل می شود. پیامبر ص می فرماید: کسی که
نشان زدن (انداخت) را یاد بگیرد بعد فراموش کند از ما نیست. درشرایط فعلی جهاد بر هر مسلمان بالغ فرض عین است.
بناءً اعداد و ترننگ جهادی اند کی قبل از بلوغ بر همگان فرض عین است و به اجازه مقید نیست.
قبل از استعمار ترننگ نظامی برای همگان میسر بود. حکومت های مزدور حمل سلاح را به گروه خاص
منحصر کرده وعوام را از آن محروم ساخت. درحالیکه سلاح زینت مردان است وتنها در هنگام باران
ویا مریض اجازه دارند آنرا به زمین بگذارند.